

# مطالعات تربیتی و روانشناسی خاندان‌واره

نشریه انجمن علمی پژوهشی تعلیم و تربیت - سال دوم، زمستان ۹۷



بسم الله الرحمن الرحيم

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش جامعه الزهراء علیها السلام

مدیر مسئول: ریحانه حقانی

سرمدبیر: حسین رضائیان بیلندی

مدیر داخلی: نرگس شاعری

ویراستاران: محمدیوسفی

طراح گرافیک: محمد حسین همدانیان

## هیأت تحریریه

ریحانه حقانی: استاد جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله - گروه فلسفه و کلام

محمدصادق شجاعی: استادیار - جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله - گروه روان شناسی

نجیب الله نوری: استادیار - جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله - گروه مطالعات آموزشی

علی نقی فقیهی: دانش یار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم

عباسعلی هراتیان: مدرس حوزه و دانشگاه - گروه روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حسین رضائیان بیلندی: مدرس حوزه و دانشگاه - گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

سیده زینب رضوانی دیوکلائی: دانش آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت جامعه الزهراء علیها السلام

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی، جامعه الزهراء علیها السلام - تلفن: ۳۲۱۱۲۱۷۶ - ۰۲۵

آدرس الکترونیکی: [anjoman.pajohesh@jz.ac.ir](mailto:anjoman.pajohesh@jz.ac.ir)

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

## راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) و حجم آن حداکثر ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ کلمه باشد.
۲. عنوان:  
عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
۳. مشخصات نویسنده:  
شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۴. چکیده:  
آیینیه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو و ماهیت پژوهش، هدف پژوهش، روش تحقیق و اشاره به مهم‌ترین نتایج باشد و در ده سطر یا ۱۵۰ کلمه تنظیم شود.  
واژه‌های کلیدی: واژه‌های کلیدی باید حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازد، انتخاب شود.
۵. مقدمه:  
شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.
۶. بدنه اصلی مقاله:  
۶-۱. بدنه مقاله شامل متن اصلی و بندهای مجزا بوده، به گونه‌ای که هر بند حاوی یک موضوع مشخص باشد و هر دسته از موضوعات مرتبط در ذیل یک عنوان خاص قرار می‌گیرد.  
۶-۲. در ساماندهی بدنه اصلی لازم است به مواردی چون: توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده و تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، پرداخته شود.  
۶-۳. در مواردی که مطلبی بعینه از منبعی نقل می‌شود، ابتدا و انتهای آن مطلب در گیومه «» قرار داده شود.
۷. نتیجه‌گیری:  
قریب ۱۰۰-۲۰۰ کلمه و شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش و ارائه راه‌کارها و پیشنهادات.
۸. ارجاعات:  
ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:  
۸-۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).  
منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛  
مثال: (planting, 1998, p.71).  
آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵).  
۸-۲. چنانچه نام خانوادگی مؤلف، مشترک باشد باید نام او هم ذکر شود.

- ۳-۸. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
- ۴-۸. چنانچه به دو اثر یا مؤلفان متفاوت ارجاع داده شده است به این صورت به آن دو اشاره شود:  
(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه / نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)
- ۵-۸. یادداشت‌ها و پانوس‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون‌متنی (بند ۸) خواهد بود).
۹. فهرست منابع:
- در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
- ۱-۹. کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).
- مثال: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
- ۲-۹. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، از صفحه تا صفحه.
- مثال: فرامرز قراملکی، احد، «طبقه بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان ۹۱، ص ۲۳۵-۲۵۰.
- ۳-۹. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ نام ناشر، سال نشر.
- مثال: قربان‌نیا، ناصر، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۴-۹. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام، عنوان پایان‌نامه، رشته، نام دانشگاه، نام کشور، سال دفاع.
- ۵-۹. منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، نشانی اینترنتی.
۱۰. نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی‌متر) از سمت راست درج گردد.
۱۱. عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.
۱۲. مقاله در الگوی A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra 14 (لاتین TimesNewRoman10) و یادداشت‌ها و کتاب‌نامه B Mitra 12 (لاتین TimesNewRoman10) حروف چینی شود.
۱۳. عناوین تیترا: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.
۱۴. اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.
- ارتباط با مدیریت مجله از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۴۸۴ و نشانی دفتر انجمن علمی-پژوهشی یا رایانامه [anjoman.pajohesh@jz.ac.ir](mailto:anjoman.pajohesh@jz.ac.ir) امکان‌پذیر است.



## فهرست مطالب:

- ۷ سخن سردبیر
- ۹ شیوه‌های تربیت اخلاقی فرزندان، برگرفته از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)  
علی نقی فقیهی  
خدیدجه اسفندیاری  
رضا جعفری هرندی
- ۲۷ تهدیدهای اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان  
هاجر ذبیحی
- ۵۵ بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، با تأکید بر آثار بانو امین  
ثریا شاعیدی
- ۷۷ بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان  
اکرم حبیبی خاوه
- ۹۵ راهکارهای تربیت جنسی کودکان  
فاطمه بهرامی
- ۱۱۳ معرفی انجمن علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت



## سخن سردبیر

در گیرودار خلأها و ناکارآمدی‌های نظام‌های تعلیم و تربیتی‌ای که در جوامع مختلف امتحان پس داده‌اند، سالیان کمی نیست که در آثار و گفتار اندیشمندان اسلامی لزوم طرح‌ریزی دانش و نظام تعلیم و تربیت نو که ماحصل آموزه‌های اسلامی است، چشم‌نوازی می‌کند. در کشور ما که نام درخشان «انقلاب اسلامی» را با خود به همراه دارد. به سبب بسترهای فراهم‌شده و انگیزه‌های مضاعف به‌ارمغان آمده، سخن از این تولید و تحول، رونق ویژه‌تری نیز داشته است؛ اما اگر در مقام واکاوی و بررسی وضعیت اکنون تعلیم و تربیت اسلامی قرار بگیریم، باید اذعان کنیم که علی‌رغم همت و تلاش صاحب‌نظران، پژوهشگران و دغدغه‌مندان این عرصه، هنوز فاصله فراوانی با قله تعلیم و تربیت اسلامی داریم و البته مسیر پیمایش تا قله نیز نسبتاً کند و آهسته طی شده است. با یک نگاه حتی اجمالی، اگر نگوئیم این ساحت مورد غفلت قرار گرفته و آن‌گونه که شایسته و بایسته است به تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته نشده، لاقلاً می‌توان ادعا کرد که پژوهش‌ها و اقدامات انجام‌گرفته، درخور انتظار نبوده و خروجی برجسته‌ای نداشته است. وضعیت اکنون، خوف و رجائی است که ما در آن قرار داریم. خوف از فرصت‌های از کف رفته که می‌توانست در این چهار دهه انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مثال‌زدنی در نظام تعلیم و تربیت را هم تحقق ببخشد و رجاء و امیدواری به:

۱. داشتن منابع مصون از خطا و قابل تکیه دینی، همچون قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام

که محتوای یاری دهنده‌ای را در زمینهٔ تعلیم و تربیت در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد.  
۲. ظرفیت‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی که عاملی انگیزه‌ساز و حمایت‌کننده محسوب می‌شود.

۳. دانشمندان نام‌آور اسلامی که در آثار خود دورنمای ارزشمندی از مباحث مذکور، به علاقه‌مندان ارائه می‌دهند.

۴. پژوهشگران جوان، مؤمن و توانایی که از کمبودها و ظرفیت‌ها آگاه گشته و مصمم و پرامید در پی تولید و استخراج محتوای دینی هستند.

همهٔ این موارد و مواردی افزون بر این، نویددهندهٔ تحول نوین اسلامی در این عرصه هستند و باید این امیدواری را حفظ نمود. خوب است توجه داشته باشیم که در سیرهٔ عملی اهل بیت علیهم‌السلام؟ خصوصاً پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) حسرت نسبت به گذشته، منزلت و نیکویی نداشته است. امام صادق (علیه‌السلام) هنگامی که از خصائص رسول گرامی اسلام سخن می‌گوید، به این نکته اشاره می‌کند که ایشان برای هیچ کاری نمی‌فرمودند: «لو کان غیره؛ اگر [کاش] جور دیگری می‌شد...»؛ بنابراین آن حسرت و خوفی که کسالت و عدم حرکت به سوی اهداف و آرمان‌ها را در پی داشته باشد، یا به بیانی واضح‌تر، ناامیدی نسبت به فردا، به بهانهٔ از دست دادن دیروز حاصل شود، امری ناپسند و نکوهیده است.

با عنایت به توضیحات ذکرشده، می‌طلبید که جدا از اقدامات ظاهری، مانند برگزاری کرسی‌ها و نشست‌های غیرعلمی، مقالات و یادداشت‌های ژورنالیستی، سخنرانی‌ها و سخنان کم‌حاصل، نسبت به پژوهش‌های استاندارد در زمینهٔ تعلیم و تربیت اسلامی تمرکز بیشتری داشته و با ایمان به آموزه‌ها و توانمندی‌های نظری و عملی اسلام در این میدان، کمبودهای گذشته را جبران نماییم و خدمتی ماندگار به ثبت برسانیم.

در این راستا، نشریهٔ علمی «مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده» برآن است تا با ترویج شیوه‌های درست پژوهش، دربارهٔ موضوع تعلیم و تربیت در نهاد مقدس خانواده، راه را بر ارائهٔ تولیدات فکری پژوهشگران ارجمند و دانش‌پژوهان گرامی بگشاید.



# شیوه‌های تربیت اخلاقی فرزندان، برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام

علی نقی فقیهی<sup>۱</sup> / خدیجه اسفندیاری<sup>۲</sup> / رضا جعفری هرندی<sup>۳</sup>

## چکیده

تربیت اخلاقی فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفایی و پرورش فضایل به همراه اصلاح یا از بین بردن ردایل اخلاقی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شیوه‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام است که در تدوین آن از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در راستای رسیدن به اهداف پژوهش، از فرم‌های فیش برداری از منابع مرتبط با موضوع استفاده شده و پس از جمع‌آوری با شیوه‌های کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از یافته‌های تحقیق این است که: الف) اساسی‌ترین مسئله در سعادت انسان، فراگیری شیوه‌های تربیت اخلاقی است. ب) شیوه‌های تربیت اخلاقی، مبتنی بر اصول و هماهنگ با اهداف عالیّه آفرینش است. ج) در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به چهار دسته شیوه‌های «زمینه‌ای»، «انگیزشی»، «شناختی» و «هدایتی» تأکید شده است. د) برای عملیاتی ساختن هردسته از شیوه‌ها، فنون گوناگونی ارائه شده است. کلید واژگان: تربیت اخلاقی، شیوه‌ها، فنون تربیتی، روایات اهل بیت علیهم‌السلام.

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم.

## مقدمه

براساس بینش اسلامی، هراسانی، با فطرت الهی و گرایش به اخلاق حسنه متولد می‌شود و ساختار وجودی انسان، او را به سوی خداجویی، حقیقت‌شناسی، ارزش و کمال خواهی هدایت می‌کند. رسول اکرم ﷺ فرمود:

هر نوزادی با فطرت خداجویی زاده می‌شود، مگر اینکه (عوامل محیطی مانند):

پدر و مادر او را منحرف سازند<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳).

پدر و مادر نیز با تربیت اخلاقی مناسب می‌توانند از انحراف فرزند خود جلوگیری کنند.

برای بسترسازی مسئله مورد بحث، چند مفهوم را تبیین می‌کنیم:

الف: شیوه تربیتی

معمولاً شیوه و روش، به یک مفهوم به‌کار می‌رود و در لغت به معنای راه، سبک، طریقه و فن

آمده است. اما در اصطلاح تعلیم و تربیت، شیوه تربیتی تعریف شده است:

رفتارها، گفتارها و حالت‌هایی که با هدف تأثیرگذاری در مرتبی، از مربی صادر

می‌شود و در تحقق اهداف تربیتی مؤثر می‌افتد (فائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

ب: تربیت اخلاقی

برای دستیابی به مفهوم تربیت اخلاقی، ابتدا دو واژه تربیت و اخلاق را تعریف می‌کنیم. «تربیت»

در لغت از دو ریشه «ربو» و «ربب» اشتقاق یافته است؛ از ریشه «ربو» بیشتر ناظر به پرورش جسمی

و به معنای «افزودن» و «پروراندن»، و از ریشه «رب» بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به

معنای «سرپرستی کردن»، «رهبری کردن» و «به‌اعتدال رساندن» است (کبیری و معلمی، ۱۳۸۸،

ص ۶۹). تربیت از نظر دانشمندان تربیتی فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه

به فعلیت رساندن آنهاست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

اخلاق در لغت، جمع «خُلُق» یا «خُلُق» به معنای سنجیه و طبیعت باطنی است (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲، ص ۲۹۷) و به صفاتی اطلاق می‌شود که بر اثر تکرار، در نفس انسان به صورت ملکه درآمده

و رفتار متناسب با آن، بدون تأمل از انسان صادر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۴). بنابراین،

۱. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ».

«تربیت اخلاقی» به معنای چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعداد‌های درونی انسان جهت رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی (شکوفای کردن ظرفیت‌های اخلاقی) به منظور انجام رفتارهای پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است؛ به طوری که این ویژگی‌ها، برای انسان به صورت ملکه درآید (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۴۸). هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعداد‌های درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است. از دیدگاه علامه طباطبائی، هدف تربیت اخلاقی، رسیدن به توحید در زمینه اعتقاد و عمل است. بنابراین، تربیت اخلاقی باید به عبودیت الهی بینجامد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۷). علامه معتقد است این هدف و این روش، مخصوص قرآن است (در مقابل گروهی که هدف را تأمین قوانین اجتماعی یا عرف جامعه می‌دانند) (همان، ص ۳۵۵ و ۳۵۶). مسلم است که برانگیختن، فراهم ساختن و به‌کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی، همه به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی است. در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره‌گیری از دانش‌تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت، اهداف اخلاقی را عینیت بخشید (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). انسان در پرتو تربیت اخلاقی، از رذایل و صفات نکوهیده می‌رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می‌شود و فضایل با تکرار اعمال شایسته و با التزام به انجام افعال نیکو، به تدریج در نفس رسوخ یافته و از افعال زشت دوری نموده، رو به سوی تعالی می‌نهد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴).

در جوامع دینی و مذهبی، تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و تحت عناوینی نظیر تغییرپذیری اخلاق، تأثیرگذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری‌های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه و روش تغییر اخلاق، در آثار فارابی، ابن‌سینا، ابن‌مسکویه، غزالی، فیض‌کاشانی و ... به بحث گذاشته شده است (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). امروزه در جهان معاصر نیز تربیت اخلاقی بسیار مهم دانسته شده، تا جایی که پاره‌ای از دانشوران تعلیم

و تربیت در مغرب زمین، قرن بیستم را قرن تربیت اخلاقی نامیده‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

## دسته‌بندی روش‌های تربیت اخلاقی

در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، برخی از محققان در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، هیچ‌گونه دسته‌بندی انجام نداده‌اند و صرفاً به ذکر روش‌هایی بسنده کرده‌اند؛ به عنوان نمونه: فرم‌پینی و همکاران (۱۳۸۸)، ۲۹ روش را مطرح کرده‌اند. شریفی (۱۳۸۹) مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اخلاقی از نگاه نهج البلاغه را حکمت، تربیت عقلانی، تذکر و یادآوری نعمت‌ها، موعظه، خطابه، عبرت‌آموزی، دانسته است. اخوی (۱۳۹۰) مهم‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی را از دیدگاه اسلام، روش اعطای بینش، مطالعه و تفکر، تذکر و یادآوری نعمت‌ها، اعتدال و توازن، تغافل، ایجاد انگیزه و روش الگویی بیان کرده است. صمدی، دوایی و اقبالیان (۱۳۹۱) شش روش را از سه اصل استخراج کرده است: دو روش تبیین ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با هوای نفس را از اصل «تعامل تفکر و تعبد اخلاقی»، روش‌های «پاک کردن محیط مظاهر فساد» و «امر به معروف و نهی از منکر» را از اصل «درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی»، روش‌های «تحریک ایمان و اعتقادات دینی متربیان» و «پرورش میل و اشتیاق در به دست آوردن فضیلت‌ها و توانایی مخالفت با ردیلت‌ها» را از اصل «تعامل انگیزه و عمل» به دست آورده است. اما محققان دیگری تقسیم‌بندی‌هایی را انجام داده‌اند؛ از جمله: کبیری و معلمی (۱۳۸۸) روش‌های تربیت اخلاقی را به سه دسته «خودسازی»، «دیگرسازی» و «روش‌های مشترک» تقسیم کرده‌اند. داودی (۱۳۹۰) روش‌ها را به «زمینه‌ساز پرورش آگاهی و بصیرت اخلاقی»، «پرورش گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی» و «روش‌های اصلاح رذایل» تقسیم نموده است. فقیهی (۱۳۹۴) روش‌های تربیت اخلاقی را به «بینشی»، «گرایشی» و «عملی» تقسیم نموده است؛ به این دلیل که به صورت منطقی، طبیعی و فلسفی، هر عملی از جمله تربیت اخلاقی به علم و شناخت، سپس میل و گرایش و آنگاه اراده و عمل نیاز دارد. همچنین در مقام تعارض میل‌ها، شناخت است که تصمیم می‌گیرد کدام یک مقدم باشد و فائق آید و اراده نیز تبلور میل‌هاست. ملاحظه می‌شود که تقسیم‌بندی‌های مذکور براساس روایات اسلامی صورت نگرفته است و چون بحث این تحقیق، تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلامی است، لازم است تقسیم‌بندی روش‌ها نیز براساس روایات اسلامی صورت گیرد. با توجه به مطالب مذکور، مسئله مورد پژوهش در این

مقاله آن است که از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام چه شیوه‌هایی در این زمینه کارآمد است و باید والدین آنها را برای تربیت فرزندان به کار گیرند؟

بدین منظور، آموزه‌های دینی در منابع روایی مرجع، در زمینه تربیت اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اخلاقی که اهل بیت علیهم السلام بر آنها تأکید دارند، دسته‌بندی و تبیین می‌شود.

با توجه به اینکه متون روایی، در زمینه تربیت اخلاقی مطالعه شده و شیوه‌ها و فنون استخراج شده، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این راستا روایات معصومان علیهم السلام، جامعه پژوهش و روایات مربوط به تربیت اخلاقی، نمونه پژوهش را تشکیل می‌دهد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از فرم‌ها و فیش‌های اطلاعاتی استفاده شد و داده‌ها به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در زمینه توصیه به والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان، چهار شیوه به چشم می‌خورد:

## ۱. شیوه‌های زمینه‌ای:

شیوه‌های زمینه‌ای شیوه‌هایی هستند که زمینه‌ها، موقعیت‌ها و شرایط را برای به فعلیت درآوردن فطرت اخلاقی فراهم می‌آورند. فطرت، زمینه‌ای درونی است که با فراهم آوردن موقعیت‌ها و شرایط محیطی، می‌تواند آن زمینه را به فعلیت رساند (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در جامعه، مدرسه و به خصوص خانواده، حاکمیت اصول اخلاقی، بسیار مؤثر است؛ زیرا با این اصول، ارزش‌خواهی فطری کودکان پرورش می‌یابد و روی‌آوری آنان به خوبی‌ها، شکوفا می‌شود. از این رو، تربیت اخلاقی، هنگامی تحقق می‌یابد که شرایط محیطی برای پرورش دادن و تکامل بخشیدن به همان زمینه‌ها و مقتضیات فطری انسان‌ها، فراهم شود و البته باید کوشش شود تا موقعیت‌های محیطی و تربیتی، با آن زمینه‌های فطری در تضاد نباشد؛ زیرا انحرافات تربیتی و اخلاقی، از این عوامل تحمیلی پدیدار می‌شود. لزوم بهره‌گیری از شیوه زمینه‌ای، براساس آموزه‌های معصومان علیهم السلام شامل تمام مراحل کودکی، به ویژه مراحل اولیه آن است. در زیر، به تعدادی از فنون، عملکردها و به‌کارگیری راهکارها برای تحقق اهداف تربیتی، که به آنها شیوه‌های تربیتی گفته می‌شود، اشاره می‌کنیم:

## ۱-۱. فضاسازی انس با خدا:

خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۲۳ / طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۸)، یادآوری نام و ویژگی‌ها و نعمت‌های پروردگار<sup>۲</sup> (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰) و مانند آن، فضایی روانی و خلقی برای انس با خدا در مرتبه فراهم می‌سازد و موجب می‌شود فرد در ارتباط با خدا، خود را با ارزش ببیند و هویت اخلاقی‌اش کشش الهی پیدا کند.

## ۱-۲. بسترسازی رشد شخصیت عاطفی:

این فن، بستری را فراهم می‌کند تا کودک با تأثیر از آن، ارزشمندی خود را درک کند و به مرور توانمندی‌های عاطفی مطلوب او در گرایش به خوبی‌ها، به فعلیت برسد. احادیث این بسترسازی را با فونونی چون: نام نیک نهادن<sup>۳</sup> (راوندی کاشانی، بی تا، ص ۶ / کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸)، احترام گذاشتن<sup>۴</sup> (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲)، سلام کردن<sup>۵</sup> (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱)، نیکو خطاب نمودن<sup>۶</sup> (نهج البلاغه، نامه ۳۱ / ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۸-۸۹)، احوالپرسی، به ویژه عیادت بیمار<sup>۷</sup> (محمدنور ابن عبدالحفیظ، ۱۴۱۶، ص ۲۵۰)، گفتار توأم با صداقت و درستی و وفای به عهد<sup>۸</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰ / ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۱۹) و محبت‌هایی نظیر در آغوش گرفتن<sup>۹</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳،

۱. روایت شده که زمان ولادت امام حسن علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوششان اذان گفتند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وُلِدَتْهُ فَاطِمَةَ».

۲. امام علی علیه السلام فرمودند: «ذَكَرَ اللَّهُ تَسْتَنْجِحَ بِهَ الْأُمُورِ وَتَسْتَنْبِرَ بِهَ السَّرَائِرِ».

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُ بِهَ أَحَدُكُمْ وَكَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَهُ وَكَدَهُ» . امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «أَوَّلُ مَا يَبْرُزُ الرَّجُلَ وَكَدَهُ أَنْ يُسَوِّبَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَهُ وَكَدَهُ».

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ».

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الضُّبَّانِ لَتَكُونَ شَتَّةً مِنْ بَعْدِي».

۶. امام علی علیه السلام فرزندشان را چنین خطاب می‌کنند: «أَيُّ بَنِي إِيَّايَ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عَمْرُتَ عَمْرَمَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ...».

۷. بخاری از انس بن مالک نقل می‌کند: «نوجوانی یهودی که به پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت می‌کرد، مریض شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت او رفت و بر بالین او نشست و...».

۸. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِذَا وَاعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ فَلْيُبَيِّنْهُ». همچنین امام علی علیه السلام والدین را از دروغ‌گویی نهی می‌کنند: «لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكُذْبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ...».

۹. امام باقر علیه السلام از امام حسن علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: «دَخَلْتُ أَنَا وَأَخِي عَلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَجْلَسَنِي عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَأَجْلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ قَبَّلَنَا وَقَالَ يَا بَنِي أَنتُمَا مِنْ إِمَامَيْنِ سَبَطَيْنِ».

ج ۳۶، ص ۲۵۵، ش ۷۲)، نوازش کردن و بازی کردن<sup>۱</sup> (مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۸۵)، بوسیدن<sup>۲</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۴۰، ش ۳۴۹۰۵) و ارتباط کلامی ملایم و دلپذیر با فرزند<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، تأکید نموده است. همچنین برای پیشگیری از آسیب های روانی و عاطفی، بر فونونی چون: سهل گیری<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۳۶۴)، عدم تبعیض<sup>۵</sup> (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰)، به رُخ نکشیدن مستمر خطا<sup>۶</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۴)، عدم تحقیر و سرزنش<sup>۷</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱)، ممنوعیت تنبیه بدنی<sup>۸</sup> (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۹) و بی محبتی<sup>۹</sup> (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۴۸۵) توصیه شده است.

### ۱-۳. ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان:

در روایات، بر فونونی تأکید شده است که فضای روانی معنوی و ارزشی را در فرایند رشد کودک حاکم ساخته و زمینه های تأثیرگذاری عوامل محیطی را برای رفتن به راه های شیطانی کاهش می دهد<sup>۱۰</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳). مثلاً کودکی که در گوشش اذان و اقامه گفته می شود،

۱. جابر بن عبدالله می گوید: «دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ﷺ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَجْتُو لَهُمَا وَيَقُولُ نِعْمَ الْجَمَلُ جَمَلُكُمَا وَنِعْمَ الْعَدْلَانِ أَنْتُمَا». نیز ابن ابی الحدید نقل می کند که: «سابق یوما بین الحسین وبنیه فسبق الحسن فأجلسه علی فخذہ الیمنی ثم أجلس الحسین علی الفخذ الیسری» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۲۷).

۲. مفضل می گوید: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ﷺ وَعَلِيٍّ ابْنُهُ فِي خَجْرِهِ وَهُوَ يَقْبَلُهُ وَيَمْسُ لِسَانَهُ وَيَضَعُهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَيَضُمُّهُ إِلَيْهِ وَيَقُولُ يَا أَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَطْهَرَ». و همچنین پیامبر ﷺ نیز فرموده اند: «قَاتِلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰).

۳. امام علی ﷺ به فرزندشان امام حسن ﷺ چنین ابراز محبت می کردند: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَنَاكَ أَنَا فِعْنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَغْنِبُنِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا مُسْتَظْهِرًا بِهِ».

۴. روایت شده در زمان امام زین العابدین ﷺ نمازها در وقت خودش خوانده می شد؛ یعنی نماز ظهر و ظهر در ظهر و نماز عصر در عصر، اما امام ﷺ به فرزندان خویش می فرمودند: «نماز مغرب و عشا را با هم و نماز ظهر و عصر را نیز با هم بخوانید» وقتی از ایشان پرسیده شد که چرا فرزندان شما نماز را در غیر وقتش می خوانند؟ فرمودند: «این کار برای فرزندان بهتر است از اینکه بخوابند و نماز نخوانند».

۵. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «اغْدُلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُجْبُونَ أَنْ يَغْدُلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ».

۶. امام علی ﷺ فرمودند: «... وَالْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نِيرَانَ اللَّجَاجَةِ... وَلَا تَكْثُرِ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ...».

۷. امام صادق ﷺ فرمود: «مَنْ حَقَّرَ النَّاسَ وَتَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَذَلِكَ الْجَبَّارُ».

۸. امام موسی کاظم ﷺ به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و شکایت می کرد، فرمودند: «لَا تَضْرِبُهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطَلِّ».

۹. روایت شده: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُقْبَلُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ فَقَالَ الْأَفْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنْ الْوَالِدِ مَا قَبَلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ».

۱۰. پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به علی ﷺ می فرمایند: «يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَادْنُ فِي أَدْنَاهِ الْيَمْنَى وَأَقِمِ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا».

زمینه‌ای برای پرورش استعدادهای بالقوهٔ درونی‌اش فراهم می‌شود و او را تا حدودی از ابتلا به اختلالات روانی و شر شیطان مصون می‌دارد<sup>۱</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳) و یا نام نیک و احترام به کودک، بستر مناسبی را برای با ارزش دیدن خود و دیگران فراهم می‌سازد و به خویش و دیگران احترام می‌گذارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۱). در روایات تصریح شده است که کسی که نام نیک خود را خوب، زیبا و با عزت می‌داند، روانش شیطانی نمی‌شود<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۰) و حتی از پدید آمدن برخی احساس حقارت‌های متربی که از نام‌های زشت برایش پدیدار می‌شود، پیشگیری می‌شود<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۰).

#### ۱-۴ فراهم‌سازی امنیت روانی:

امنیت روانی، بستری را فراهم می‌سازد که برای فرزندان، بروز استعدادها و خلاقیت‌های بدون احساس ترس و نگرانی را سبب می‌شود. به علاوه اعتماد آنان به والدین و محیط، افزایش می‌یابد، تا جایی که اراده‌ای قوی و فکری مستقل پیدا می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۹۴ و ۹۹). ایجاد امنیت، تنها به معنای فراهم آوردن سرپناهی که فرزندان را از سرما، گرما، دشمن، حیوانات درنده و... در امان نگه دارد، نیست. بیشتر اوقات، دعوا، جر و بحث‌های گفتاری و سوء تفاهمات بین والدین، از عمده‌ترین عوامل مخل امنیت و آرامش در خانواده‌ها هستند که سبب می‌شوند کودک حرف‌های درونی خود را با جرأت تمام بیان نکند و آشکار نسازد. برعکس، والدین می‌توانند با پرورش امید به خدا و لطف او، برآورده ساختن خواسته‌های معقول فرزندان و پذیرش حق از آنان، سپاس‌گزاری از خداوند به دلیل نعماتش، پرداخت صدقه به دیگری با دست فرزندان و بردن نام خداوند در هر کاری، تا حدودی امنیت و آرامش روانی را وارد منازل خویش کنند.

۱. پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَادْنُ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقِمَّ فِي الْبَيْتِ بِرَأْسِهِ لَا يَصُرُّ الشَّيْطَانُ أَبَدًا».
۲. از جابر نقل شده که: «أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّكُوبَ إِلَى بَعْضِ شِيعَتِهِ لِيُعَوِّدَهُ فَقَالَ يَا جَابِرُ الْحَقْنِي فَتَبِعْتُهُ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى بَابِ الدَّارِ خَرَجَ عَلَيْنَا ابْنُ لَهُ ضَغِيْبٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا اسْمُكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ فَبِمَا تَكُنِّي قَالَ بَعْلِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَدْ اخْتَلَطَتْ مِنَ الشَّيْطَانِ اخْتِطَارًا شَدِيدًا».
۳. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّا لَنُكْنِي أَوْلَادَنَا فِي صَعْرِهِمْ مَخَافَةَ النَّبْرِ أَنْ يَلْحَقَ بِهِمْ».



## ۵-۱. تمهیدات عملکردی:

از جمله تمهیدات عملکردی، می‌توان به آماده‌سازی مقدمات عبادی مثل نماز، روزه در ماه مبارک رمضان و...<sup>۱</sup> (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۳۲۹)، استفاده از رنگ‌های شاد<sup>۲</sup> (شعیری، بی‌تا، ص ۷۱)، نغمه‌های خوش‌قرآن، اذان<sup>۳</sup> (رشید رضا، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴۵) و... برای جذب فرزندان و به‌ویژه نوجوانان، همچنین حضور در اماکن مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها برای مراسم جشن یا عزای ائمه علیهم‌السلام اشاره نمود.

## ۶-۱. رشد جسمی مناسب:

اهل بیت علیهم‌السلام همان‌طور که برای رشد روح و روان برنامه‌متعالی و جامع ارائه داده‌اند، برای تغذیه جسمانی بشر، نیز، هرم غذایی خاصی را مطرح نموده‌اند، مانند اینکه نوزاد از ابتدای تولد، از شیر مادر تغذیه نماید؛ زیرا تأثیر بسزایی در بُعد شناختی، جسمانی و دینی او دارد<sup>۴</sup> (امام هشتم علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴). لذا زنان کم‌عقل، بدزبان، بسیار زشت، حرام‌خوار، شراب‌خوار، دشمن اهل بیت علیهم‌السلام و یا کسانی که نقص جسمانی (مانند ضعف بینایی) دارند، نباید به نوزاد شیر دهند<sup>۵</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۲) و یا اینکه والدین در مراحل بعدی رشد فرزندان دقت نمایند که غذای دارای سلامت ظاهری (عدم میکروب، ویروس و سایر آلودگی‌ها) و باطنی (لقمه‌ی حلال) برای آنان تهیه نمایند<sup>۶</sup> (بقره، ۱۶۸/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۴۷)؛ زیرا حلال، حرام و یا شبهه‌ناک بودن غذا و حتی امکاناتی که در اختیار کودکان قرار می‌دهند، در تمایل ایشان به رذایل و فضایل اخلاقی مؤثر است<sup>۷</sup> (حرعاملی، ج ۱۷، ص ۸۲، ۸۱، ش ۳).

۱. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «من لم يأخذ أهية الصلاة قبل وقتها فما وقرها».

۲. «... إِيَّهَا بَقَرَةٌ ضَرْفَاءُ فَافِعٌ لَوْئِهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ» (بقره: ۶۹). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «مَنْ أَذْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سِرَاجًا فِي الْمَسْجِدِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً وَكَتَبَ لَهُ عِبَادَةَ سَنَةٍ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مَدِينَةً» (شعیری، بی‌تا، ص ۷۱).

۳. نویسنده المنار می‌نویسد: «جذابیت و کشش اذان، به قدری اثربخش است که مسیحیان متعصب، به عمق و عظمت تأثیر آن در روحیه شنوندگان، اعتراف می‌کنند...».

۴. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ».

۵. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «رَضَاعُ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِزْوَاجِ النَّاصِبِيَّةِ فَاحْذَرُوا النَّصَابَ أَنْ تُطَايِرُوهُمْ وَلَا تُتَاكِحُوهُمْ وَلَا تُؤَادُوهُمْ» و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «إِيَّاكُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُنْشِئُهُ عَلَيْهِ».

۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «وَقَسَمَ لَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ مِنْ جِلْبَاهَا وَعَرَضَ لَهُمْ بِالْحَرَامِ».

۷. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ جِلْبِهِ و...».

## ۲- شیوه های انگیزشی:

این بخش شامل فنونی می شود که رغبت و انگیزه روی آوری به فضایل اخلاقی را در فرزندان افزایش می دهد و از رذایل دور می نماید. مهم ترین ابزار برای ایجاد انگیزه و جذب کودکان به ارزش های تربیت اخلاقی، آگاهی بخشی از الطاف و محبت های الهی، شخصیت دادن و تشویق کردن آنان است (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۵۳). در تعالیم اهل بیت علیهم السلام در راستای این دسته از شیوه ها، فنون زیر تبیین شده است:

### ۱-۲. تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی های جذاب:

کودکان در مراحل ابتدایی رشدشان چندان قدرت تحلیل از اطراف خود ندارند، شاید مسائل گوناگونی رخ دهد، اما آنان بدون توجه خاص، از کنارشان بگذرند؛ به همین جهت والدین باید گاهی اوقات به تبیین آنها بپردازند و از طریق جملات زیبا و جذاب، ایشان را آگاه نمایند. تبیین مسائلی مانند محبت خداوند نسبت به کودکان<sup>۱</sup> (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۷۳۸ / ابن اَبی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۷۰ / بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۶۲۲)، برشمردن نعمات اعطایی پروردگار<sup>۲</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۳) و حتی شرکت دادن آنان در مراسم دعا، جلسات علمی و دینی<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۷، ش ۳ / نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۴۵۵) می تواند در رشد متعالی آنان مؤثر باشد.

### ۲-۲. تشویق و واکنش مطلوب:

نقش تشویق و واکنش های مطلوب هنگام انجام فضایل، در تربیت اخلاقی بسیار مؤثر است؛ زیرا اگر شرایط، حدود و مسائل مربوط به آن رعایت شود، نتایج سازنده و پُر فایده ای در تربیت به جای می گذارد. مواردی همچون تمجید و اهدای هدایا برای نیکوتر انجام دادن رفتارهای

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «الولد کبد المؤمن إن مات قبله صار شفیعاً له وإن مات بعده یستغفر له فیغفر الله له».

۲. لقمان به فرزندش می گوید: «یا بُنَّیَّ مَنْ ذَا الَّذِیْ عَبَدَ اللهُ فَحَدَّثَهُ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ ابْتِغَاهُ فَلَمْ یَجِدْهُ یَا بُنَّیَّ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ ذَكَرَهُ فَلَمْ یَذْکُرْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ تَوَكَّلَ عَلَی اللهِ فَوَكَّلَهُ اِلَیَّ عَیْبِهِ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ تَضَرَّعَ اِلَیْهِ جَلَّ ذِکْرُهُ فَلَمْ یَرَحْمْهُ».

۳. امام صادق علیه السلام می فرماید: «كَانَ اَبِی علیه السلام إِذَا حَزَنَهُ اُمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَاقْتَمُوا». نیز روایت شده: «دَخَلَ اَبُو طَالِبٍ اِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَهُوَ یُصَلِّی وَعَلِیُّ علیه السلام یَجْنِبُهُ وَكَانَ مَعَ اَبِی طَالِبٍ جَعْفَرٌ فَقَالَ لَهُ اَبُو طَالِبٍ صَلِّ جَنَاحِ ابْنِ عَمِّكَ فَوْقَ جَعْفَرٍ عَلَی نِسَارٍ رَسُوْلُ اللهِ صلی الله علیه و آله الْحَبْر».

پسندیده<sup>۱</sup> (سوره ص: ۴۴ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۶۷)، ابراز نشاط روحی و شادمانی هنگام اجرای اعمال صالح<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۹ / ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۹۱) و مشورت با فرزندان در انجام کارها و امور خانواده<sup>۳</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶) از مهم ترین فنون ارزشی هستند که سبب ایجاد انگیزه و جذب به خوبی ها و فضایل می شوند.

## ۲-۳. پیامدهای رفتارهای اخلاقی:

آدمی همواره تشنه محبت و توجه اطرافیان است، تا جایی که گاهی رو به خودنمایی برای دیگران می آورد (این عمل، بیشتر در بین جوانان شایع است)؛ بنابراین اگر پاداش اعمال نیک برای فرزندان تشریح و پیامدهای هر کدام از رفتارهای اخلاقی مطرح شود و آنان بدانند که خداوند در ازای هر کدام از اعمال پسندیده، علاوه بر توجه خاص و دوست داشتن، پاداش زیادی نیز برایشان در نظر دارد، مسلماً مشتاق می شوند که هر چه بهتر و بیشتر آن اعمال را انجام دهند و حتی برخی را جزء برنامه های همیشگی خود قرار می دهند؛ مثلاً اگر فرزندان بدانند که هنگام احترام به والدین، لطف و رحمت خداوند شامل آنان می شود<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، قطعاً به این عمل اخلاقی توجه خاصی خواهند کرد و همین طور است رعایت حقوق دیگران<sup>۵</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۰)، حفظ حجاب و عفت<sup>۶</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۹).

## ۳- شیوه های شناختی:

دربر دارنده فونونی است که سبب افزایش شناخت مرتبی نسبت به اخلاقیات نیکو می شود (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۶۶)؛ مانند راستگویی، احترام به بزرگ ترها، داشتن آداب اسلامی، آموزش مصادیق

۱. خداوند در قرآن کریم این گونه به تعریف و تمجید حضرت ایوب علیه السلام می پردازد: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ»؛ همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید: «پدرم فرمودند: مَرَضْتُ مَرَضًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَبِي علیه السلام مَا تَشْتَهِي فَقُلْتُ أَشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ لَا أَفْتَرِحُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي مَا يُدَبِّرُهُ لِي فَقَالَ لِي أَحْسَنْتَ صَاهِبَتْ إِنْزَاهِيمَ الْخَلِيلِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ».
۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَطْرَفُوا أَهَالِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بَشِيءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّخْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ».
۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ».
۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ... وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ».
۵. امام صادق علیه السلام می فرماید: «تَرَكَ الْحَقُّوقَ مَذَلَّةً وَإِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَاجُ إِلَى أَنْ يَتَعَرَّضَ فِيهَا لِلْكَذِبِ».
۶. امام علی علیه السلام فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ».

رفتارهای اخلاقی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۶) که زنده کردن یاد خدا در اذهان است<sup>۱</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶). همچنین آموزش اموری چون: صفات کمالی خداوند<sup>۲</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۰)، محبت خدا به فرد آراسته به فضایل و محاسن اخلاقی<sup>۳</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۸)، آموزش احادیث اهل بیت علیهم السلام و حکمت های مربوط به تربیت اخلاقی<sup>۴</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۱۱/ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)، بستر مناسبی را برای شناخت ارزش ها و فنون تربیت اخلاقی فراهم می سازد. در ذیل به بررسی اجمالی برخی از آنها پرداخته می شود.

### ۳-۱. آشنایی با صفات اخلاقی خداوند:

با الهام گرفتن از مکتب اهل بیت علیهم السلام و در نظر داشتن فرصت های مناسب، می توان فرزندان را با صفات اخلاقی و الهی آشنا ساخت. آگاه سازی این امور در خلیقات بزرگسالی متربی، بسیار مؤثر خواهد بود؛ زیرا اگر او بداند رحیم و کریم بودن خداوند به چه معناست و اینکه خداوند مهربان تر از هر کس - حتی پدر و مادرش - نسبت به اوست، آیا خدا را دوست نمی دارد؟ قطعاً بعد از تبیین مناسب، قلبش بیدار شده و دیگر اجازه نمی دهد که محبت کسی به جای محبت خدا در دلش بنشیند. لقمان حکیم به فرزندش می گوید:

فرزندم در ملکوت، آسمان ها، زمین و کوه ها و سایر آفرینش خداوند بسیار بیندیش؛ زیرا تفکر و تدبیر در جهان هستی، بهترین پنددهنده و بیدارکننده قلب توست (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۰).

### ۳-۲: شناخت مصادیق اخلاق و آداب دینی:

طیف رفتارهای اخلاقی، بسیار گسترده است و والدین باید به طور تدریجی، با حوصله و با

۱. لقمان می گوید: «وَأَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ».

۲. لقمان به فرزندش می گوید: «يَا بُنَيَّ إِنَّ كُلَّ يَوْمٍ يَأْتِيكَ يَوْمٌ جَدِيدٌ يَشْهَدُ عَلَيْكَ عِنْدَ رَبِّ كَرِيمٍ».

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عْبَادِهِ الْحَيَاءَ وَالشَّرَّ فَأَيُّكُمْ اغْتَسَلَ فَلْيَتَوَاوَزَ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ الْحَيَاءَ زِينَةُ الْإِسْلَامِ».

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَالغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ فِي الْكُتَابِ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْخَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» و نیز می فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ».

شیوه‌های جذاب، به فرزندان خویش آموزش دهند. آنان می‌توانند در این راستا، از شعر<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶)، قصه و داستان<sup>۲</sup> (هود: ۱۲۰)، همانندسازی با الگوها از طریق نقل داستان‌های آموزنده اخلاقی<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۲)، رفتارهای اخلاقی پیامبران<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۳۳۵)، معرفی الگوهای موفق در حیطه اخلاق نیکو<sup>۵</sup> (قلم: ۴) و آموزش آداب اخلاقی اسلامی<sup>۶</sup> (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲۹) کمک بگیرند.

### ۳-۳. آگاه‌سازی از خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها:

والدین باید به فرزندان‌شان گوشزد نمایند که همیشه به یاد خدا باشند تا از این طریق، حضور خدا را درک کرده و از کارهای بد دوری‌گزینند. زنده کردن یاد خدا در ذهن فرزندان<sup>۷</sup> (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۶) و آگاه‌سازی از خواسته‌ها و محبت الهی به هنگام آراسته شدن به فضایل<sup>۸</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۶۱)، سبب آگاهی آنان می‌شود، مبنی بر آنکه اگر هم خطایی کرده‌اند، خداوند توبه و استغفار آنان را می‌پذیرد و ایشان را به دلیل انجام اعمال صالح و پسندیده، غرق رحمت می‌کند.

### ۴- شیوه‌های هدایتی:

شامل فنونی هستند که با استفاده از آنها می‌توان گرایش‌متربی به کارهای نیک و به خصوص تربیت اخلاقی را تقویت کرد. این فنون بر مبنای برنامه‌ریزی هدفمند و با بهره‌گیری از توصیه‌های

۱. حضرت زهرا علیها السلام فرزندش حسن علیه السلام را بالا و پایین می‌انداختند و شعر می‌خواند.

۲. خداوند تأثیر قصه بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر مردم را چنین ترسیم می‌کند: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ».

۳. قال الصادق علیه السلام: «... الا اخبرك بحديث ماهو في يدى احد من اهل المدينة ؟ ... ذات يوم جالس في المسجد...».

۴. «كان النبي صلى الله عليه وسلم أحسن الناس خلقاً وأكرمهم وأتقاهم...».

۵. «وَأَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ».

۶. امام علی علیه السلام به فرزندش در مورد آداب غذا خوردن چنین می‌گوید: «مَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیه السلام يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّلَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّلَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَخَوِّدِ الْمُضْعَ وَإِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ».

۷. لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید: «يَا بُنَيَّ أَقْبَلِ الْكَلَامَ وَادْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ فَإِنَّهُ قَدْ أَنْذَرَكَ وَحَذَّرَكَ...».

۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «سَبَعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ...».

اهل بیت علیهم السلام صورت می‌گیرد (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۷۲). نمونه‌هایی از آنها عبارتند از:

#### ۴-۱. راهنمایی برای برنامه‌ریزی و چگونگی انجام کارهای نیک:

والدین می‌توانند با در نظر گرفتن این فن کارآمد، فرزندان‌شان را برانگیزانند و آنان را به تدریج با مصادیق امور اخلاقی و چگونگی انجام کارهای نیک آشنا سازند؛ مثلاً در ترغیب کودکان برای مسواک زدن، ابتدا باید مسواک و خمیردندانی دلخواه آنان تدارک ببینند، سپس وقتی که خودشان می‌خواهند مسواک بزنند، آنان را نیز مهربانانه برای انجام این عمل فرا بخوانند. یا اینکه برای انجام هرچه بهتر وظایف اخلاقی، برنامه‌ای تدارک ببینند؛ زیرا هنگامی که شتاب زده و بدون رعایت اصول و قواعد، اقدام به انجام کاری شود، خستگی و بی‌میلی حاصل شده و در نتیجه از آن دست کشیده می‌شود. پس برنامه‌ریزی مشخص، انسان را در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، در تربیت اخلاقی یاری می‌کند؛ برنامه‌ریزی صحیح که فرد، هم بتواند وقتی را برای رابطه با خدا و مناجات با او اختصاص دهد و هم به امور روزمره زندگی برسد و هم به اموری که وی را شاداب می‌سازد (مانند بازی) بپردازد<sup>۱</sup> (دستی، ۱۳۸۱، حکمت ۳۹۰). اصولاً مؤمنانی که به نحوی نقشی برای خود و دیگران دارند، باید برای هر روز و لحظات زندگی، برنامه‌ریزی داشته باشند<sup>۲</sup> (دستی، ۱۳۸۱، نامه ۵۳، قسمت ۱۱۵).

#### ۴-۲ دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی:

اهل بیت علیهم السلام نه تنها خویشتن را به اجرای امور اخلاقی وا می‌داشتند، بلکه دیگران را نیز به سمت آنها سوق می‌دادند. گاهی اوقات هنگام انجام کارهای پسندیده، درس‌های بزرگ اخلاقی می‌آموختند<sup>۳</sup> (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸) یا اینکه برخی از کارهای نیک را یادآوری می‌نمودند<sup>۴</sup>

۱. امام علی علیه السلام فرمود: «وَقَالَ عَلِيٌّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَسَاعَةٌ يَرْمُ فِيهَا مَعَايِشَهُ [فِيهَا مَعَايِشُهُ] مَعَاشَهُ وَسَاعَةٌ يُخَلِّي فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَدَّتِّهَا فِيمَا يَجَلُّ وَيَجْمَلُ وَلَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خَطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مَحْرَمٍ».

۲. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمُضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ».

۳. «مر الحسن بن علی علیه السلام بصبيان يلعبون وبين أيديهم كسر خبز يأكلونها فدعوه فنزل وأكل معهم ثم حملهم إلى منزله فأطعمهم وكساهم وقال الفضل لهم لأنهم لم يجدوا غير ما أطمعوني ونحن نجد أكثر مما أطمعناهم».

۴. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اجتهدت في العبادة وأنا شاب فقال لي أبي علیه السلام يا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَتَنَعَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيُسْرِ».

کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷)، اما درعین حال، از امر و نهی مستقیم پرهیز می‌کردند<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۳، ش ۱۳)؛ زیرا انسان به صورت طبیعی استقلال طلب است و از امر و نهی مستقیم، نه تنها لذت نمی‌برد، بلکه چه بسا ناراحت نیز بشود.

#### ۴-۳ نظارت و کنترل رفتارها:

ائمه علیهم‌السلام همواره بر اعمال فرزندان خویش نظارت می‌کردند و کیفیت خوب یا بد بودن آنها را به ایشان گوشزد می‌نمودند<sup>۲</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۹، ش ۳۶۴۶) و در این جهت، حتی از افرادی که به آنان اظهار دوستی می‌کردند و یا با کسانی که رفت و آمد می‌کردند نیز غافل نبودند<sup>۳</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۳ / احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۲۱)؛ زیرا به خوبی می‌دانستند که اگر نظارت و کنترل مناسب بر رفتارهای فرزندان خویش نداشته باشند و مسیر مستقیم را نشانشان ندهند، هر لحظه امکان انحراف و گمراهی، دور ماندن از آرمان‌های الهی و در نهایت، سقوط در چنگال‌های شیطان وجود دارد.

#### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه روایات و آموزه‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، شیوه‌های تربیت اخلاقی، چهار نوع است: «زمینه‌ای»، «انگیزشی»، «شناختی» و «هدایتی». شیوه‌های زمینه‌ای دارای فنونی مانند فضا سازی انس با خدا، بسترسازی رشد شخصیت عاطفی، ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان، فراهم سازی امنیت روانی، تمهیدات عملکردی و رشد جسمی

۱. حریر می‌گوید: «كَانَتْ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ دَنَانِيرٌ وَأَرَادَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ يَا أَبَتِ إِنَّ فَلَانًا يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْيَمَنِ وَعِنْدِي كَذَا وَكَذَا دِينَارًا أَفْتَرَى أَنْ أَدْفَعَهَا إِلَيْهِ يَبْتَاعُ لِي بِهَا بَضَاعَةً مِنَ الْيَمَنِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا بُنَيَّ أَمَا بَلَغَكَ أَنَّهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ فَقَالَ هَكَذَا يَقُولُ النَّاسُ فَقَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ يُصَدِّقُ لِلَّهِ وَيُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنِينَ فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ الْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ».

۲. روایت شده: «خَرَجَ ابْنُ لُحَيْسَانَ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الرَّحْبَةِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ خَزَّ وَطَلُوقٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ عليه السلام ابْنِي هَذَا قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَدَعَاهُ فَشَقَّهُ عَلَيْهِ وَأَخَذَ الطَّلُوقَ مِنْهُ فَجَعَلَهُ قِطْعًا قِطْعًا».

۳. امام حسن عليه السلام نیز به یکی از فرزندان‌شان فرمودند: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْجِبْرَةَ وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَمْرَةَ وَالْمَوَاسَاةَ فِي الْعُسْرَةِ» و امام سجاد عليه السلام می‌گویند: «جَالِسُوا أَهْلَ الدِّينِ وَالْمَعْرِفَةِ، فَإِنَّ لِمَ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَالْوَحْدَةَ أَسُّ وَأَسْلَمٌ، فَإِنَّ أَيْبَتُمْ إِلَّا مَجَالِسَةَ النَّاسِ، فَجَالِسُوا أَهْلَ الْمَرْؤَاتِ فَإِنَّهُمْ لَا يَرْفَعُونَ فِي مَجَالِسِهِمْ».

مناسب است. در شیوه‌های انگیزشی بر فنونی چون تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی‌های جذاب، تشویق و واکنش مطلوب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی تأکید شده است. در شیوه‌های شناختی، به متربی آگاهی داده شده تا به راحتی بتواند صفات اخلاقی خداوند، مصادیق اخلاق و آداب دینی و خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها را بشناسد. در شیوه‌های هدایتی، با هدفمندی و بهره‌گیری از توصیه‌های رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت ، راهنمایی چگونگی انجام کارهای نیک، دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی و نظارت و کنترل رفتارها بحث شده است. جدول شماره ۱ شیوه‌ها و فنون تربیت اخلاقی مطرح شده را نشان می‌دهد.

#### جدول شماره ۱

شیوه‌ها و فنون تربیت اخلاقی در روایات رسول اکرم ﷺ و اهل بیت 

شیوه‌ها	فنون تربیتی
۱. زمینه‌ای	۱-۱ فضا سازی انس با خدا
	۲-۱ بسترسازی رشد شخصیت عاطفی
	۳-۱ ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان
	۴-۱ فراهم سازی امنیت روانی
	۵-۱ تمهیدات عملکردی
	۶-۱ رشد جسمی مناسب
۲. انگیزشی	۱-۲ تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی‌های جذاب
	۲-۲ تشویق و واکنش مطلوب
	۳-۲ پیامدهای رفتارهای اخلاقی
۳. شناختی	۱-۳ آشنایی با صفات اخلاقی خداوند
	۲-۳ شناخت مصادیق اخلاق و آداب دینی
	۳-۳ آگاه سازی از خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها
۴. هدایتی	۱-۴ راهنمایی برای برنامه ریزی و چگونگی انجام کارهای نیک
	۲-۴ دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی
	۳-۴ نظارت و کنترل رفتارها



## فهرست منابع:

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۴. —، امالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، التحصین فی صفات العارفين، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۷. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة علیهم السلام، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۸. اخوی، اصغر، «روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام»، راه تربیت، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۴۹.
۹. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقاجمال خوانساری بر غرر الحکم ودرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم: مؤسسه امام المهدی (عج)، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه (للبروجردی)، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۱۲. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۱۳. بهشتی، محمد، «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، معارف، شماره ۱۰، ۱۳۸۱، ص ۲۰-۱۸.
۱۴. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، ۱۳۷۷.
۱۵. —، تربیت اسلامی ویژه تربیت اخلاقی، جلد ۲، تهران: نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۷. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله واهل بیت علیهم السلام: تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۱۹. داوودی، محمد، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله واهل بیت علیهم السلام (تربیت اخلاقی)، ج ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۱.
۲۱. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه و دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم: دارالکتاب، بی تا.
۲۴. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دار الفکر، بی تا.

۲۵. شریفی، عنایت، «روش‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۹۸-۷۵.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، بی‌تا.
۲۷. صمدی، معصومه؛ دوایی، مهدی؛ اقبالیان، طاهره، مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱۶، ۱۳۹۱، ص ۶۴-۳۷.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. طوسی، نصیرالدین محمد، اخلاق ناصری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴.
۳۲. علی بن موسی، امام هشتم ﷺ، صحیفه الامام الرضا ﷺ، مشهد: کنگره جهانی امام رضا ﷺ، ۱۴۰۶ق.
۳۳. فرمehینی فراهانی، محسن؛ میرزامحمدی، محمدحسن؛ امیرسالاری، علی، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق ﷺ (مبانی، اصول، روش‌های تربیتی)»، دانشور رفتار، دوره ۱۶، شماره ۳۹ (ویژه مقالات تربیت و اجتماع)، ۱۳۸۸، ص ۷۹-۶۵.
۳۴. فقیهی، احمد، روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۹۴.
۳۵. فقیهی، علی نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران: مهر تابان، ۱۳۸۴.
۳۶. قائمی مقدم، محمدرضا، روشهای آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۳۷. کبیری، زینب؛ معلمی، حسن، (۱۳۸۸)، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»، معرفت اخلاقی، شماره ۱، ص ۹۰-۶۷.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۰. محمد نورابن عبدالحفیظ، منهج التریبه النبویه للطفل، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، اختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۰۸ق.
۴۳. یالجن، مقدار، تربیت اخلاقی در اسلام، مترجم: بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

# تهدیدهای اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان

هاجر ذبیحی<sup>۱</sup>

## چکیده

اینترنت به‌عنوان یک رسانه نوین، نفوذ گسترده‌ای بر حیات انسان مدرن در ابعاد فردی و اجتماعی دارد. در کنار محاسن و مزایای بی‌شمار اینترنت، که می‌تواند منشأ آثار مثبت و بالنده برای تعالی انسان باشد، چالش‌ها و تهدیدهای تربیتی و اخلاقی فراوانی نیز در اذهان تداعی می‌شود. طراحان اصلی اینترنت، از این ابزار برای نفوذ سیاسی و فرهنگی بر کشورهای مختلف استفاده می‌کنند و از این راه آسیب‌های جدی را در ابعاد مختلف بر پیکره جوامع وارد می‌سازند. آنان با تأثیرگذاری بر ابعاد فردی و اجتماعی جوانان و نوجوانان، با فراهم‌سازی زمینه‌های غیراخلاقی، به مسخ هویت و شخصیت آنان اقدام می‌کنند و با شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف، شکاف بین نسل‌ها را افزایش می‌دهند. این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن بیان دلایل روان‌شناختی اقبال روزافزون نوجوانان به حضور در فضای مجازی، به آسیب‌شناسی این فضا بر تربیت اخلاقی نوجوان در دو بُعد «بنیان‌های فکری و نظری» و «عملی و رفتاری» می‌پردازد. یافته‌های پژوهش، حاکی از این مطلب است که تهدیدهای مطرح در بعد فکری و نظری (شامل عقل‌گرایی افراطی، کم‌رنگ شدن اخلاق اجتماعی، نهیلیسم ارزشی و بحران هویت) و چالش‌های عینی و رفتاری (شامل حیازدایی، انحرافات جنسی، دوستی‌های اینترنتی، کاهش ارزش‌های خانواده، انزوای اجتماعی، شایعه پراکنی و دروغ‌پردازی، کاهش مسئولیت اجتماعی و آزار مجازی) را بیان کند؛ با امید به اینکه مطالب این پژوهش با ایجاد روشنگری، بستر تعامل صحیح نسل جدید با فضای مجازی را ایجاد کند تا افق روشنی در مسیر پیوند صحیح سنت و مدرنیته ظهور یابد.

**واژگان کلیدی:** تهدید، اینترنت، فضای مجازی، اخلاق، تربیت اخلاقی، نوجوان.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء (ع)، گرایش تعلیم و تربیت اسلامی

## مقدمه

انسان براساس سرشت خود که موجودی اجتماعی است، احتیاج به برقراری ارتباط دارد. مطالعه پیشینه این امر گواه بر این مطلب است که انسان‌ها از آغاز برای برقراری ارتباط و انتقال پیام خود به همنوعانشان، شیوه‌های گوناگون را به کار برده‌اند: از اشاره‌های رمزگونه اولیه، استفاده از زبان و خط، تا استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل ارتباطی مدرن امروزی (فرجاد، ۱۳۷۶، ص ۳۱۳۰). در عصر حاضر، رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین پل ارتباطی، با تحول چشمگیری روبه‌رو شده‌اند؛ به گونه‌ای که عصر حاضر را «عصر اطلاعات و ارتباطات» می‌خوانند. به این طریق، ارتباط بین کالا، سرمایه، فرهنگ و اعتقادات، به آسانی از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند. در چنین برهه‌ای از زمان که فضای مجازی، جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل کرده و مردم جهان را از کوچک و بزرگ با فرهنگ و باورهای متفاوت، با یکدیگر مرتبط نموده، قالب‌های سنتی تربیت را کنار زده و مباحث تربیتی فرزندان را با چالش روبه‌رو ساخته است. ساحت تربیت اخلاقی به عنوان مهم‌ترین بخش مباحث تربیتی، مورد تهدید این فضا قرار گرفته است. «تربیت اخلاقی به معنای، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است» (داوودی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

از نظر اسلام، دوران نوجوانی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در این دوران، شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان پایه‌ریزی می‌شود و هویت دینی او شکل می‌گیرد. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود<sup>۱</sup> (شرفی، ۱۳۸۸).

در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی، ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های فزاینده نوجوانان، بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزش‌های اخلاقی می‌کند و راه‌های پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند. در عین حال، آنچه جامعه از نوجوانان می‌خواهد، به سرعت در حال تغییر است و همین مستلزم ارزیابی مجدد و مداوم ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی است (حسینخانی، ۱۳۸۵).

به همین دلیل، روش تربیتی اسلام بر این امر تأکید دارد که نوجوان، این دوران را با معرفت و پاکی سپری کند. با توجه به رشد ارزشی و اخلاقی در نوجوان، تربیت اخلاقی او نقش بسزایی در

۱. رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «اوصیکم بالشیبان خیراً فانهم ارق افئدة... شما را سفارش می‌کنم با جوانان به خوبی رفتار کنید؛ چراکه آنان قلب لطیف‌تری دارند. (محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۲۴۸).

هویت و کرامت انسانی وی و راه یافتن به کمال و تعالی او دارد. نکته مهم این است که هویت دینی و اخلاقی نوجوان در شرایط محیطی ناسالم با چالش‌های متعددی مواجه می‌شود. امروزه یکی از تأثیرگذارترین عوامل محیطی بر این بُعد از هویت نوجوان، رسانه و فناوری‌های نوین ارتباطی است.

اینترنت به عنوان گسترده‌ترین شبکه اطلاعاتی - ارتباطی، با توجه به داشتن فضای نامحدود، انعطاف هویتی کاربران، تعاملی بودن، سیال بودن اطلاعات و... مورد اقبال عموم مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان قرار گرفته است. «براساس تحقیقی (۲۰۰۰م) شمار برآورد شده رایانه‌های متصل به اینترنت در سراسر جهان، از سال ۱۹۹۶ سه برابر شده است» (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۵۳۳). گسترش روز افزون دستاوردهای جدید اینترنت، مانند شبکه‌های اجتماعی نیز باعث شتاب بیشتر این حرکت رو به رشد شده است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، با قابلیت‌هایی که در اختیار فرد قرار می‌دهند (مانند ایجاد محیطی شخصی، انتخاب دوستان، آزادی در بیان نظرات و مخالفت با نظرات دیگران، آزادی در استفاده از تفریحات مختلف و...) حسی از کنترل شخصی و اراده فردی را به کاربر خود منتقل می‌کنند. این آزادی عمل و حس کنترل، یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش افراد به خصوص نوجوانان - به دلیل استقلال طلبی آنان - به شبکه‌های اجتماعی است. در این میان نوجوانان به دلیل تحولات این مقطع سنی (مانند: تحولات شناختی، اجتماعی، اخلاقی، جسمی و جنسی) گرایش بیشتری به استفاده از فضاهای مجازی دارند. از آنجا که فضای سایبری، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، سلطه مکان و محل را بر زندگی فردی و اجتماعی نوجوان کاهش می‌دهد و چهارچوب‌های معرفتی و ارزشی دینی را کم‌رنگ کرده، مسیر تربیت اخلاقی نوجوانان را پرچالش می‌سازد.

اهمیت و ضرورت پژوهش در این زمینه، بدین جهت است که طراحان اینترنت، از این ابزار - که در ابتدا برای مقاصد نظامی و دفاعی طراحی شده بود - در مسیر جنگ نرم بهره می‌گیرند و در طریق گسترش فرهنگ مبتذل خود استفاده می‌کنند؛ به همین دلیل و با توجه به ویژگی‌های نسل جوان و نوجوان، شاید بتوان ادعا کرد که آثار منفی اخلاقی آن در مقایسه با آثار مثبت اخلاقی، نمود بیشتری دارد و لذا در عصر کنونی آسیب‌شناسی فضای مجازی بر تربیت اخلاقی، می‌بایست

از مهم‌ترین دغدغه‌های محققان و پژوهشگران عرصه تربیت باشد؛ زیرا این فناوری با تأثیر بر بینش، گرایش و رفتارهای اخلاقی نوجوان، دامنه اخلاق فردی و اجتماعی او را تحت شعاع قرار می‌دهد و در نهایت نسل جدید را از هدف نهایی تربیت که رسیدن به کمال است، باز می‌دارد و به مرور ارزش‌های والای انسانی در بین آنان مغفول گشته و رو به زوال می‌رود و ما را با جامعه‌ای بیمار مواجه می‌سازد.

لازم به ذکر است که بسیاری از محققان، پژوهش‌های ارزشمندی در این زمینه ارائه نموده‌اند؛ از جمله: عباسی قادی (۱۳۸۶) در تحقیقی پیمایشی، رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی را در بین کاربران اینترنت بررسی کرده است. کرم‌اللهی (۱۳۸۸) با روش پیمایشی، رساله دکتری خود را با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی آثار اینترنت (مثبت و منفی) بر دینداری جوانان» ارائه کرده است. سعادت در مقاله‌ای با عنوان «نقش فضای مجازی در تربیت اسلامی نوجوانان دبیرستانی»، به بررسی مفهوم‌شناسی فضای مجازی و تربیت اسلامی پرداخته است. اکثر تحقیقات انجام شده، از روش‌های میدانی و پیمایشی استفاده نموده‌اند، اما این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد بر پژوهش‌های پیمایشی سایر محققین، با بررسی ابعاد روان‌شناختی گرایش نوجوان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، به تهدیدها و چالش‌های موجود در فضای مجازی بر تربیت اخلاقی می‌پردازد.

در ابتدا با توجه به اینکه آمارها حاکی از این است که اصلی‌ترین مصرف‌کننده فضای مجازی، افراد زیر هجده سال هستند و دانش‌آموزان به طور متوسط روزانه پنج تا نه ساعت، از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (صدیق میرزایی، ۱۳۹۶)، به بررسی دلایل روان‌شناختی این استقبال گسترده نوجوانان از فضای مجازی می‌پردازیم.

## ۱- دلایل روان‌شناختی گرایش نوجوان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

### ۱-۱. نوجویی و هیجان‌خواهی

نوجویی و نوزایی، یکی از ویژگی‌های بارز نوجوانی است. فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی، پدیده‌ای جدید و نوظهور هستند که قابلیت‌های مکرر و بعضاً پرهیجان را به نوجوانان طالب هیجان می‌دهند؛ مانند: آشنایی با برنامه‌های جدید، طرح موضوع‌های شگفت‌انگیز

و پرتحرک، خلق صحنه‌های اعجاب‌آور، ارائه اطلاعات جدید و... در نتیجه افرادی که از هیجان خواهی بالایی برخوردارند، برای ارضای این نیاز خود، بیشتر به سمت فضای مجازی می‌روند. «تحقیقات نشان می‌دهد که بین هیجان خواهی نوجوانان با وابستگی به اینترنت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد» (خانجانی و اکبری، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

## ۱-۲. خودمحوری و میل به محبوبیت

خودمحوری و خودمرکزبینی نوجوانی، اساساً ناشی از تحولات دوره نوجوانی و به ویژه تحوّل شناختی نوجوان است. نوجوان دچار این تصور می‌شود که همیشه تحت نظر است و نوعی مخاطب خیالی، شاهد اعمال اوست؛ به همین دلیل، نسبت به همه اعمال و حرکات و وضع ظاهر و باطن خود حساس است. او همچنین دچار یک افسانه شخصی است و معتقد است که از وضعیت بی‌همتا برخوردار است (حسینخانی، ۱۳۸۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام فضای مناسبی را برای افرادی که دچار خودشیفتگی، یا حداقل میل زیاد به محبوبیت دارند، ایجاد نموده است؛ زیرا آنان می‌توانند بدون داشتن روابط دوستانه واقعی، تعداد زیادی رابطه موهوم و تخیلی برای خود دست‌وپا کنند. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی مجازی، توهم محبوبیت را صرفاً براساس کمیت تعداد دوستان، برای فرد به وجود می‌آورد (آزاد نام، ۱۳۹۴).

## ۱-۳. حفظ ارتباط با دیگران در عین تنهایی

نوجوان در این دوره، تمایل فراوانی به معاشرت و دوست‌یابی پیدا می‌کند و از طرف دیگر گرفتار رفتارهای متناقض و افکار متضاد است. از این رو، میل به تنهایی و گوشه‌گیری نیز در وی به وجود می‌آید. رفتارهای خلوت‌گزینی و انزواطلبی، به عنوان یک اختلال رفتاری، از جدی‌ترین مشکلات دوران نوجوانی است. آمار نشان می‌دهد که ۷۹ درصد از نوجوانان زیر هجده سال، در حال تجربه کردن احساس تنهایی‌اند (کلانتر، ۱۳۹۶). به دلیل این ویژگی‌های شخصیتی، نوجوانان ترجیح می‌دهند در عین تنهایی و داشتن زندگی خصوصی، با جهان پیرامون خود ارتباطات گسترده‌ای نیز برقرار کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی از قبیل فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس و... به بهترین حالت ممکن این نیاز را برآورده می‌کنند.

#### ۱-۴. میل برای فرار از استرس و اضطراب

تغییر همواره منجر به اضطراب می‌شود و مرحله نوجوانی که دورانی پراز تغییر و تحول است، بستر مناسبی برای بروز اضطراب فراهم می‌کند. تغییرات سریع رشدی، شکل‌گیری سؤال‌های بنیادی در رابطه با هویت فرد و یافتن پاسخ برای آنها، لزوم برنامه‌ریزی برای آینده، نیاز به استقلال داشتن و درعین حال حمایت و درک شدن، همگی می‌توانند زمینه مناسبی برای رشد اضطراب فراهم کنند. اضطراب در نوجوانی ممکن است همراه با افسردگی، تحریک‌پذیری، کاهش تمرکز و مشکلات دیگری همراه باشد. برخی نوجوانان، فضای مجازی را برای رهایی از تنش روزمره و ایجاد فراغت انتخاب می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند اوقات خوشی را برای آنان فراهم کنند تا فرد بتواند ضمن برخورداری از این قابلیت، نگرانی‌ها و تنش‌های خود را با دوستان خود مطرح و در نهایت به‌گونه‌ای از طرف آنان حمایت اجتماعی دریافت کند (آزاد نام، ۱۳۹۴). در بسیاری از تحقیقات روان‌شناسی، بین اضطراب اجتماعی، هراس اجتماعی و کم‌رویی، با گرایش به استفاده از اینترنت، رابطه مثبت یافته‌اند. در واقع، مطالعات حاکی از آن است که افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی، در هنگام ارتباط آنلاین، احساس راحتی و خودافشایی بیشتری می‌کنند. این افراد تعامل آنلاین را برای حفظ گمنامی و دوری از شرکت در تعاملاتی که ترس از ارزیابی دیگران به وسیله مشاهده وجود دارد، راحت‌تر یافته‌اند (سیدان و سروش پور، ۱۳۹۴).

#### ۱-۵. عوامل دیگر

سهولت در فضای مجازی موجب شده است تا افرادی که نمی‌توانند در فضای واقعی هویت و شخصیت خود را نشان دهند، از این فضا برای ارضای نیازهای روانی خود استفاده کنند (نیازهایی مانند: توجه، محبت، هم‌نشین داشتن و دوست داشته شدن)؛ بدین سبب، فضای مجازی به شدت با ارضای نیازهای روانی افراد پیوند خورده است و به تأمین نیازهای روانی و دلبستگی فرد با هویت آرمانی خود کمک می‌کند.

«براساس نظر جان سولر، افراد از آن رو شیفته یک شیء یا فرد یا فعالیتی خاص می‌شوند که نیازی



را در آنان ارضا کند. طبق این نظریه، افراد با گرایش به شبکه‌های اجتماعی، تا حدی نیازهای خود را برآورده می‌کنند؛ مثلاً افراد با کاوش در ابعاد فنی شبکه‌های اجتماعی مجازی، توانایی بالقوه ذهنی خود را ابراز می‌کنند، یا با ابعاد مختلف شخصیت خود که پیش از این پنهان بوده، آشنا می‌شوند، عقاید و نیازهای هنری خود را بیان و به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا می‌کنند. این فضا به فرد امکان پیشرفت و دریافت پاداش‌های بی‌شماری را می‌دهد؛ مانند یادگیری ساختن یک پست الکترونیک، یک وبلاگ، امکان تولید در این فضا، رفتن به صفحات دیگر کاربران، آشنایی با اصطلاحات این محیط مجازی و... این موارد در درجه اول احساس فعال بودن و در درجه دوم حس غرور و عزت نفس می‌دهد. در ادامه، فرد به مرور احساس می‌کند حضور در این فضا به او قدرت می‌دهد. بعد از مدتی نیز فرد در نزد خود برای حفظ این منزلت و غرور، بیشتر به این فضا قدم می‌گذارد. از سویی شبکه‌های اجتماعی، محملی برای گریز از واقعیت و وسیله‌ای برای ارضای نیازهای روانی است» (همان).

نوجوانان به سبب دلایل فوق، اقبال زیادی به حضور در فضای مجازی دارند. متأسفانه این حضور، پیامدهای گسترده‌ای بر اخلاق و ارزش‌های اخلاقی آنان دارد. تهدیدات ناشی از اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان را می‌توان در دو حوزه «تهدیدات فکری - نظری» و «تهدیدات عینی و عملی» مورد بررسی قرار داد. به دلیل اهمیت و جایگاه بینش و نگرش در تربیت - که خود عامل ایجاد میل و گرایش است و بستر شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی را مهیا می‌سازد - ابتدا تحلیلی بر تهدیدهای فکری - نظری ارائه می‌شود.

### **الف: تهدیدها و چالش‌های فکری - نظری اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان**

با توجه به اهمیت تحوّل شناختی نوجوان و بازسازی بنیان‌های فکری او در این مقطع سنی، آسیب‌های اینترنت را ابتدا در حوزه فکری و اعتقادی و سپس در حوزه رفتارهای عینی و عملی بررسی می‌کنیم. عمده تهدیدها و آسیب‌های فکری و اعتقادی اینترنت بر تربیت اخلاقی بدین شرح است:

#### **۱- عقل‌گرایی افراطی**

تأکید بر عقل، ابزاری از محورهای فکری و اساسی مدرنیسم است. البته این اندیشه اساس و پایه تمدن مادی‌گرای غرب است، که محور و معیار رفتارهای انسانی و تمام فعالیت‌های او به شمار

می‌رود. «مدرنیسم، خداوند را از صدرنشینی جامعه خلع می‌کند و علم را به جای آن می‌گمارد. عقل، تنها هدایت فعالیت‌های علمی و فنی را برعهده ندارد، بلکه حکومت انسان‌ها و تدبیر امور را نیز متکفل است» (تورن، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲۹).

رویکردهای دینی، معتقد به لزوم تربیت ارزش‌ها، به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی‌اند و رویکرد «منش‌پروری یا سیرت‌آموزی» است (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴، ۱۴۹). هدف از منش‌پروری، انتقال هنجارها و درونی کردن ارزش‌ها، با استفاده از روش‌های عمدتاً مستقیم تربیتی است و مفهوم تحمیل و القای ارزش، تداعی‌گر «تربیت دینی و اخلاقی» است. در حالی که در فضای فکری حاکم بر غرب، فرض بر این است که تربیت دینی، جز از طریق القای کورکورانه میسر نیست و از آنجا که القا و تلقین، ناعادلانه و نابخردانه است، باید تربیت دینی را متوقف ساخت. عقلانیت دینی، قدرت حرکت آزادانه را نداشته، مقید به ایمانی است که تحدیدکننده تفکر انتقادی است. اما روشن است که هرگونه نقدی در این فضا، نقد متعبدانه و جزم‌گرایانه خواهد بود، نه نقد واقعی و مبتنی بر ملاک‌های منطقی (زارعان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳)؛ زیرا دین اسلام، تربیت عقلانی، اخلاقی و ارزشی را قابل جمع با تربیت دینی، بلکه یکی از راه‌های آن می‌داند. در مکتب حیات بخش اسلام، عقل دارای جایگاه رفیع و بلند است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «عقل، شریف‌ترین نیرو در وجود انسان است» (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۷). خداوند در کلام نورانی خود، بیش از سیصد بار انسان‌ها را به استفاده و بهره‌جستن از این نیروی خدادادی دعوت کرده است (همان، ج ۵، ص ۲۵۵).

حضرت علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه، در فلسفه بعثت پیامبران می‌فرماید: «خداوند پیامبران را به سوی مردم فرستاد تا خرده‌های به‌گور خفته آنان را بیدار کنند»؛ از این رو، در آموزه‌های دین مبین اسلام، عقل و شرع نه تنها تعارض با هم ندارند، بلکه هماهنگ و مؤید یکدیگرند و خردورزی از ارزش‌های بنیادین - و نه نمادین - تربیت اسلامی است.

اما در رویکردهای جدید، اندیشمندان، عصر مدرن را عصری می‌دانند که بشر تلاش کرده تا دستاوردهای فکری خود را از آموزه‌های دینی رها سازد؛ با این اوصاف می‌توان گفت اصلی‌ترین مشخصه مدرنیته، تأکید بر عقل‌گرایی افراطی و سکولاریسم است، که قطعاً در جریان جهانی‌سازی

۱. «...ویشروا لهم دلائل العقول...» و دفینه‌های عقل‌ها را برای آنان برانگیزاند.

و ایجاد دهکده جهانی. که مرهون اینترنت است. سعی در انتقال آن شده است. براساس رویکرد سکولاریسم<sup>۱</sup> و رویکرد آموزشی و تربیتی لیبرال<sup>۲</sup>، تعلیم و تربیت، تعهد به عقلانیت است؛ نه کمتر و نه بیشتر. به بیان دیگر، برای آموزش و رشد عقلانیت در کودکان و نوجوانان، باید آنان را منتقد و آزاداندیش بار آورد؛ به گونه‌ای که هر عقیده‌ای را انتقاد و تحول عقلانی بدانند و هیچ امری را حقیقت آخر نپندارند. براساس این رویکرد، انتقال و القای ارزش‌ها به کودکان و نوجوانان، در مبانی تعلیم و تربیت لیبرال پذیرفته نیست (زارعان، ۱۳۷۹، ص ۱۰). در فضای مجازی، بسط این باور به شکل مستقیم و غیرمستقیم، به وفور قابل مشاهده است و این بستر، یک عقل‌گرایی افراطی را برای نوجوانان. که تحول فکری و عقلانی را در خود مشاهده می‌کنند و غالباً دچار خودمرکزینی می‌شوند. مهیا می‌سازد. بازتاب این تفکر، منجر به این شده که امروزه در فضای مجازی. به خصوص شبکه‌های اجتماعی. رفتارهای غیراخلاقی (توهین به مقدسات، تلقی غیرعقلانی بودن برخی از اعمال دینی، طرد تربیت تعبدی و نگاه جبرگرایانه به دین و تربیت دینی) مشاهده می‌شود. سیطره این تفکر اومانیستی، منجر به فردگرایی در انسان می‌شود که نقطه مقابل تربیت ارزشی و اخلاقی است.

## ۲- فردمحوری: کم‌رنگ شدن اخلاق اجتماعی

شیوه تفکر نوجوان با نوعی خودمحوری (برخاسته از روحیه استقلال طلب) مشخص می‌شود که به موجب آن، نمی‌تواند افکار دیگران را درک کند و هنوز در مجزا کردن مسائلی که مایه نگرانی دیگران است و مسائلی که مایه نگرانی خود اوست، مشکل دارد (حسینخانی، ۱۳۸۵). فردمحوری به وسیله حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دلیل کم‌رنگ شدن دغدغه افراد برای پیگیری نقش‌های اجتماعی و خانوادگی است. افزایش دلبستگی به لذت‌های خودمحور، غلبه فردمحوری بر خانواده‌محوری و حضور در فضای مجازی برای رفع نیاز عاطفی، از دیگر نتایج حضور بدون شناخت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است.

می‌توان فردگرایی را نوعی جهان بینی تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد. اهداف فردی، ویژگی‌های منحصر به فرد، فرمان راندن بر خویشتن، کنترل شخصی و بی‌تفاوتی به مسائل

1. Secularism

2. Liberalism.

پیرامون، از خصوصیات این نوع جهان بینی است. فردگرایی از مؤلفه‌های اصلی مدرنیسم محسوب می‌شود و از مهم‌ترین شالوده‌های فکری عرصه‌های مختلف فلسفی، علمی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی دوران جدید به حساب می‌آید و به طور خلاصه، خواست و اراده فرد، بر مصالح اجتماعی و جمعی مقدم داشته می‌شود. فردگرایی را می‌توان قرائتی از اومانیزم<sup>۱</sup> دانست که بر قرائت‌های جمع‌گرایانه از آن، غالب آمده است (بیات و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵-۳۹۶). این‌گونه مواجهه با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، موجب نسبی شدن مطلق اخلاقیات و نفی اخلاق دینی می‌شود؛ چراکه اخلاق دینی هیچ سنخیتی با نسبییت فوق نداشته و دقیقاً مقابل آن قرار دارد (مخبر، ۱۳۶۷، ص ۳۹-۴۰).

در دنیای جدید، برخی از مکاتب همچون لیبرالیسم، شعارهایی را مطرح می‌سازند که پاره‌ای از آنها با ره‌آورد ادیان - به ویژه دین مبین اسلام - در تعارض قرار می‌گیرد. لیبرالیسم سودگرا مفهوم ارزش را به لحاظ تحلیل، با مفهوم خواست و میل فرد پیوند می‌زند و از این حقیقت که خواستن یا میل داشتن، صفاتی فردی هستند، نتیجه می‌گیرد که اصول ارزش نیز باید فردی باشد؛ از این رو، ارزش اخلاقی برابر است با تأمین امیال و خواسته‌های شخصی فرد. امروزه رویکرد لیبرال، به شدت بر فضای مجازی سیطره دارد.

رسانه‌های ارتباطی نوین، بنیان‌های فردگرایی، لذت‌گرایی و سودجویی را تقویت نموده است، که به شدت در انسان‌گرایی‌های فردگرایانه را تقویت می‌کند. یکی از مصادیق فردگرایی و منیّت که ما امروزه در جامعه با آن درگیر هستیم، سلفی‌هایی است که افراد در لحظات سخت و بحرانی دیگران می‌گیرند و در فضای مجازی منتشر می‌کنند. از نظر اخلاقی، هر انسانی در مقابل انسان‌های دیگر مسئول است. متأسفانه امروزه افراد در لحظات بحرانی هم‌نوعان خود، این فرصت را نردبانی برای ابراز وجود خود قرار می‌دهند؛ این همان «ذبح اخلاق» به پای «خودشیفتگی» و «منیّت» است (رحمتی، ۱۳۹۶).

در جامعه ارزشی، انسان‌ها خود را فدای یک ارزش انسانی و گاهی جمعی می‌کنند و به طور معمول، خیر دیگران - دست کم به اندازه خیری که مستقیماً عاید خود می‌شود - اهمیت دارد.

1. Humanism

امام علی علیه السلام می فرماید:

برای مردم به همان راضی شو که برای خود رضایت می دهی و به مردم همان بده که دوست داری به تو داده شود (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۸).

مصباح در فلسفه اخلاق، در تبیین خودگرایی و دیگرگرایی از دیدگاه اسلام، چنین بیان می کند:

افزون بر اینکه خیر دیگران معادل خیر خود اهمیت دارد؛ معمولاً ترجیح دادن خیر دیگران بر خیر خود، ارزشمندتر است و بدین ترتیب «ایثار» و مصادیق مختلف آن مانند «انفاق»، در بسیاری از موارد، فضیلت اخلاقی به شمار می آیند. قرآن کریم در مدح عده ای از مؤمنان در آیه ۹ سوره حشر می فرماید: «...دیگران را بر خود ترجیح می دهند، هرچند خود نیازمندند...». اما از آنجا که ارزش فعل اخلاقی، به میزان تقرب انسان به خداوند به واسطه آن فعل اخلاقی است، در مکتب اسلام خداگرایی بر خودگرایی و دیگرگرایی ترجیح دارد. براساس آموزه های اسلام، دیگرگرایی مد نظر اسلام با خودگرایی حقیقی منافات ندارد؛ زیرا نتایج نیک خداگرایی حاکم بر آن، به خود شخص باز می گردد (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴).

قرآن کریم در ادامه آیه ۹ سوره حشر می فرماید: «...و کسانی که از بخل نفس حفظ شدند، رستگاران اند». از منظر قرآن، بین فعل انسان برای خیر حقیقی خود و کار برای خدا، منافاتی وجود ندارد؛ همان گونه که آیه ۷۴ سوره نساء حاکی از این مسئله است، آنجا که می فرماید: «پس کسانی که زندگی دنیا را در مقابل زندگی آخرت می فروشند، باید در راه خدا پیکار کنند و کسی که در راه خدا پیکار کند، پس کشته شود یا پیروز شود، به او پاداش بزرگی می دهیم». چون ملاک، ارزش قرب الهی است که سعادت حقیقی را در پی دارد، نه منافع مادی. امروزه فضاهای مجازی، منتقل کننده روحیاتی کاملاً متضاد با نظر اسلام هستند.

کرم اللهی در تحقیق پیمایشی خود در مورد استفاده از اینترنت و میزان التزام به اخلاق اجتماعی در بین دانشجویان شهر قم، چنین به دست آورده است که پاییندگی غیرکاربران در طبقه متوسط در مورد گویه هایی مانند خوش رفتاری با دیگران، احساس مسئولیت در قبال دیگران و رعایت حقوق دیگران، نسبت به کاربران بیشتر بوده است (کرم اللهی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸).

### ۳- نیهیلیسم ارزشی

در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی، ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های فزاینده نوجوانان، بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزش‌های اخلاقی می‌کند و راه‌های پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند. درعین حال، آنچه جامعه از نوجوانان می‌خواهد، به سرعت در حال تغییر است و همین مستلزم ارزیابی مجدد و مداوم ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی است (حسینخانی، ۱۳۸۵).

رشد نیهیلیسم که در دنیای مدرن کنونی بیشتر به چشم می‌خورد، ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی نوجوان را با چالش مواجه می‌کند. «نیهیلیسم<sup>۱</sup> یا پوچ‌گرایی، یک زاویه فلسفی است که زندگی را بدون معنا و هدف خارجی می‌داند. نیهیلیسم در اصطلاح فارسی، مفهوم نیست‌گرایی یا هیچ‌گرایی و بی‌گرایشی دارد و روشی است که موضوعات تحمیل شده بر اندیشه‌های بشری را به نوعی نفی می‌کند. این نفی، هم از جهات فلسفی (یعنی چرایی‌ها و چگونگی‌های معتبر) شناخته شده و هم از جنبه‌های اجتماعی و شامل قراردادهای تحمیلی دست‌وپاگیر است، که اساساً نیهیلیسم آن را مطرود می‌شمارد» (غفوری، ۱۳۵۵، ص ۳۷).

نیهیلیسم اخلاقی به عنوان یکی از معضلات مدرنیسم (به مفهوم نیست‌نگاری) در حوزه اخلاق؛ یعنی چیزی با عنوان ارزش‌های اخلاقی، واقعیت ندارد. ارزش‌های اخلاقی که ما اعتقاد داریم؛ مثلاً وجود خوب و بد، باید و نباید. این باید و نبایدها راهنمای ما هستند، نقشه‌ای هستند تا ما مطابق با آن به سعادت و کمال برسیم. نیهیلیسم اخلاقی و یا بیشتر جریان‌های معاصر اخلاقی که از نیهیلیسم دفاع می‌کنند (یعنی ارزش‌های اخلاقی را واقعی نمی‌دانند)، زبان اخلاق را حفظ کرده، کنار نمی‌گذارند، اما معنای دیگری در آن تزریق می‌کنند که با مقاصد نیهیلیستی خودشان سازگار است (جوادی، ۱۳۹۰).

به دلیل گمنامی در فضای مجازی، می‌توان در این فضا فارغ از هرگونه قیدوبند، سلسله مراتب، تفاوت یا ترجیح، در محیط‌های گوناگون، در اتاق‌های گفتگوی مختلف و در وب سایت‌های مختلف وارد شد و سخن گفت و سخن شنید، بدون اینکه مسئولیتی در قبال گفته‌ها و شنیده‌ها

۱: انکار همه چیز. nihilism.

وجود داشته باشد. فضای مجازی، جایی است که افراد در آن خرید و فروش می‌کنند، تخصص رد و بدل می‌کنند، سایبر سکس دارند، عبادت می‌کنند و از محل‌های جدید دیدن می‌کنند. در این فضا همه چیز یکسان است و تمام تفاوت‌های کیفی از میان برداشته شده است (شقاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

فقدان معنا، ره‌آوردی از یکسان‌سازی تمام مراتب ارزشی است و مرتبه‌ای قابل تصور است. افراد به صورت آواتار، به راحتی و بدون نیاز به تخصص و تعهد، برای سخن گفتن وارد هر اتاق گفتگوی دلخواه می‌شوند. اگر بحث دربارهٔ مباحث الهی داستانِ قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم برایش خسته‌کننده شد، می‌تواند به اتاق بحث ورزشی برود و در مورد نتایج داوری بازی دو تیم فوتبال بحث کند. دیگر هیچ چیز آن قدر اهمیت ندارد که کسی بخواهد درباره‌اش جانفشانی کند. تغییرپذیری و زندگی در چهره‌ها و لباس‌های متغیر. که ره‌آورد چنین وضعی است. همگی در جهت تضمین عدم آسیب‌پذیری انسان از قبول تعهد و مسئولیت در قبال عمل است، که نوعی تهی بودن و فقدان معنا در زندگی را به شدت دامن می‌زند (همان، ص ۱۱۳، ۱۱۲).

امروزه فضاهای ارتباطی حاکم، فضایی نهیلیستی است؛ یعنی فعل ارزشی و فعل ضد ارزشی، تمایز خود را از دست داده است. شخص وقتی وارد یک محیط ارتباطی می‌شود، با هاپرلینگ‌های متعدد مواجه است که در کنار هم قرار گرفته‌اند و با کلیک کردن می‌توان وارد سایتی با مضامین ارزشی و اخلاقی و یا وارد سایتی آکنده از تصاویر مستهجن و ضد اخلاقی شد؛ لذا کاربر برای مضامین و مفاهیم اخلاقی، دیگر تشرف به معنا پیدا نمی‌کند. در آموزه‌های دینی ما، انتقال معنا نیاز به تشرف به معنا دارد؛ یعنی باید آمادگی روحی وجود داشته باشد. ما در هر حالی نمی‌توانیم هر کاری انجام بدهیم؛ در حقیقت از این امر منع شده‌ایم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛ ای اهل ایمان، هرگز در حال مستی به نماز نیایید تا بدانید چه می‌گویید (و چه می‌کنید)». ادب تشرف به معنا، از تأکیدات دین ماست<sup>۱</sup> (یامین پور، ۱۳۹۴).

رفته رفته این تفکر نهیلیستی سایه شوم خود را بر سر تمام ارزش‌های اخلاقی می‌افکند و در اینجاست که ارزش‌هایی مانند احترام به والدین، عمل به قول و وعده، اهمیت دادن به لقمه حلال، آمادگی برای دفاع از دین و اعتقادات و مراعات احکام شرعی و... قداست خود را از دست

۱. سلسله نشست‌های کافه نقد، تابستان ۹۴، فرهنگ‌سرای رسانه اصفهان.

می دهد. پژوهش‌ها نشان می دهند، میزان التزام غیرکاربران نسبت به این ارزش‌ها، قوی تر از کاربران است (کرم‌اللهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹:۲۲۰).

اینترنت با ایجاد این فضای نهیلیستی، نوجوان جویای هویت را با مشکل بزرگی مواجه می سازد و از آنجا که هویت دینی سایه خود را بر ابعاد دیگر هویت گسترده است، بحران هویت دینی، چالش مهم اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان است.

#### ۴- بحران هویت دینی

یکی از ویژگی‌های مهم دوران نوجوانی، جستجو و شکل‌گیری هویت است. بحران هویت که یکی از مشکلات دوران نوجوانی است، هنگامی آغاز می شود که فرد نتواند ارزش‌ها و نظرات والدین را به میزان قابل توجهی با ارزش‌ها و عقاید دوستان، همسالان و سایر افراد مهم در زندگی خود تطبیق کرده، بپذیرد و عمل نماید و خود نیز نداند کدام یک از این دیدگاه‌ها، با ارزش‌ها و معیارهای او منطبق است. در این صورت، کار هویت‌یابی برایش دشوار و طولانی می شود؛ زیرا نمی تواند هویتی واحد برای خود کسب نماید و احتمالاً دچار بحران هویت می شود (خدایاری فرد، ۱۳۸۰، ص ۴۲). از مهم‌ترین عوامل بروز بحران هویت در جوامع فعلی، گسترش صنعت ارتباطات و به ویژه فضای مجازی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است که به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه محدود نبوده و نخواهد بود؛ به طوری که در جهان امروز، هیچ جامعه‌ای نمی تواند ادعا کند که از تأثیرات ناشی از این بحران در امان خواهد بود (معمار و همکاران، ۱۳۹۱).

بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بیماری بحران هویت می شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می کنند و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می گردند. بحران هویت، در حقیقت عدم پاسخ روشن به سؤالاتی است که بیشتر خاستگاه اعتقادی دارند؛ مانند: «از کجا آمده‌ام؟»، «چه کسی هستم؟»، «به کجا خواهیم رفت؟» و «چه کار باید بکنم؟» (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). در مکتب اسلام جستجوی پاسخ این پرسش‌ها، ارزشمند است. امام علی علیه السلام می فرماید: خداوند رحمت کند کسی را که بداند «از کجا آمده»، «در کجا به سر می برد» و

«به سوی کجا در حرکت» است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۶).

فضای مجازی با استفاده از این فرصت و شرایط خاص پیش آمده برای نوجوان، علاوه بر ترویج انواع عرفان‌ها، فرقه‌های دینی و مکتب‌های ضاله نوپدید، از سوی دیگر شبهات عقیدتی



پیچیده‌ای را به نوجوان القا می‌کند تا در دوره بازسازی دینی، به یکی از این فرقه‌ها گرایش پیدا کرده و در جدال با شبهه‌های اعتقادی، سرگردان بماند و از دین و اعتقادات خویش دست بکشد. چون نوجوان نگاهی انتقادی و پرسشگر دارد، دقت در مواجهه با شبهه‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. تفکر انتقادی نوجوان مذموم نیست، بلکه سبب تصحیح آموزه‌های دینی و اعتقادی و بازنگری در عیار درستی و اصالت و ارزش آنها شده، به تدریج به پالوده شدن، غنا و نهادینه شدن اعتقادات می‌انجامد؛ به شرطی که در سرگردانی و بی‌پاسخی نماند. شهید مطهری نیز بر این عقیده است که «شک گرچه منزلگاه خوب و توقفگاه مناسبی نیست، ولی معبر خوب و لازمی است» (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲).

نوعی از بحران هویت که خاص فضای مجازی است، مربوط به تغییر اجتماعی سریع است. بر اثر این چنین ارتباطات و تعامل با فضای مجازی، سنت‌های قدیمی به سرعت در حال سست شدن بوده و احساس سردرگمی هویتی در تعدادی از گروه‌های اجتماعی شکل گرفته است. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر ارزش‌های جوانان داشته و موجب شده نیازهایی که قبلاً توسط خانواده برطرف می‌شد، امروزه از سوی این رسانه جدید مرتفع شود؛ مثلاً در گذشته دوست‌یابی تحت نظر والدین صورت می‌گرفت، اما امروزه برخی جوانان با استفاده از سیاست‌های دوست‌یابی، گفتگو (چت) و امثال آنها، قادرند با افراد گوناگون و با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. کاربران اینترنت، برخلاف نسل اول که در فضایی واقعی و حقیقی فعالیت می‌کردند، امروزه در فضایی مجازی مشغول هستند. بر همین اساس، بسیاری از کارکردهای خانواده در جامعه‌پذیری افراد، به وسیله این رسانه تعاملی، در محیطی مجازی صورت می‌گیرد (بوربور حسین بیگی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

پدیده مهم دیگری که از بحران هویت به وجود می‌آید، ترکیبی از بحران هویت فردی و اجتماعی است. وقتی افراد در معرض فضای مجازی قرار می‌گیرند، به نوعی از دگرخودپنداری از خویش مبتلا می‌شوند. این نگرش وضعیتی پدید می‌آورد که افراد در فضای مجازی، خود را در شرایطی ایده‌آل و دست‌نیافتنی‌تر تعریف می‌کنند؛ رفتارهایی مانند تلاش برای جذب تعداد بیشتر لایک، انتشار بخش‌های بیشتری از زندگی شخصی، تلاش برای جذب بیشتر دنبال‌کنندگان آنلاین در صفحات اجتماعی و انتشار تصاویر شخصی با جوانب مثبت و قابل توجه؛ اینها از جمله مواردی

هستند که می‌توانند نوجوان را در مواجهه با واقعیت، دچار بحران هویت سازند.

### ب) تهدیدهای عینی و عملی

اینترنت با تأثیر بر ساحت‌های بینشی و گرایشی، زمینه ظهور برخی رفتارهای غیراخلاقی را ایجاد می‌کند. تهدیدهای نظری ذکر شده در مبحث فوق، نمودهای بیرونی در قالب رفتار و اعمال غیراخلاقی خواهد داشت. در این مبحث به برخی تهدیدهای عینی و عملی فضای مجازی پرداخته می‌شود.

### ۱- حیازدایی

یکی از آفت‌های فضای مجازی، زدودن گوهر حیا از وجود انسان است. براساس آموزه‌های دینی ما، حیا سرآمد تمام فضایل اخلاقی است. شاید بتوان گفت آبشخور تمام فضایل، حیا‌مندی و منشأ تمام رذایل، بی‌حیایی انسان است. «استحیاء» را می‌توان به معنای «خود را در محضر خدا دیدن» و «پرهیز از گناه» دانست که یکی از صفات پسندیده نفسانی مورد تأکید دین اسلام است و منظور از آن، خودداری از انجام دادن کارهای زشت، به سبب ترس از سرزنش شدن است (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۱). حیا در روان‌شناسی تحت عنوان انفعالات روانی معرفی می‌شود. اصولاً حالات روانی را با هیچ تعریف خاصی نمی‌توان به کسی که فاقد آن است شناساند؛ منتها چون برای تمام انسان‌ها کمابیش این حالت پیش می‌آید، می‌توانند آن را درک کنند (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۵۷).

احادیث معصومین راجع به حیا، دو دسته‌اند: احادیثی که حیا را به‌عنوان امری اخلاقی، مورد توجه قرار داده‌اند: «حیا کلید تمام خوبی‌هاست»<sup>۱</sup> (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۹۳، ح ۳۴۰)؛ پاره‌ای دیگر از این احادیث، به صراحت اشخاص را به رعایت حیا سفارش کرده است: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد»<sup>۲</sup> (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۵).

در مجموع، می‌توان گفت حیا یکی از «مکارم اخلاق» معرفی شده است که در خصوصی‌ترین زوایای زندگی انسان نیز نقش ایفا می‌کند؛ زیرا روح وقتی با یک عمل زشت روبه‌رو می‌شود و آن را تصویر می‌کند، منفعل و منکسر می‌شود و همین حالت، موجب بازدارندگی اوست. بعد از انجام

۱. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ».

۲. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».

آن عمل هم، این حالتِ بازدارندگی نسبت به تکرار آن عمل زشت آشکار می‌شود. در عصر کنونی، گسترش فرهنگ مبتذل غرب در فضای مجازی، فطرت پاک انسان را تیره‌وتار می‌کند و حیا را که منشأ آراستن انسان به تربیت دینی و اخلاقی در بُعد فردی و اجتماعی است، به تاراج می‌برد. یکی از مصادیق حیا، حیای چشم است که اینترنت کمینگاهی برای زدودن آن است. چه بسا محقق یا محصل نوجوان برای یافتن مطلبی علمی وارد شبکه می‌شود، اما در حاشیه‌ی لینک مدّنظر، هایپرلینک‌های متعدد چشمان او را به تماشای تصاویر نیمه‌عریان دعوت می‌کند و نوجوان را - که در مرحله‌ی بیداری جنسی است - به تماشا، کنجکاوی و جستجوگری می‌خواند. قرآن کریم برای آسیب‌زدایی از موهبت حیا و عفت، در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...؛ (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بپوشند».

«غض البصر» در این آیه، به مفهوم کم و کوتاه کردن نگاه آمده است (طبرسی، ج ۱۸، ص ۲۵). به عبارت بهتر: پرهیز از امتداد و طولانی کردن نگاه و جستجوگری و کنجکاوی در نگاه به نامحرم، که حیا و عفت را لکه‌دار می‌کند.

به تحقیق می‌توان گفت راه برون رفت از آسیب‌های فضای مجازی بر اخلاق فردی و اجتماعی، حیا از خداوند است که بالاترین نوع حیا و ویژگی انسان‌های رشد یافته است. راه مزین ساختن انسان به حیا در فضای مجازی نیز حیامداری در زندگی واقعی است<sup>۱</sup> (زائری، ۱۳۹۱). یکی از نمادهای آشکار بی‌حیایی در فضای واقعی، بی‌حجابی است؛ زیرا فضای مجازی، قبح پوشش نامناسب را با نمایش و تکرار آن برای پسر و دختر نوجوان، از بین می‌برد.

## ۲- بی‌حجابی و بدحجابی

اینترنت ابزار مناسبی برای جوامع غربی شده تا در جهت بسط فرهنگ مبتذل خود، با ارائه‌ی مدها و نگاه ابزاری به زن، هویت زن مسلمان را با بحران مواجه کنند. ره‌آورد جوامع مدرن برای زنان، این شده است که امروزه بدن زن تبدیل به ابزاری برای تبلیغ مصرف باشد. زنان، موجوداتی مصرفی نمایانده می‌شوند که برای کسب هویت ارزشمند، باید بدنی متناسب با استانداردهای نوین و روحیه‌ای متناسب با تبعیت از مدها و مصرف هرچه بیشتر کالا داشته باشند. در این

۱. حجت الاسلام زائری، نشست حیا در رسانه، ۱۸ مهر ۱۳۹۱.

فرهنگ، بدن، نحوه لباس پوشیدن، خودآرایی و حتی نحوه سخن گفتن و ژست‌ها، همگی نشان‌دهنده هویت افراد می‌شود. ورود ترتیبات زندگی مدرن (مانند اینترنت) به جامعه ما، این مخاطره‌ها را برای دختران و زنان جدی‌تری می‌سازد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳-۱۷۲).

با گذری بر شبکه‌های اجتماعی (مانند: فیس‌بوک و اینستاگرام)، چالش زدودن حجاب و به تاراج رفتن هویت زن مسلمان مشاهده می‌شود. مسئله دیگری که اخیراً شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای ترویج آن قرار گرفته است، تخریب نمادهای حجاب است؛ یعنی پدیده نوظهور محجبه‌های خودنماست که فرهنگ عفاف و حجاب را با آسیب مواجه ساخته است.

رواج بی‌حجابی در فضای واقعی، تنها راه‌آورد بی‌حجابی مجازی نیست؛ انحرافات جنسی، تهدید دیگر اینترنت است و بی‌حجابی مجازی یکی از دلایل آن.

## ۲- انحرافات جنسی

وجود نیازهای جنسی در دوران بلوغ، از قدرتمندترین جنبه‌های حیاتی محسوب می‌شود. در همین دوران است که ضمن درک واقعیت‌ها، برآزادی خویش تأکید می‌کنند و خواستار آزادی در بسیاری از زمینه‌ها می‌شوند. این مسئله از آنجا اهمیت می‌یابد که اگر نتوان در این دوران، بین بلوغ عقلی و جنسی نوجوان رابطه‌ای منطقی و درست پدید آورد، انحرافات، بزهکاری و اختلالات رفتاری و شخصیتی را در پی خواهد آورد (پارسا، ۱۳۹۴، ص ۸۳).

انحرافات جنسی، پیامد عدم رابطه منطقی بین رشد عقلی و رشد جنسی است، که این امر در پدیده بلوغ زودرس، بیشتر مشهود است. معنای انحرافات جنسی، کسب لذت جنسی خارج از قوانین دینی و اجتماعی است. کامجویی از خود، یا کشش به سوی جنس موافق و یا گرایش‌های غیرقانونمند به سوی جنس مخالف، از جمله گرایش‌های انحرافی به حساب می‌آید. انحرافات جنسی، آسیب‌های جسمی، روحی، اجتماعی و معنوی را در پی خواهد داشت که انسان را به موجودی بی‌اراده و ناتوان تبدیل می‌کند. امام علی علیه السلام این ناتوانی را چنین توصیف می‌کند:

آن کس که بنده شهوت خویش باشد، دلیل‌تر از بنده برده است.<sup>۱</sup>

اینترنت به دلیل داشتن رویکرد «آزاداندیشی در روابط جنسی» از سوی سازمان‌دهندگان اصلی

۱. «عبد الشهوة اذل من عبد الرق» (غررالحکم، ص ۳۰۴).

آن و نگرش تجاری نسبت به مسائل جنسی، موجب پدید آمدن پدیده شومی به نام پرونوگرافی<sup>۱</sup> (هرزه‌نگاری) و رواج سرسام‌آور آن شده است. این پدیده، هنجارهای اخلاقی را درهم می‌شکند و چالش بزرگی برای فرهنگ‌ها، به خصوص فرهنگ‌های دینی. همچون فرهنگ اسلامی. است. مطالب و تصاویر مستهجن، معمولاً به ارضای غیرطبیعی جنسی مراجعه‌کنندگان آن می‌انجامد. متأسفانه این امکان وجود دارد که کودکان به واسطه دیدن این مطالب و تصاویر، دچار پدیده‌ای به نام «بلوغ زودتر از موعد» شده و به تبع آن، رفتارهای جنسی از خود بروز دهند. در مورد بزرگسالان نیز هرزه‌نگاری اینترنتی می‌تواند به بروز رفتارهای جنسی نامعقول و یا گاهی اعتیاد جنسی بینجامد. اصولاً اینترنت به جوی دامن زده که در سایه ویژگی‌های خاص خود، به تدریج به شکل‌گیری ناهنجاری‌های جنسی در کاربران خود کمک می‌کند (طارمی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳۷).

نوجوانان می‌توانند رفتارهای جنسی جبری، نظیر استمناء را داشته باشند؛ چراکه در اینترنت مکرراً چنین عبارتی مشاهده می‌شود: «اگر ۱۸ ساله یا بزرگ‌تر هستید، اینجا را کلیک نمایید». این پیام‌آشنایی است که نوجوان را به وب‌سایت‌های بزرگسالان فرا می‌خواند؛ چون راهی وجود ندارد که سن واقعی کاربر را بررسی کند و به سادگی اجازه می‌یابد به اتاق‌های گفتگو، سایت‌های هرزه‌بینی، سایت‌های بزرگسالان و سرویس‌های قرار. عشقی راه یابد. سایت‌هایی که هر چیزی مطابق با تمایلات جنسی خاص فرد، می‌تواند در آنها یافت شود (آل کوپر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹۱۰۸).

### ۳- دوستی‌های اینترنتی

یکی از محیط‌هایی که در دهه‌های اخیر جهت دوست‌یابی از آن استفاده می‌شود، محیط مجازی اینترنت است. شبکه‌های دوست‌یابی، به سرعت در میان جوانان و نوجوانان ایرانی محبوب شده است. چت کردن، نوشتاری و تصویری. صوتی، در این زمینه کاربرد زیادی دارد. براساس مطالعه میدانی زنجانی‌زاده و جوادی، میزان استفاده از چت، با ۱۲۷ دقیقه در هفته، بیشترین میانگین را در میان انواع استفاده از اینترنت به خود اختصاص داده است (زنجانی‌زاده و جوادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱). اما باید توجه داشت که این محیط به علت خصوصیات خاص خود، مشکلات و آسیب‌های جدی را به دنبال دارد.

سادگی و راحتی دسترسی به اتاق‌های چت و تالارهای گفتگو و همچنین دامنه و گستردگی افرادی

1. pornography

که در این محیط‌ها به تعامل با یکدیگر می‌پردازند، عامل مهمی در جذب کاربران به استفاده از آن است. غافل از اینکه به محض ورود به اتاق‌های گفتگو، کودکان و نوجوانان در معرض انواع آزار جنسی، مکالمات جنسی و مبادله نمودن عکس، قرار می‌گیرند. اگر فردی وارد این اتاق‌ها شود، افراد زیادی را می‌بیند که ادعا می‌کنند جوان یا نوجوان هستند (کوپر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱).

قرآن کریم یکی از عوامل عاقبت نافرجام را همنشینی بد عنوان کرده است:  
 «یا وَیْلَتی لَیْتَنی لِمَ أَتَّخِذُ فُلاناً حَلِیلاً»؛ ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم (فرقان: ۲۸).

بدون شک عامل سازنده شخصیت انسان (بعد از اراده، خواست و تصمیم او)، امور مختلفی هستند که اهم آنها همنشین، دوست و معاشر است؛ چراکه انسان خواه و ناخواه، تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش کسب می‌کند. این حقیقت، هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به ثبوت رسیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۸۹۸۸).

باید توجه داشت که در دوستی‌های غیر هم‌جنس، مشکلات دیگری نیز پیش می‌آید؛ از قبیل: بازی با عواطف، اغوای دختران و زنان در نبود علایم غیرکلامی، مقدمه‌ای برای ملاقات حضوری، جنسی شدن روابط، کاهش تدریجی شرم و حیا و خودافشاگری بالا در این‌گونه روابط و به تبع آن، شکل‌گیری سریع صمیمیت و اعتماد است<sup>۱</sup> (همتی، بی‌تا).

تمایل فزاینده نوجوان به حضور اجتماعی با هویت گمنام در گستره وسیع، سبب بروز تعاملات مجازی خارج از مدیریت زمان می‌شود و نتیجه آن، دوری از ارتباطات اجتماعی در فضای واقعی است.

#### ۴- افسردگی و انزوای اجتماعی، افسردگی و عدم حضور اجتماعی در فضای واقعی

انسان موجودی اجتماعی خلق شده است و رشد جنبه‌های مختلف شخصیت او، در بستر اجتماع شکل می‌گیرد. البته این گرایش به اجتماعی شدن، در نوجوانان و جوانان نمود بیشتری دارد و به شکل گروه‌گرایی در دایره همسالان، خود را نشان می‌دهد. گروه‌گرایی در فضای واقعی، عامل مهمی در شکل‌گیری هویت نوجوان است و به رشد اجتماعی او کمک می‌کند، اما با وجود اینترنت، بیشتر نوجوانان، طبع گروه‌گرای خود را در فضای مجازی اشباع می‌کنند و

1 porseman.org

این عامل، یکی از دلایل تمایل افراطی آنان برای حضور در فضای مجازی است. آنان این فضا را برای اجتماعی شدن، ایمن تر از فضای رئال می‌پندارند. نتایج مطالعه پیمایشی بر خط دانشگاه استنفورد کالیفرنیا که روی چهل هزار نفر، توسط نای و اربرینگ انجام گرفت، بیانگر آن بود که کاربران اینترنت زمان کمتری را برای گذراندن با دوستان و اعضای خانواده صرف می‌کنند (نای و هیلگز، ۲۰۰۲، به نقل از کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶).

شبکه‌های اجتماعی مجازی، در کنار احساس آرامش و امنیتی که با حفظ هویت اولیه خام به نوجوان می‌دهند، ناتوان از دادن هویتی به نوجوان هستند که در ارتباطات واقعی تر در دنیای غیردیجیتال انتظارش را می‌کشد؛ در نتیجه نوجوان دچار انزوای اجتماعی می‌شود. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین افسردگی و انزوای اجتماعی با مدت زمان معمول استفاده از اینترنت در کاربران نوجوان و جوان است. استفاده بیش از حد از اینترنت می‌تواند برای سلامت، رشد روانی و رشد اجتماعی نوجوان و جوانان خطرآفرین باشد (سجادیان و نادى، ۱۳۸۵). مشاهدات نشان می‌دهد انگیزه افرادی که ساعات متمادی را در فضای مجازی سپری می‌کنند، برای تعامل با دیگران کم می‌شود که این خود اثرات منفی بر ارتباط شخصی و تعاملات اجتماعی آنان دارد. این افراد دوستی‌ها را کمتر حفظ کرده، زمان کمتری با خانواده سپری نموده و استرس‌های بیشتری را تجربه می‌کنند و در نهایت تنها و افسرده‌اند. وابستگی به اینترنت همچنین گسست‌ها و انقطاع‌های شدیدی در زندگی تحصیلی، اجتماعی، مالی و شغلی مشارکت‌کنندگان ایجاد کرده است (محسنی و همکاران، ۱۳۸۵).

##### ۵- کاهش مسئولیت اجتماعی و آزار مجازی

هیجان‌طلبی، ریسک‌پذیری بالا و استقلال‌طلبی نوجوان و از سوی دیگر، فضای نسبتاً غیرقابل کنترل فضای مجازی، موقعیتی را برای نوجوان ایجاد می‌کند که احساس مسئولیت و مقید شدن به ملازمات اجتماعی و قانونی را در آنان کاهش می‌دهد. قضاوت‌های اخلاقی در این دوره در مورد قوانین اجتماعی، بیشتر «نسبی‌گرا» است؛ به این معنا که قوانین و مقررات در نظر نوجوان، عبارت است از یک سلسله موافقت‌های قراردادی و دلخواه که می‌تواند مورد تردید و حتی تغییر قرار گیرد. «اخلاق توافقی» که شکل تازه‌ای از اندیشه اخلاقی و مربوط به دوران نوجوانی است، دارای این دو ویژگی است:

- اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب.

- سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً به تنبیه منتهی نمی‌شود (حسینخانی، ۱۳۸۵).

زمانی که کاربر نوجوان با توجه به این قضاوت اخلاقی، بدون توجه به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جامعه، اقدام به نقض هنجارهای اجتماعی می‌کند، دارای احساس مهارزدایی یا کاهش مسئولیت اجتماعی است. اندیشمندان، مسئولیت اجتماعی در فضای مجازی را به شمشیر دو لبه تعبیر می‌کنند. این احساس، برخی اوقات با ایجاد امکان گفتگوی آزاد و فارغ از عوامل تحریف‌گر و رعایت کردن ملاحظات، موجبات طرح بعضی موضوعات و مسائل شخصی غیرقابل طرح در مواجهات رو در رو را فراهم می‌سازد، اما از دیگر سو می‌تواند باعث ابراز نیازها و عواطف ناخوشایند کاربر از طریق سوء استفاده از دیگران شود. کاهش مسئولیت اجتماعی، می‌تواند با تحریک کاربر به انجام رفتارهای ماجراجویانه، منجر به بروز رفتارهای غیراخلاقی (مانند سرقت‌های مادی و معنوی، نقض حریم خصوصی، حمله‌های سایبری و ...) شود که از آنها به «آزار مجازی» تعبیر می‌شود.

آزارگر مجازی، فردی است که به واسطه انگیزه‌های عاشقانه، یا جنسی و یا اقتصادی، فرد دیگری را با توسل به ابزار ارتباطی، آزار می‌دهد. دو عامل اساسی گسترش آزار مجازی عبارتند از: «وجود اطلاعات گسترده شخصی در فضای مجازی» و «گمنامی آزاردهندگان و دشواری شناسایی واقعی آنان». گمنامی، آزاردهندگان را در موقعیتی برتر نسبت به قربانیان قرار داده و باعث تحریک آزاردهندگان به دنبال کردن قربانی و در صورت امکان، آزار او در فضای واقعی (خیابان، مسیر کار یا منزل) می‌شود. آزار مجازی می‌تواند زندگی اجتماعی و خصوصی قربانیان را دستخوش تغییرات اساسی نماید. تغییر محل کار و شماره تماس و پرهیز از حضور در اماکن عمومی و حتی مواجه شدن قربانیان با انواع مشکلات روحی و روانی، از پیامدهای این پدیده است (کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱۰).

## ۶- شایعه پراکنی و دروغ پردازی

معلوم بودن نام نویسنده، یک عامل بازدارنده در برابر بی‌دقتی یا دروغ است. عموم افراد از



گفتن مطالبی که از صحت آن اطمینان ندارند، یا توان مسئولیت‌پذیری درباره آن را ندارند، پرهیز می‌کنند؛ اما در فضای مجازی، هرکس می‌تواند با داشتن هویت غیرواقعی و بدون پذیرش مسئولیت خبر، آن را منتشر کند.

از سوی دیگر، به تعداد کاربران اینترنت و شبکه‌ها و صاحبان وبلاگ‌ها، تولیدکننده خبر و مطلب وجود دارد. در میان این همه محتوا در بیان یک واقعیت، وجود روایت‌های غیرواقعی اجتناب‌ناپذیر است. گاهی به تعداد بینندگان یک اتفاق، روایت‌های متفاوتی از آن واقعه منتشر می‌شود که منطبق با حقیقت نیست. گاهی تکرار یک مطلب، آن را به عنوان یک حقیقت جا می‌اندازد و کم‌کم آن را به سند تبدیل می‌کند. همچنین بالا بودن سرعت انتشار خبر نیز امکان بررسی دقیق صحت آن را غیرممکن می‌کند (منتظر قائم، ۱۳۹۵).

در فضای مجازی، به آسانی می‌تواند بینش و نگرش ما تحت تأثیر اشتباهات عامدانه یا سهوی دیگران قرار بگیرد؛ اطلاعاتی که هیچ تضمینی بر صحت آن وجود ندارد. هرکدام از ما نیز با باز نشر پیامی که به صحت آن اطمینان نداریم، به زنجیره انتشار این شایعات می‌پیونديم و شخص یا اشخاص دیگری را در معرض فریب‌های این شبکه نامطمئن قرار می‌دهیم و آبروی انسان. که به مثابه تمام سرمایه و اعتبار اوست و در طول زندگی، با سختی آن را به دست آورده است. به راحتی در معرض خطر قرار می‌گیرد. از نظر اسلام، حفظ آبروی مردم و حتی اندیشه آنان محترم است و ریختن آبروی مؤمن گناه بزرگی به شمار می‌رود؛ به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام آبروی مؤمن را از حرمت کعبه بالاتر می‌داند و می‌فرماید: «المؤمن اعظم حرمة من الكعبة» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۶).

شایعات رایج در فضاهای مجازی، گاهی اختصاص به افراد و یا اشخاص ندارد. در برخی موارد، ناآگاهانه تصویر ذهنی عموم مردم از هویت ملی، فرهنگ، قومیت یا جنسیت را مخدوش می‌کنند و حتی در امور سیاسی و دیپلماتیک کشورها، تنش‌زایی می‌کنند. برخی دیگر از این شایعات نیز به امنیت اجتماعی یا حوزه سلامت و بهداشت مربوط می‌شوند و سبب ایجاد تنش و ناآرامی در جامعه می‌شوند؛ تنش‌هایی که گاهی رفع آن و بازگرداندن آرامش و امنیت به افکار عمومی، برای دولت‌ها هزینه‌های گزافی دارد.

## نتیجه‌گیری

چالش‌های اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان، امروزه مصادیق متعددی دارد که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره شده است، اما حقیقت این است که تهدیدها فراتر از آن است که بیان شد. امروزه چالش‌هایی چون توهین به مقدسات، نقض حریم خصوصی، تحقیر و تمسخر (فردی، قومیتی یا جنسیتی)، نقض مالکیت دیگران (مادی یا معنوی)، تولید و توزیع محتوای جنسی (پورنوگرافی)، هک کردن، حمله‌های سایبری و اعتیاد به بازی‌های آنلاینی (مانند کلتش که خطرات جدی دارد) گسترش یافته است. این مخاطرات، هشدار است برای والدین و مربیان تربیتی و از سوی دیگر، نهادها و ارگان‌های دولتی، تا با برنامه‌ریزی دقیق و مدون، از به تاراج رفتن ارزش‌های دینی پیشگیری شود.

در عصر حاضر، به دلایلی از قبیل سرعت تبادل اطلاعات، گستره وسیع تعاملات و نفوذ اینترنت بر تمام ابعاد زندگی انسان از یک سو و از سوی دیگر استقلال طلبی، رشد شناختی و اجتماعی نوجوان، نمی‌توان رویکرد سلبی در تربیت به کار برد، بلکه باید با آگاهی از چالش‌ها و مخاطرات، راه‌های برون‌رفت را به کار گرفت و با بهره‌گیری از فرصت‌ها، تهدیدها را نیز تبدیل به فرصت کرد. این واقعیتی انکارناپذیر است که نقش اصلی در کاهش تهدیدهای تربیت اخلاقی اینترنت، در گام اول می‌بایست در قالب تدابیر پیشگیرانه توسط والدین اعمال شود. اگرچه راهکارهای قانونی و فیلترینگ برخی سایت‌ها توسط دولت، در عمل تا حد بسیاری سودمند است؛ خانواده می‌تواند با ارائه الگوی اخلاقی، به پرورش روحیه خودکنترلی، مدیریت زمان، هدایت به تعامل هدفمند فرزندان با فضای مجازی، جلوگیری از شکاف دیجیتالی خود و فرزندان، شاکله اخلاقی آسیب‌ناپذیری را در فرزندان ایجاد کنند. از آنجا که نیاز به ارتباط، گفتگو، تعامل و تبادل اطلاعات، یکی از نیازهای اساسی نوع بشر است؛ گفتگو، مهم‌ترین مهارت در تحکیم بنیان و ایجاد فضای گرم در خانواده‌هاست و فرصتی برای افراد تا علایق، صمیمیت و کدورت‌های خود را ابراز و فاصله بین یکدیگر را کاهش دهند. اما سیستم‌های جدید ارتباطی (شبکه‌های مجازی) آسان‌تر، ارزان‌تر و در دسترس‌تر است و به همین دلیل، استفاده از این فناوری‌های نوین، برای کاربران جذاب‌تر است و کمبود ارتباط میان فردی در خانواده و جامعه، به راحتی از طریق این سیستم جبران می‌شود. گفتگوهای صمیمانه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های افزایش صمیمیت بین

اعضای خانواده است، اما این کار نیازمند تقویت مهارت‌های گفتگو و توجه به کیفیت گفتگو دارد.

نهادهای آموزشی و پرورشی نیز با ارائه محتوای ارزشی و اخلاقی در قالب‌های نو و خلاقانه، می‌توانند تهدیدهای اینترنت را تبدیل به فرصت کرده و از پیامدهای مخرب اخلاقی فضای مجازی جلوگیری کنند.

## فهرست و منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
۳. آذربایجانی، مسعود و همکاران، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: انتشارات سمت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۴. آنتونی آرلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، مترجم: عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۹۱.
۵. بوربور حسین بیگی، مریم، «بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها بین دو نسل»، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اعظم راودراد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۸۳.
۶. بیات، عبدالرسول و همکاران، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۷. تیمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: جلال الدین محدث، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۸. داودی، محمد، تربیت اخلاقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۹. سالاری فر، محمدرضا و همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۰. فرجاد، محمدحسین، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶.
۱۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ج ۲۶، اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام، ۱۴۰۶.
۱۲. کرم‌اللهی، نعمت‌الله، «بررسی جامعه‌شناختی آثار استفاده از اینترنت بردین داری جوانان»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، ۱۳۸۸.
۱۳. کوپرآل، اینترنت و کمین اخلاقی نیمه پنهان قدرت، ترجمه: حمید مرتضوی و بتول جباریان، تهران: انتشارات دانژه، ۱۳۸۸.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیرنمونه، ج ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.

## نشریات

۱۵. ابوالقاسمی، محمود، نوروزی، عباس علی، طالب زاده نوبریان، محسن، «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵۵، پاییز ۱۳۹۲، ص ۳-۲۴.
۱۶. احمدی فر، مهرداد، صادق زاده قمصری، علیرضا، «چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تربیت دینی در عصر جهانی شدن»، نشریه مهندسی فرهنگی، ش ۴۵ و ۴۶، مهر و آبان ۱۳۸۹، ص ۵۵-۶۱.
۱۷. جوادی، علی محمد، زنجانی زاده، اعزازی، هما، «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳)»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، ش ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶-۱۲۱.
۱۸. خانجانی زینب، اکبری سعیده، «هیجان‌خواهی و وابستگی نوجوانان به اینترنت»، فصلنامه علوم تربیتی، دوره ۵، ش ۲۰، ۱۳۹۱، ص ۶۳-۷۵.
۱۹. خدایاری فرد، محمد، «مسایل نوجوانان و جوانان»، مجله انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۰.

۲۰. رحمتی، حسینعلی، «فیلترینگ و اخلاق: نگاهی به ابعاد اخلاقی پالایش محتوا در فضای سایبر»، مجله حریم امام، سال سوم، ش ۱۰۵، ۱۳۹۲.
۲۱. رفعت جاه، مریم، «هویت انسانی زن در چالش مد و آرایش»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹۱۳۵.
۲۲. سجادی، سید مهدی، «کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی)»، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه‌های نوین، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲۵.
۲۳. سجادیان، ایلناز، نادى، محمدعلی، «ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت زمان روزانه معمول کاربری اینترنت»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۴، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۳۸۳۳.
۲۴. شهشهانی، سیاوش، «داستان ورود اینترنت به ایران»، ماهنامه دنیای کامپیوتر و ارتباطات، ش ۴۴، ۱۳۸۵.
۲۵. طارمی، محمد حسین، «فضای سایبر آسیب‌ها و مخاطرات»، فصلنامه ره‌آورد نور، ش ۲۲، ۱۳۸۷، ص ۳۹۳۲.
۲۶. معمار، ثریا، عدلی پور، صمد، خاکسار، فائزه، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶۱۵۵.
۲۷. نجفی علمی، محمود، «نقش فناوری اطلاعات در ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت»، فصلنامه ره‌آورد نور، سال دهم، ش ۳۷، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹.

#### سایت‌ها

۲۸. آزاد نام، الهام، «۱۰ علت گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی»، <https://www.isna.ir/news>، ۱۳۹۴.
۲۹. بی‌نام، «بلوغ زودرس: عوامل مؤثر، عوارض، راهکارها»، <http://www.dana.ir>، ۱۳۹۴.
۳۰. بی‌نام، «بلوغ زودرس: عوامل مؤثر، عوارض و راهکار مقابله»، <http://peyamemaranand.ir>، ۱۳۹۴.
۳۱. جوادی، محسن، «نهیلیسم ارزشی»، <http://fahimco.com>.
۳۲. زائری، محمدرضا، «نشست حیا در رسانه»، <http://mehrkhane.com>، ۱۳۹۱.
۳۳. سیدان، ابوالقاسم و سروش پور، سمیه، «بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و میزان اعتماد به اینترنت دانشجویان دانشگاه‌های تربت حیدریه»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در فناوری اطلاعات، کامپیوتر و مخابرات، ۱۳۹۴.
۳۴. صدیق میرزایی، حمید، ۱۳۹۶، <https://www.farsnews.com/news>.
۳۵. کلانتر، محمد، «احساس تنهایی در نوجوانان»، <http://drkalantar.com>، ۱۳۹۶.
۳۶. محمدی، رحیم، «تاریخچه اینترنت در دنیا و ایران»، [www.iran-newspaper.com](http://www.iran-newspaper.com)، ۱۳۹۱.
۳۷. مصباح، محمد تقی، ۱۳۹۲، <http://www.nashriyat.ir>.
۳۸. منتظر قائم، مهدی، «علل و عوامل شایعه‌پراکنی در فضای مجازی»، <https://article.tebyan.net>، ۱۳۹۵.
۳۹. همتی، مجید، روابط مجازی، بی‌تا، <http://porseman.org>.
۴۰. یامین پور، وحید، «فردگرایی و خودنمایی در فضای مجازی»، سلسله نشست‌های کافه نقد اصفهان، ۱۳۹۴، <http://www.aparat.com>.



# بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، با تأکید بر آثار بانو امین

ثریا شاعیدی<sup>۱</sup>

## چکیده

در تعالیم اسلام، مادر به عنوان معمار تربیت نسل های آینده، نقش چشمگیری در تربیت و شکل گیری ساختار شخصیتی فرزند دارد. تربیت دینی، مهارت و وظیفه ای مادرانه است که موجب پروراندن روح کودک و تفهیم معارف دینی به او می شود. هدف از این پژوهش، تأثیر پایا و سازنده مادر در تربیت دینی فرزندان است که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از دیدگاه های بانو امین بررسی شده است. از آن جهت که بازپژوهی و کنکاش در آثار مفسران و صاحب نظران علوم دین یکی از راهبردهای آشنایی با مباحث تربیت در اسلام و کاربردی کردن مؤلفه های آن است، ضرورت پرداختن به این موضوع در آثار نوشتاری ایشان را دو چندان می نماید. بر مبنای اندیشه ایشان، بر تلفیق جنبه های نظری (گفتاری) و عملی (کرداری) در عرصه تربیت، تأکید شده است. بر این اساس، بانو امین سازوکارهای تربیت را در سه مرحله «پیش از تولد»، «دوران شیردهی» و «دوران کودکی» مورد بحث و بررسی قرار داده است. انتخاب شایسته و در ادامه آن، توجه به آموزه های دین هنگام انعقاد نطفه و رعایت الزامات دوران بارداری، از جمله مراقبت های مادر قبل از تولد فرزند به شمار می آیند. در دوران شیردهی، به تغذیه مادر از راه حلال و تقوا و پاک سازی فکر و روان، توجه شده است و در نهایت، آشنا ساختن فرزند با رفتار عبادی و اخلاقی و سوق دادن او به فراگیری علوم طبیعی برای نیل به سعادت و کمال انسانی، یافته های این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** مادر، بانو امین، تربیت دینی، فرزند، تفسیر مخزن العرفان.

## مقدمه

پایه اصلی تربیت و رشد صحیح فرد را می‌توان در خانواده جستجو نمود؛ به این دلیل است که زن به عنوان مربی خانواده و عامل اصلی انتقال ارزش‌ها، منزلت و ویژه‌ای دارد. نقش انسان‌سازی زن در طول هستی، از ارزشمندترین و اصیل‌ترین نقش‌های وی بوده است و بر مبنای تعالیم اسلامی و روان‌شناسی نوین، مهم‌ترین دوران تربیت، دوران کودکی است؛ طبق فرموده ائمه معصومین علیهم‌السلام ماندگاری نقش و نگار تربیت در دوران خردسالی در روح و روان انسان، همچون حک کردن نقشی بر روی سنگ سخت است: «التعلُّمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴). مطلبی که در کودکی به انسان آموخته می‌شود، گویا همانند حک کردن بر روی سنگ است که تا پایان عمر در ذهن او خواهد ماند. گرچه پدر و مادر هر دو نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت معنوی و دینی فرزندان دارند، اما نقش مادر به عنوان مؤثرترین عامل وراثتی و محیطی در پرورش و رشد شخصیت فرزند، ارزش و اهمیت بالاتری دارد؛ چون مادر ریشه و اساس تربیت است. رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بطنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ اشْقَى فِي بطنِ أُمِّهِ؛ ریشه سعادت و شقاوت و بدبختی هر فردی را باید در مادرش جستجو کرد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۸۱).

به همین جهت، تأثیر مادر در خوشبختی و بدبختی فرزند، بیشتر از پدر است.

امر تربیت، فعالیتی منظم، مستمر و زمان‌بند است که بر تمام ابعاد وجودی انسان (روحی، جسمی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی) احاطه دارد. گفتنی است با توجه به مسئولیت مهم و سرنوشت‌ساز مادر در امر تربیت، هرگز بدون آگاهی و شناخت و آنگاه ایمان و عقیده‌ای استوار، نمی‌توان به تکامل و سعادت رسید؛ تنها با کسب لیاقت‌های لازم است که می‌توان به تربیت فرزندان پرداخت و آینده نسل‌ها را دگرگون ساخت. این تحقیق، از آیات نورانی قرآن کریم و همچنین روایات انسان‌ساز اهل بیت علیهم‌السلام نیز بهره‌جسته است. بنابراین محور اصلی این پژوهش بر مبنای برخی آثار بانو امین همچون تفسیر مخزن العرفان و روش خوشبختی قرار گرفته تا سازوکارهای مادران در تربیت دینی مورد بررسی قرار گیرد. نقش مادران در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر آثار بانو امین، سؤال اصلی مقاله حاضر است و اینکه مادران چگونه در دوران قبل از تولد فرزند بر روند تربیتی فرزند تأثیرگذارند؟ دوران شیردهی و دوران کودکی، چه تأثیری می‌تواند بر تربیت یک انسان داشته باشد؟



اگرچه تحقیقات گوناگونی با موضوع نقش مادر در تربیت دینی نوشته شده است، اما این مقاله به طور خاص، با تأکید بر آثار بانو امین، به بررسی سازوکارهای تربیتی مادران پرداخته است.

## معرفی بانو امین

مجتهد سیده نصرت بیگم امین، از عالمان و مفسران عصر حاضر (۱۲۷۴-۱۳۶۴ ش) است که در زمینه‌های مختلف تفسیری، حدیثی، فقهی و اخلاقی، آثاری ارزشمند از خود بر جای گذاشته است. بانو مجتهد امین که به فرموده مقام معظم رهبری، در عصر خود آیتی از استعداد و استقامت و ظرفیت‌های بالای ذهنی زنان تحصیل کرده دینی ماست، شایسته‌الگو شدن برای زن مسلمان معاصر است. این شخصیت فرهیخته معاصر، با همت خود و ارتزاق از خوان معرفت الهی، توانسته است کلیه تعاملات خود را براساس دستورات مکتب اسلام مدیریت نموده و سبکی برای زندگی سعادتمندانة زنان ارائه دهد. بانو امین در سن چهل سالگی به درجه اجتهاد رسید و طی مدت بیست سال تفسیر قرآن را نوشت. یکی از نکات قابل ملاحظه در تفسیر بانو امین، توجه به زنان بر مبنای بینش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. تفسیر مخزن‌العرفان در پانزده جلد، در فاصله سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ نگاشته شده و از معدود تفاسیری است که توسط زنان به رشته تحریر درآمده و شامل حقایق قرآنی است. بانو امین در تفسیر قرآن خود، از کتاب‌های تفسیری مانند مجمع‌البیان، المیزان و کشف‌الاسرار و نیز از عرفان ملاصدرا استفاده کرده است. روش استفاده شده در این کتاب، تفسیر تخصصی آیات پیرامون حقوق و تکالیف زنان و بهره‌مندی از روایات اهل بیت علیهم السلام و پرهیز از تبیین و توضیح آیات مشابه است. کتاب روش خوشبختی، یکی دیگر از آثار بانو است که در این مقاله از آن استفاده شده است. خود بانو امین در مقدمه این کتاب می‌نویسند:

در نظر دارم به یاری خداوند متعال، به طور ساده و مختصر، پیامی مشتعل بر اندرزه‌های نیکو به خواهران ایمانی خود ابلاغ کنم. در افراد بشر، مخصوصاً در جماعت بانوان، کسی پیدا نمی‌شود که آرزوی خوشبختی و سعادت مندی در دل خود نپروراند، لیکن چنین گمان می‌شود که سعادت و خوشبختی، یک سرنوشت ازلی است و حصول آن مافوق تدبیر بشر است، این است که در مقام تحصیل آن بر نمی‌آید.

صفحات آغازین کتاب، درس دین‌شناسی است؛ دین اسلام و احکام و تکالیف آن. در مرحله بعد، کتاب، رنگی زنانه به خود گرفته و به تشریح تکالیف زنان می‌پردازد؛ وظایفی که اختصاص به زن دارد بسیار است، بعضی راجع به احکام و عبادات، از قبیل حیض و نفاس و استحاضه و بعضی راجع به حقوق و وظایف زن نسبت به دیگران است و در اینجا وظایف والدین - به ویژه مادران - در قبال فرزندان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مفهوم شناسی

### تربیت دینی

در لغت، واژه «تربیت» از «ربو» به معنای زیادی و افزونی و رشد آمده است (ابن منظور، ۱۳۸۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴). راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «رَبَّيْتُ» از واژه «ربو» است و گفته‌اند اصلش از مضاعف، یعنی «رَبَّ» است. «رَبَّ» در اصل به معنای تربیت است و معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰). با توجه به معنا و مفهوم یادشده، مفهوم واژه تربیت، بر پرورش استعدادها و توانایی‌های انسان دلالت می‌کند؛ یعنی زمینه‌ای فراهم شود که استعدادهای انسان به تدریج شکوفا شود، تا به حالت نهایی و کمال خود برسد. مقصود از تربیت دینی، فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی است (ابوطالبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

### الف: مرحله پیش از تولد

#### ۱. جایگاه انتخاب شایسته

قدم اول در ایجاد مجموعه‌ای کارآمد و مفید، انتخاب افراد سالم و صالح است. انتخاب همسر پرهیزکار، یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی برای تشکیل نهاد مقدس خانواده است و ضرورت آن در تربیت انتسابی انسان نمایانگر می‌شود.

اهمیت این امر، در کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشهود است: «بهترین متاع دنیا، همسر پارسا است» (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۳۷، ص ۲۲۲) و همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در سخنان گهربار خویش می‌فرمایند:

تَحَبُّ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ اخْتَارَهُ لَوَالِدَتِهِ تَحْسِينَ اسْمِهِ وَالْمَابِغَةَ فِي تَأْدِيبِهِ؛ سه چیز برای فرزند، به عهده پدر اوست: اول، مادر خوب برگزیدن، دوم، نام نیک بر او نهادن و سوم، تلاش برای تربیت او نمودن (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۳۱۲).  
به همین خاطر، روایات بسیاری بر انتخاب همسر، اعم از زن و مرد، تأکید فراوان دارند تا در ایمان، اخلاق و منش آن دو دقت فراوان صورت بگیرد.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) از پیش، اثر نیکی برای خود بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد، و به مؤمنان بشارت ده (بقره: ۲۲۳).

مفسرگران قدر اسلام بانو امین اصفهانی، ضمن اینکه آیه شریفه را یکی از اشارات لطیف و بدیع قرآن به شمار می‌آورد، می‌فرماید:

خداوند حکیم، مرد را به زارع و زن را مزرعه، نطفه را به تخم و اولاد را به محصول تشبیه نموده است و اینکه این آیه بعد از آیه محیض ذکر شده، شاید کنایه باشد در مورد زمین زراعتی که می‌بایست پاک و پاکیزه باشد تا آنکه محصول آن هم خوب و پرثمر شود؛ همین طور رحم زن نیز از قدرات خون حیض تصفیه شده، مهیا برای پذیرفتن نطفه و فرزند سالم می‌شود (امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۱۰).

زندگی زناشویی و دستورالعمل‌هایی که شارع مقدس در امر تحکیم این روابط بیان فرموده، همگی برای حفظ و زیاده‌ی نسل سالم و صالح بوده تا لایق کمالات و ترقیات شایسته و تربیت نیکو شود. بر همین اساس، رسول مهربانی ﷺ فرمودند:

تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ؛ برای نطفه‌های خود، زنان صالح انتخاب کنید؛ زیرا از آنان فرزندانی شبیه برادران و خواهران خود (از نظر اخلاقی) به دنیا می‌آورند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۵۸۹).

اسلام دوره شروع تربیت را، هنگام ازدواج و پیوند زناشویی مرد و زن دانسته و پدر و مادر آینده را به پیش بینی این امر مهم و حیاتی مقید ساخته است. زیست شناسان و دانشمندان علم ژنتیک بر این اعتقادند که عامل وراثت، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شخصیت انسان دارد (بالابان، ۲۰۲ م، ص ۲۹۳ / روتر و همکاران، ۱۹۹۷ م، ص ۳۳۵). آنچه مسلم است، تعامل اثرات ژنتیکی و محیطی، شالوده و اساس همه اعمال، افکار و احساسات و نیازهای انسان هستند. اگر یک قسمت از خصوصیات شخصیتی مبتنی بر عوامل ژنتیکی باشد، مسلماً قسمت دیگر آن بایستی براساس فاکتورهای محیطی حاصل شده باشد؛ همان طور که رفتار انسانی نشان می دهد، ژن ها به تنهایی نمی توانند کاری انجام دهند. ظهور آنها همیشه به هماهنگی با محیط بستگی دارد (عوامل مؤثر بر شخصیت، تأثیر وراثت بر شخصیت، سایت علمی دانشجویان ایران).

تأکید متون دینی برگزینش همسر از میان خانواده های دارای شخصیت روحی و معنوی پاک و سالم، به جهت دست یافتن به نسلی صالح است. در روایتی، پیامبر ﷺ زن زیباروی پرورش یافته در خانواده ناشایسته را به رویش گلی در میان زباله ها تعبیر فرموده و مردان را از گزینش چنین همسری برحذر داشته است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي كُفُّمُ وَخَضْرَاءُ الدِّمَنِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَضْرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السَّوْءِ؛ پیامبر ﷺ فرمود: مردم! از خضراء الدمن بپرهیزید. عرض کردند: مقصود چیست؟ فرمود: زن زیبارویی که در خاندان بد و پلیدی متولد و رشد یافته است (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۴).

مسلماً رسول گرامی ﷺ پرهیز از انتخاب چنین همسری را به خاطر عوامل وراثتی و ژنتیکی در زندگی فرزندان بیان فرموده است.

حضرت زهرا ؑ به لحاظ عوامل وراثتی از ناحیه مادر و پدر، سرشار از ویژگی های عالی روحی و روانی است. او در محضر پدری همچون پیامبر خدا ﷺ رشد نموده است و در دامن پراز مهر و پاک مادری چون خدیجه کبری ؑ بانوی پاکدامن قریش، از تربیت والایی برخوردار است و خود نیز به لحاظ وراثتی، عامل بسیار تأثیرگذار در شکل گیری شخصیت فرزندان بزرگوارش بود؛ ضمن اینکه فرزندان از ناحیه پدر - علی ؑ - نیز از این صفات والای انسانی برخوردار بودند.

در «زیارت وارث» حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می خوانیم:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُظْهِرَةِ لَمْ تُنَجِسْكَ  
الْجَاهِلِيَّةُ بِأُجْحَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْهَمَاتِ ثِيَابِهَا؛ ای مولای من، ای اباعبدالله،  
گواهی می دهم که تو نوری بودی در پشت های با رفعت پدران و رحم های پاک  
مادران که جاهلیت، شما را نیالوده و لباس تیره و تارِ ناپاکی به پیکرِ جانِ شما  
نیوشانیده است (مفاتیح الجنان، زیارت هفتم، وارث).

دامان پاک و سرشت الهی مادرانه است که شخصیت بی نظیری همچون حسین بن علی علیه السلام  
را تربیت نموده است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در انتقال روحیات عالی، براساس قانون وراثت و  
تربیت و آموزه های دینی، فرزندان را پرورش داده است که همه آنان الگوی کامل بشریت هستند.  
تربیت فرزند به معنای دقیق کلمه، با چگونگی اندیشه ازدواج، معیارهای انتخاب همسر، توجه  
به شرایط زیستی - روانی و آمادگی های ذهنی زوجین، به هنگام تشکیل نطفه آغاز شده، با انعقاد  
نطفه و آغاز حیات درون رحم ادامه می یابد؛ به همین دلیل است که بعضی از حکما معتقدند،  
تربیت حداقل بیست سال قبل از تولد شروع می شود (رک: افروز، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱-۲۲۰). انتخاب همسر  
مؤمن و متعهد، طیب و طیبه، عاقل و عاقله، مناسب ترین مسیر برای تشکیل نطفه و پرورش  
فرزندان شایسته و سالم خواهد بود.

## ۲. توجه به آموزه های دین هنگام انعقاد نطفه

براساس آموزه های دینی، یکی از مراحل که در تکوین شخصیت جسمی و روحی فرزندان ما  
می تواند مؤثر باشد، مرحله انعقاد نطفه است. خصوصیات جسمانی و روحانی هرانسان، متشکل  
از صفات وراثتی والدین وی است. این انتقال صفات در آن مرحله خاص صورت می گیرد و شاید  
بتوان گفت تنها راه کسب شباهت ظاهری، انتقال صفات از کروموزوم ها به نطفه است. گاهی این  
پرسش مطرح می شود که چرا برخی از افراد هیچ گونه شباهت ظاهری با والدین خود ندارند؟ امام  
صادق علیه السلام در این باره چنین می فرماید:

همانا خداوند تبارک و تعالی، هرگاه اراده کند که کسی را بیافریند، همه صورت های  
بین او تا آدم را جمع کند، سپس او را به صورت یکی از آنان می آفریند، پس هرگز

کسی درباره فرزند خود نگوید که این نه شبیه به من است، نه شبیه به نیاکان من  
(شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۴، ج ۴۷۰۹).

با این بیان، علاوه بر تأثیر صفات کروموزومی در ایجاد شباهت، جایگاه رشد جنین در رحم مادر نیز از عوامل زمینه ساز تربیت دینی کودک معرفی می شود.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «از خاندان صالح همسر بگیری که نطفه، اثر [پنهانی] دارد؛ پس صفات و حالات والدین، از راه نطفه به فرزند می رسد (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۷۶). به عبارتی، اعمال و رفتار هر انسانی، در آینده فرزندانش تأثیرگذار است و رعایت و یا عدم رعایت اصول اخلاقی، در جهت ساختار سازی جسمی و روحی جنین مؤثر است.

زندگی یک موجود زنده، از لحظه لقاح آغاز می شود؛ لحظه ای که «اسپریم» و «اووم» با هم یکی می شوند. از همین لحظه است که مرد و زن عنوان پدر و مادر پیدا می کنند و ایفای نقش حساس جدیدی را به عهده می گیرند. این دوره ۹ ماهه، در حیات آدمی بسیار مهم و تعیین کننده است. هرگونه کوتاهی والدین، به ویژه مادر، گاهی عواقبی غیر قابل اجتناب دارد؛ زیرا حالات هیجانی و عاطفی در لحظه انعقاد نطفه و نیز رؤیاهای و خیال پردازی های مادر، تأثیر مستقیم در جنین دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱).

بانو امین در این رابطه می فرماید:

نه تنها حالات روحی و جسمی پدر و مادر بر روی سلول اولیه وجود فرزند نقش دارد، بلکه رفتار آنان نیز در تمام مراحل زندگی فرزند تأثیرگذار است؛ از این رو دستورات زیادی از سوی شارع مقدس برای این مرحله صادر شده است که بی تردید التزام عملی به این دستورات می تواند گامی مؤثر برای تربیت نسل صالح باشد. در آموزه های دین، دعا و طلب فرزند شایسته و نیکوکار در هنگام انعقاد نطفه، توصیه شده است. انتخاب زمان و شرایط روحی و روانی مناسب نیز از جمله الزامات آن است که در سخنان معصومین علیهم السلام وارد شده است. قرآن کریم در این باره تشبیه زیبایی دارد:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛

اما سرزمین های بدطینت (و شوره زار)، جز گیاهِ ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید. این گونه آیات (خود) را برای آنان که شکرگزارند، بیان می کنیم! (اعراف: ۵۸). بانو امین اصفهانی در ذیل آیه شریفه می فرماید:

خداوند حکیم با آوردن تشبیه فوق، می خواهد مطلب معقولی را برای ما نزدیک به فهم کند؛ لذا می فرماید: مؤمن همانند زمین پاک و طیب، خوب حاصل می دهد و کافر همانند شوره زار، خوب حاصل نمی دهد. یعنی از دل پاک و نورانی و با ایمان، صفات پسندیده و اعمال شایسته سرچشمه می گیرد و از دل ناپاک، جز تیرگی و سیاه رویی و اعمال ناشایست نمایانگر نمی شود. شاید معنای دیگرش این باشد که اولادی که به پدر و مادر با تقوا تعلق دارند، با فضیلت هستند و اولاد والدین بی تقوا، از فضیلت بی بهره اند (امین، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۲۵).

در ایدئولوژی اسلام، خلقت آدمی براساس یک فطرت و سرشت نهانی صورت می گیرد و پاکی یا ناپاکی آن، زمینه ای برای خوبی یا بدی انسان مهیا می کند.

روایاتی که تأکید می کنند هنگام خستگی زیاد، یا ساعات اولیه شب و با شکم پر، آمیزش صورت نگیرد (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۲۰) و همچنین ذکر مکروهات و مستحبات زیادی که روایات برای آمیزش بیان داشته اند، همگی دلالت بر اهمیت این لحظه در حیات مادی و معنوی انسان دارد (وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۷، باب ۱۰۵).

در تبیین اهمیت این مسئله و نقش آفرینی آن در تربیت دینی فرزند، توجه به کیفیت انعقاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام که طراحی آن از سوی خداوند تبارک و تعالی صورت گرفته، کفایت می کند. هنگامی که مقدر شد نطفه حضرت منعقد شود، پدرشان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چهل شبانه روز به تهجد و عبادت می پردازند و بعد از تناول از غذای بهشتی، اجازه انعقاد نطفه صادر می شود.

### ۳. رعایت الزامات دوران بارداری

یکی دیگر از مقاطع و مراحل حساس و تأثیرگذار در تربیت نسل، دوران بارداری مادر است که در شکل گیری شاکله دینی فرزندان اثرگذار است.

به فرموده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، شقاوت و سعادت انسان، در این دوره معین می شود (نهج

الفصاحه، ص ۵۲۹)؛ لذا کلیه حالات، رفتار، اعمال و حتی خطورات فکری و قلبی مادر در فرزند مؤثر است. مادری که خود علقه فکری و عاطفی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشته و این علقه، نمود عملی در زندگی او دارد، می تواند منتقل کننده آن به فرزند خود باشد.

تجربه نشان می دهد خواندن دعاهایی که تقویت کننده ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام است، می تواند در تربیت نسل مهدوی مؤثر باشد. اگر در آموزه های دینی در دوران بارداری، سفارش به خواندن دعاهایی چون زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، دعای عهد و دعای فرج شده است، بدین جهت است که ارتباط مستمر مادر با این مضامین دعایی، مستقیماً در جنین تأثیرگذار است و نسلی عاشق به ولایت را می پروراند (رک: اُحدی، حسن، ۱۳۸۵، ص ۴۸-۲۸).

روان شناسان بر این باورند که حالات روانی و هیجانی و یا حتی فعالیت های جسمانی مادر، در شخصیت کودک مؤثر است. تراوش هورمون هایی که در شرایط هیجانی و یا فشارهای روانی صورت می گیرد، بر جنین تأثیر می گذارد (میخبر، سیما و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵-۵۷)؛ لذا مراقبت و انسجام اعمال اخلاقی در طول این مدت، موجب سلامت جسمی و روحی جنین خواهد بود. برای رسیدن به این مقصود، باید در وقت بارداری مراقبت های لازم را انجام دهند. پاول هنری ماسن، نویسنده کتاب رشد و شخصیت کودک، این مطلب را این گونه تأیید می کند:

بین سیستم عصبی مادر و رویان، هیچ رابطه مستقیم عصبی وجود ندارد و فقط مواد شیمیایی می توانند از جفت بگذرند. با وجود این، حالت عاطفی مادر ممکن است به طور غیرمستقیم، در عملکرد فیزیولوژیکی فرزند تأثیر بگذارد؛ بدین معنا که هرگاه مادر دچار ترس، نفرت و اضطراب شده و به طور کلی از لحاظ عاطفی برانگیخته شود، هورمون های خاصی مثل آدرنالین، در جریان خونش آزاد می شود. بعضی از این مواد ممکن است از جفت عبور کرده، در جنین تأثیر گذاشته و او را تحریک نماید (پاول هنری ماسن، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

براین اساس، انجام دادن اعمال عبادی توسط مادر که موجب آرامش وی می شود، هم بر سلامت جنین مؤثر است و هم زمینه صالح شدنش را فراهم می آورد. بانوامین وظیفه مادر را این گونه ترسیم می کند:

در زمان حمل، بایستی مراعات بشود که غذای حرام نخورد و مضطرب و



پریشان خاطر و عصبانی نشود و نیز افکار و خیالات وی فاسد نباشد. بلکه در ایام حمل، همیشه او را شاد و امیدوار نگاه دارند و نگذارند مکدر و مغموم و دل شکسته شود و سعی شود به مناظر زیبای طبیعی نظر کند و با اشخاصی که دوست دارد، تکلم نماید (بانوی ایرانی، ۱۳۷۱، ص ۹۳).

مادر در انتقال روحیات عالی یا غیرعالی، اثر مهمی دارد؛ لذا برای جلوگیری از مشکلات جسمی و روحی و اخلاقی فرزند باید در طول دوران بارداری، با تغذیه سالم و صحیح جسم و جان، خود را تقویت کند.

### ب. نقش تربیتی مادر در دوران شیردهی

از دیگر دستورات دینی مربوط به دوران بدو تولد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد است که به فرموده حضرت رسول ﷺ، این عمل باعث دوری شیطان خواهد شد (الکلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۲۴).

نام گذاری مناسب فرزند، عقیقه و تغذیه با شیر مادر، از دیگر آموزه های مربوط به این دوران است (رک: میخبر، سیما و همکاران، ۱۳۸۶).

### ۱. تأثیر تغذیه مادر از راه حلال و پاک سازی افکار

برنامه غذایی در دوران بارداری، از جهات بسیاری برای جنین ضروری است. سلامت و رشد اندام، ضریب هوشی جنین، استعداد و حتی خلق و خوی فرزند، به این امر بستگی دارد؛ زیرا تکامل اعصاب و مغز کودک از غذای مادر است. از طرفی - براساس تحقیقات - جنینی که تغذیه کامل و سالم نشده باشد، کم وزن شده، دچار مشکلات و تغییرات در عملکرد بدن می شود و در بزرگسالی موجب بیماری قلبی و عروقی او خواهد شد؛ بنابراین، شرایط محیطی پیش از تولد، بر سلامت جنین در سنین بزرگسالی تأثیر می گذارد (برک لوا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸)؛ از همین رو، تحقیقات روان شناسی حاکی از این است که کلیه عواطف، احساسات، و دلبستگی های مادر، هنگام شیر دادن هم به فرزند منتقل می شود.

این کشف، از هزار و چهارصد سال پیش در سخنان معصومین علیهم السلام به وضوح مشهود است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

بنگرید چه کسی فرزندان را شیر می دهد؛ زیرا فرزند به صفات و سرشت او رو می کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶).

ارتزاق با شیر مادر، حقی است که خداوند برعهده مادر نهاده است و می فرماید:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد)؛ هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست (بقره: ۲۳۳).

و مادران باید فرزندان شان را دو سال کامل شیر دهند. این [حکم] برای کسی است که می خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند. در تفسیر شریف مخزن العرفان، ذیل آیه شریفه آمده است: «یُرْضِعْنَ» صیغه مضارع به معنای خبراست، ولیکن اینجا به معنای «امر» استعمال می شود. یعنی مادرهایی که بخواهند رضاع را تمام کنند، بایستی طفل خود را دو سال تمام شیر دهند؛ زیرا از حیث تربیت، ارتزاق با شیر مادر، تأثیرگذار است و اینکه نفقه طفل - از شیرو و خوراک و لباس - به عهده پدر است و حتی مادر می تواند

اجرت شیر خود را از او بگیرد. به دلیل اینکه فرموده: «لَمَنْ ارَادَ أَنْ يُتِمَّ الرُّضَاعَةَ»؛ در صورتی که مادر بخواهد شیر طفل خود را تمام بدهد. یعنی براو واجب نیست (امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۳۵).

بانوی اصفهانی بر این عقیده است که:

پس از تولد، نخستین وظیفه پدر و مادر این است که نام نیک بر طفل نهند، مثل نام انبیا و اوصیا، و به شیر مادر او را تغذیه نمایند؛ زیرا شیر مادر ملائم طبع بچه است و اگر مانعی پدید آمد، دایه ای برای او اختیار کنند که عاقله و فهمیده و از خانواده های نجیب و محترم باشد و یا میکروب سیفیلیس و یا مرض دیگر، در شیر وی نباشد و زن در ایام رضاع، از غذای حرام و شبهه ناک و نجس، اجتناب نماید؛ زیرا شیر در بچه - جسماً و روحاً - تأثیر کلی دارد (امین، ۱۳۷۱، ص ۹۴).

تأثیر شیر مادر در پرورش شخصیت دینی فرزندان، امری مسلم و غیرقابل انکار است. اهتمام خانواده حضرت امام خمینی علیه السلام برای یافتن دایه ای برای شیردهی آقا روح الله که ارتزاق حلال داشته باشد نیز از حکایات شنیدنی است. خانواده ایشان پس از تلاش فراوان، از یافتن دایه ای که ارتزاق صددرصد حلال داشته باشد مأیوس شدند و نهایتاً با خانمی قرارداد می بندند که در حلال شیردهی این فرزند، حتی یک لقمه از غذای خود ارتزاق نکند و تمامی ارتزاق وی از غذایی باشد که برای او آورده می شود (میخبر و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷). این همه تأکید و سفارش برای تغذیه طفل با شیر مادر، دلالت بر تأثیر دوره شیردهی و اهمیت آن بر شخصیت فرزند است.

### ج: نقش تربیتی مادر در دوران کودکی

آیین مقدس اسلام، قوانین فراگیر و اصول تربیتی وارسته ای دارد و برای تکمیل شخصیت طفل، شیوه هایی وضع کرده است که عقیده، اخلاق، جسم، روح، عقل و اجتماع را فرا می گیرد. در این مبانی و اصول، هیچ گونه تکلیف شاق و دشواری وجود ندارد و اگر مرتبی آنها را رعایت کند، نسل نوحاسته، به درجه اعلا شرف و کمال می رسد و عظمت و مجد دنیای اسلام در تربیت انسان هایی شایسته، بر همگان آشکار می شود. تربیت صحیح، تحولات اخلاقی و اجتماعی فرزند را برای آینده پی ریزی می کند.

به عقیده بنیامین اسپارت، نویسنده کتاب تغذیه و تربیت کودک، انجام هر فعالیتی در ابتدای کودکی و آموختن هر مهارتی و مؤدب شدن به هر تربیتی، زمینه را برای رشد روز افزون و تصاعدی در سال های بعدی فراهم می آورد و نقش تربیت ها و تعلیم های زمان کودکی و نوجوانی، پابرجا و ثابت خواهد ماند (بنیامین اسپارت، ۱۳۷۷، ص ۶۸).

طی قرن ها در روایات معصومین علیهم السلام، به این سخن تأکید شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ای خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

پس در تربیت تو شتاب کردم بیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آموذن آن را کشیده اند و تو را از تلاش و یافتن، بی نیاز ساخته اند (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۵۲۳).

به سبب تأثیر و اهمیت فراوان آموزش دینی در روح و جان کودک، امامان معصوم علیهم السلام در تعالیم خود می کوشند تا نهاد فرزند را از همان دوران کودکی، براساس توحید و ایمان پرورش دهند؛ زیرا ذهن و قلب کودک در این دوران، به زمینی می ماند که هرچه در آن کشت شود به بار خواهد نشست. لذا باید صفات اخلاقی و اجتماعی شایسته ای در او پرورش داد تا تثبیت پیدا کند.

بانو امین نیز بر این نظر است که پس از به پایان رسیدن دوران شیرخوارگی طفل، بر پدر و مادر لازم است که در تعلیم و تربیت بچه کوشا باشند؛ زیرا ذهن بچه در ابتدا مثل کاغذی است که در وی هیچ نقشی نباشد و قابلیت هر نقشی را دارد. ایشان بانوان را موظف به امر بزرگی می نمایند و می فرمایند:

جای تردید نیست که کلاس اول تربیت بشر، دامن مادر است. وقتی بشر پا در این عالم می گذارد، چون لوح وجود او خالی است، تربیت مادر و آنچه از قبل او به وی القا می شود، مثل نقشی که بر سنگ زده می شود، در سینه طفل نفوذ می کند و سعادت و یا شقاوت، در همان ابتدا در وی تعبیر می شود (امین، ۱۳۷۱، ص ۹۵-۹۴).

بدیهی است که خودسازی و تهذیب والدین، موفقیت در امر تربیت را آسان تر می کند و در ادامه برای حفظ نسلی پاک، در سایه تعلیم فرزند، به فراگیری علوم طبیعی و رفتار عبادی در جهت اوامر الهی تلاش کنند.

## ۱. آشنا ساختن فرزند به رفتار عبادی و اخلاقی

گرچه در نظام تربیتی اسلام هرگونه آموزش رسمی و سخت‌گیرانه در دوران کودکی مردود است و اصل بررها و آزاد گذاشتن کودک است، اما این نکته در متون دینی مورد توجه قرار داده شده که دوران شکل‌گیری شخصیت دینی، معنوی، عاطفی و عقلی، از کودکی آغاز می‌شود. اخبار و احادیث در این زمینه دلالت دارند که هفت سال اول، کودک باید با مقوله‌های مذهبی و اخلاقی مؤنسست داشته باشد.

نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک از ارزش‌های اخلاقی و نرسیدن به رشد اجتماعی، بیشترین تلاش مربیان در این مرحله باید معطوف به ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک نسبت به ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی، از جمله مسئله ارتباط با ولی خدا باشد (شرفی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۵). تأکید می‌شود که دوران کودک، دوران استفاده از ابزار استدلال و منطق نیست و آنچه در این دوران اثرگذار است، جنبه‌های گفتاری و کرداری در قالب احساس و عاطفه است که ماندگاری آموزه‌های خانواده را رقم می‌زند.

با بهره‌گیری از دستورات الهی، مسئولیت ایمانی والدین آشکار می‌شود؛ آنجا که آیه شریفه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند در آنچه فرمان داده شده‌اند (تحریم: ۶).

مفسر گران قدر مخزن العرفان ذیل آیه شریفه بیان می‌دارد:

ایمان آوردگان گمان نکنند به مجرد تصدیق کلمه توحید و نبوت، از عذاب رها شده‌اند، بلکه باید به وظیفه ایمانی خود عمل کنند و اهل و اولاد خود را وادار به تکالیف دینی نموده و آنان را در این زمینه ارشاد و تربیت نمایند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه هر مؤمنی است.

بانو امین با استناد به حدیثی، در ذیل آیه می‌فرماید:

خدا رحمت کند مردی را که به اهل بیت خود بگوید بر شماست که نماز بگذارید و روزه بگیرید و زکات مال خود را بدهید و درباره فقر و یتیمان و همسایه های خود احسان کنید و به آنان مرحمت و شفقت نمایید. کسی که چنین کند، شاید خداوند آنان را با او در بهشت جمع نماید (امین، ۱۳۶۲، ج ۱۳، ص ۳۹۲-۳۹۱).

از این رو آموزش هایی که به سبب آن، همسر و فرزندان از آتش نجات می یابند، در قالب تربیت دینی امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن فضایی پاک و عاری از هر نوع پلیدی صورت می پذیرد. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: چگونه زن و فرزند خود را حفظ کنیم؟ فرمود: «آنان را امر و نهی کنید». گفتند: آنان را امر و نهی می کنیم، اما نمی پذیرند. فرمود: «هرگاه آنان را امر و نهی کردید، دیگر وظیفه خود را انجام داده اید» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص ۷۹۸).

از این بیان می توان فهمید که حق زن و فرزند، تنها تأمین خوراک، پوشاک و مسکن و لوازم زندگی نیست؛ مهم تر از آنها تغذیه جان و روان آنان است که آثار مثبت دنیوی و اخروی را برای والدین به ارمغان خواهد آورد.

مادر به عنوان رکن مهم تربیت فرزند، باید فرصت طلایی شکل گیری شخصیت فرزندش را از همان اوان کودکی غنیمت شمرد و پایه ها و بنیان های اعتقادی و اخلاقی وی را با ارائه رفتار پسندیده، تقویت کند.

بانو امین در ادامه وظایف مادران در امر مهم تربیت می فرماید:

بدیهی است هر خلقی که در انسان رسوخ نماید، زاده تکرار عمل است؛ بدین معنا که اگر مادر از ابتدا مواظبت کند که طفل پیرامون اعمال زشت، مثل یابو گویی، هرزه گی، دروغ، کتک زنی، فحش، سرقت مال غیر و امثال اینها نگردد، وقتی کودک بزرگ شد، به فساد اخلاق گرفتار نخواهد شد.

خانم ها بایستی بدانند اگر اطفال خود را در کودکی به اخلاق خوب عادت ندهند، مرتکب گناه بزرگی شده اند؛ زیرا تربیت مادر به نحو معجزه آسایی در طفل تأثیر می گذارد. هر مردی که به قلّه کوه فضیلت و شرافت رسید، در اثر تعلیم و تربیت اولیه او بوده است و در اثر فقدان تربیت نیکو، اگر در بزرگی مرتکب گناه شود، مظلّمه او به گردن مادر است که از ابتدا از وی جلوگیری نکرده است. بانو امین در زمینه تأثیر پذیری طفل از اعمال و رفتار پدر و مادر می فرماید:

اگر ما مسلمانان به دستورات دین عمل می‌کردیم و خود را تربیت می‌نمودیم، البته اطفال ما نیز خوب تربیت می‌شدند و برای تربیت، هیچ چیز مؤثرتر از این نیست که خود پدر و مادر و اهل خانه دارای فضیلت اخلاقی و ایمان و تقوا باشند تا در قلب بچه ثبت شود.

ایشان در زمینه تقویت بنیه اعتقادی کودک می‌فرماید:

می‌بایست طفل را از همان کودکی، اصول عقاید و کلمات توحیدی آموخت و احکام شریعت را به وی آموزش داد و اگر در وی خُلق بدی دیده شد، با کمال جدیت باز دارند که در وی رسوخ ننماید و ملکه نفسانی نشود.

ایشان با تأکید بر این مطلب می‌فرمایند:

اگر مراعات این جهات نشود، دین و اخلاق بچه، هر دو خراب و فاسد می‌شود، عقاید و آداب مختلف می‌بیند و آن وقت است که به هیچ عقیده و دیانتی پایبند نمی‌ماند (امین، ۱۳۷۱، ص ۹۴-۹۸).

به بیان دیگر، لازم است تفکر و تعقل کودک از همان آغاز با ارکان ایمان و حقایق عینی مرتبط باشد و به دور از خرافات و مجعولات، اعتقادات او تکمیل شود. بنابراین کودک را باید به خدا و وحی، ملک، انبیا، احوال آخرت و معاد معتقد ساخت؛ زیرا چنین کودکی بعید است که در بزرگسالی از یاد خدا غافل بماند و دستورات خدا را زیر پا بگذارد (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۴۸۴).

پدر و مادر، هر دو باهم موظف‌اند در مسیر تربیت دینی فرزندان گام بردارند؛ زیرا به فرموده امام سجاد (علیه السلام): «حق فرزند به تو این است که بدانی وجود او از توست و خوبی و بدی‌های او در این دنیا وابسته به توست». بدانی که به سبب پدری و سرپرستی او، مؤاخذ و مسئولی. تو موظفی فرزندت را به آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی، او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در اطاعت و بندگی پروردگار، یاری‌اش نمایی. به رفتار خود در تربیت فرزندان توجه کن، پدری باش که به مسئولیت خویش آگاه است و می‌داند اگر با فرزند خود نیکی ننماید، در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد و اگر بدی کند، مستحق مجازات و کیفر خواهد بود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۷۵).

با وجود این‌گونه احادیث، جای شکی نمی‌ماند که مقصود از تربیت، پرورش فرزندانی است که هم در سعادت و شقاوت خویش و هم در سعادت و شقاوت والدین مؤثرند؛ لذا پدر و مادر به عنوان

مسئولین تربیت، نباید به این امر کم توجهی نموده، فرزندان را به حال خود رها کرده و یا به روش ناشایست تربیت کنند.

### ۳. سوق دادن فرزند به فراگیری علوم طبیعی

یکی از روش های شکوفایی استعداد، سوق دادن کودک به فراگیری علوم طبیعی است. اگر والدین بتوانند علاقه به کتاب و مطالعه را در وجود طفل بارور سازند، زمینه را برای موفقیت های آینده او در زندگی اجتماعی و آشنایی با مسائل روز جامعه، پی ریزی نموده اند؛ زیرا اهتمام به درس و مطالعه، عاملی جهت شناخت و رشد دینی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی انسان است و در متون اسلامی به آن توجه شده است. قرآن کریم می فرماید:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛

بگو: آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند! (زمر: ۹).

هر فردی برای رسیدن به درجه معرفت و دانایی، باید اهل مطالعه و تعلّم باشد تا با تداوم آن، به درجه خردمندی دست پیدا کند.

لقمان حکیم در توصیه به فرزندش، ترک مطالعه را با ضایع کردن علوم برابر می داند؛ زیرا اگر فرزند به مطالعه دائم عادت نکند، دانش اندکی را هم که آموخته، فراموش می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: یکی از نصایح لقمان به پسرش، این بود که گفت: «ای پسر! بخشی از روز و شب و ساعات خود را برای دانش پژوهی قرار ده؛ زیرا هیچ زبانی را مانند ترک آن نخواهی یافت» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۸ ح ۹۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳ ص ۴۱۵).

از دیگر فواید مطالعه و علم آموزی، کسب آرامش و نشاط روحی و کاهش ناراحتی های عاطفی و هیجانی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

هر کس با کتاب تسلّا یابد و آرامش گیرد، هرگز غم گساری و تسلابخشی را از دست نخواهد داد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۹).

کودک و نوجوان را باید به کتاب و کتاب خوانی ترغیب نمود و زمینه تحصیل و پیشرفت او را فراهم نمود تا در زندگی موفق شود.



بانو امین بر این نظر است که به وقت تعلیم علوم، بچه را باید به دبستان فرستاد تا علوم طبیعی را فرا گیرد و تأکید دارند:

قرآن مجید، مکرر در مکرر امر به تفکر و تدبر در خلقت آسمان و زمین و تمام امور مادی و طبیعی می فرماید و توصیه در کسب علم و دانش می نماید و مقام علم و علما را مورد تمجید قرار می دهد. تا جایی که در مقام تعجب می فرماید: آیا عالم و غیرعالم با هم مساوی اند؟ یعنی بین این دو، بسیار فرق است؛ زیرا انسان در زندگی محتاج به تمدن است و برای رفع نیازهای اجتماعی، در تحصیل علوم جدید پیشروی می کند. بر این اساس، در دوران مدرسه و بزرگسالی او، بایستی خیلی جدیت و کوشش کرد که معلمین و رؤسای آن مدرسه، اشخاص دین دار و باایمان و باتقوا باشند و نیز باید بسیار مراعات کرد که بچه های همکلاس او از خانواده های محترم و دین دار باشند؛ زیرا اخلاق بچه ها در هم تأثیر کلی دارد. در ادامه می افزاید:

چنانچه اولیا مراعات این جهات را ننمایند، دین و اخلاق بچه خراب و فاسد می شود که این خود ظلم بزرگی به فرزند محسوب می شود (بانوی ایرانی، ۱۳۷۱، ص ۹۹-۱۰۰). مسلم است تحصیل و پیشرفت در علوم مادی، هنگامی مثمر ثمر است که همراه با اخلاق و آراسته به صفات نیکو باشد.

## نتیجه گیری

خانواده، به ویژه مادران، در تربیت دینی فرزندان و هدایت صحیح آنان به سوی سعادت و اعمال صالح، بیشترین و مؤثرترین نقش را دارند. از این رو شایسته است مادران با شناخت جایگاه خود و برنامه ریزی، به تربیت دینی فرزندان شان همت گمارند تا زمینه شکوفایی استعداد های نهفته او را به وجود آورده و در مسیر تکامل او در ابعاد مادی و معنوی سهیم باشد. این مقاله با تأکید بر دیدگاه های بانو امین، به برجسته نمودن نقش مادران در تربیت فرزند در سه دوره «پیش از تولد»، «شیردهی» و «کودکی» پرداخته و به این نتیجه رسیده که مادر به عنوان متولی اصلی تربیت، قبل از تشکیل خانواده نیاز به مهارت هایی همچون: انتخاب همسر شایسته و رعایت بایسته های

دینی هنگام انعقاد نطفه دارد تا بتواند در مسیر پرورش فرزندان صالح، موفق تر گام بردارد. از طرفی توجه به آموزه‌های دین هنگام تولد نوزاد و نیز تغذیهٔ مادر از راه حلال در دوران شیردهی و تقوا و پاکدامنی وی، تأثیر مستقیم بر تربیت دینی فرزند دارد. در نهایت دوران کودکی، اصول و شیوه‌های خاص خود، همچون آشنا ساختن فرزند با رفتار عبادی و اخلاقی و سوق دادن او به فراگیری علوم طبیعی برای نیل به سعادت و کمال انسانی را می‌طلبد؛ زیرا حکمت زناشویی و تمام تشریفات و وظایفی که شارع مقدس در امر ازدواج و پس از آن مقرر فرموده، به دلیل اهمیت تربیت اولاد است تا نسل بشر، سالم و لایق کمالات و ترقیات شایسته و تربیت نیکو باشد.

## فهرست منابع:

۱. آقا میری، فاطمه السادات، عطیه الهی، بی جا، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۵.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بی جا، بیروت، بی نا، ۱۳۸۹.
۳. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی، بی جا، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۴. افروز، غلامعلی، چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی کاربردی، چاپ ششم، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.
۵. امین، نصرت بیگم، روش خوشبختی، بی جا، اصفهان: نشر محمدی، ۱۳۷۱.
۶. \_\_\_\_\_، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، بی جا، بی جا: بی نا، ۱۳۶۲.
۷. برک لوا، روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی، بی جا، تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۶.
۸. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، چاپ دوم، بی جا: پژوهش‌اندیشه، ۱۳۹۲.
۹. بنیامین اسپارک، تغذیه و تربیت کودک، ترجمه مصطفی مدنی، بی جا، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۷.
۱۰. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بی جا، یزد: بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد، ۱۳۹۳.
۱۱. تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: درایت، مصطفی، بی جا، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۶۶.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۳. جزایری، غیاث الدین، اعجاز خوراکی‌ها، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲.
۱۴. دشتی، محمد، نهج البلاغه، چاپ اول، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
۱۵. شرفی، محمد رضا، مراحل رشد و تحول انسان، بی جا، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۶. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، بی جا، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷.
۱۷. صفایی حائری، علی، تربیت کودک، بی جا، قم: انتشارات لیلۃ القدر، ۱۳۹۵.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، بی جا، تهران: بی نا، ۱۳۶۵.
۱۹. فیض کاشانی، محمد حسن، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۶ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. محمدی نیا، اسدالله، فرهنگ تربیت فرزند، چاپ دوم، بی جا: سبط اکبر، ۱۳۹۷.
۲۲. معین الاسلام، مریم، غلامی، علی، رسالت‌های زن منتظر، بی جا، قم: نشر مؤلف، ۱۳۸۸.
۲۳. میخبر، سیما و همکاران، ریحانه بهشتی، چاپ سی و دوم، قم: نور الزهرا، ۱۳۸۶.
۲۴. هنری ماسن، پاول، روان‌شناسی رشد و کودک، ترجمه مهشید یاسایی، بی جا، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۴.



## بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان

اکرم حبیبی خاوه<sup>۱</sup>

### چکیده

تربیت دینی به عنوان یکی از ابعاد تربیت، از آغاز اسلام دچار موانعی برای دستیابی به مبانی دینی بوده است. از جمله این موانع، موانع محیطی است که ناپهنجاری خانواده، مدرسه، دوستان، اجتماع و محیط طبیعی را شامل می شود. فرد در تعامل با محیط، رشد می کند و دچار گرایش های متفاوت با دین و یا متعارض با آن می شود. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت عنصر محیط برای متصدیان امر تربیت، به جهت عملکرد موفق در انجام برنامه ها، به بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان می پردازد و بیانگر این مطلب است که محیط نامناسب، سبب انحراف از مسیر درست تربیت می شود. بنابراین، با کاوش در این مسئله، در جهت برطرف نمودن موانع و کاستن آسیب های محیط بر تربیت دینی گام برمی دارد. روش کار این مقاله، کتابخانه ای، اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مورد نیاز تربیتی است.

**واژگان کلیدی:** تربیت دینی، مانع، محیط.

## مقدمه

تربیت، از آغاز خلقت انسان به عنوان مسئله‌ای اصلی مطرح بوده است و از بنیادی‌ترین نیازهای بشر محسوب می‌شود که در همه امور جاری زندگی تأثیر اساسی دارد. یکی از مباحث مهم مطرح شده در این حوزه، تربیت دینی است. تربیت دینی، افراد را به بالاترین مقامات انسانی نائل می‌نماید و تربیت غیردینی، سبب سقوط انسان (باقری، ۸۵، ص ۱۷) و مانع از رسیدن به قرب الهی می‌شود. انسان‌ها در جوامع صنعتی کنونی، از لحاظ مسائل تربیتی دچار مشکل هستند که بسیاری از این مشکلات براساس روش‌های تربیتی نادرست و غیردینی ایجاد می‌شود (باقری، ۸۵، ص ۱۰). از آنجا که دین، تمام ابعاد وجودی انسان را به خوبی تربیت می‌کند؛ تربیت دینی «آن جنبه از تربیت است که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد، آنان را پایبند به اصول و عامل به فروع بار می‌آورد و فطرت الهی و انسانی را بارور می‌سازد» (احمدی، بی تا، ص ۲۸). آیات و روایات، وراثت و محیط را دو عامل مهم در تربیت انسان بیان می‌کند (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۷). وراثت حاکی از صفاتی است که توسط ژن موجود در کروموزوم، از پدر و مادر به انسان منتقل می‌شود و شخصیت انسان را می‌سازد (برک، ۱۳۹۱، ص ۷۳). با گذر از تأثیر مهم وراثت، انسان در زندگی تجربیاتی کسب می‌کند که محصول تأثیر متقابل میان فرد و محیط است (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۸۰). «براساس تحقیقی که انجام شده است، بیش از هشتاد درصد ناسازگاری‌ها به علت وجود محیط نامساعد است» (فائمی، ۱۳۷۴، ص ۹۱) که با کمی تحقیق در جامعه و به خصوص در مراکز اصلاح تربیت و زندان‌ها، با توجه به کم شدن سن مجرمین و نیز نوع جرایم صورت گرفته (به عنوان نمونه: اعتیاد، کلاهبرداری، قتل، خشونت و...) و به طور کلی بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی، می‌توان دریافت که تأثیر محیط بر تربیت، امری غیرقابل انکار است. در مورد موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و تنها در کتاب آسیب‌شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها) به طور مختصر، کلی و گذرا و تنها به صورت معرفی، به این موضوع اشاره شده است که محیط می‌تواند مانع از تربیت دینی صحیح شود. هدف از نگارش، بررسی موانع محیطی است تا در خودسازی، اقدام‌های تربیتی توسط خود فرد و یا مربیان او صورت پذیرد و با شناخت این موانع، تأثیرات آن بر افراد کاسته شود، یا از میان رود تا برای جلوگیری از سقوط و تحقق کمال، از آن بهره‌برد.



۱۳۸۷، ص ۱۴) و یا سرکوب کردن. تربیت دینی سبب استفاده صحیح از گزینه جنسی می شود و انسان وقتی از پس نیروی شهوت خود برآید، می تواند به کنترل رفتارهای خود بپردازد.

## ۲-۱۱ اخلاق علمی

تربیت علمی یعنی دستیابی به آگاهی منظم و قاعده مند که بدون در نظر گرفتن فضایل و رذایل اخلاقی، گاه موجب حجاب بر قلب انسان می شود. یکی از اهداف تربیت علمی، فراگیری «معرفت گزاره ای» شامل مسائل، قوانین و نظریه های خاص مربوط به علم و رشته های علمی است؛ به این معنا که برخی امور واقعی اند. با این حال، معرفت گزاره ای، تنها شناختی نیست که باید در تربیت علمی کسب شود (مارتین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)؛ بلکه در تربیت علمی باید طبق موازین دینی وارد مسائل و قوانین شد تا بتوان قوانین کلی را با دین تطبیق داد و عملکرد معینی داشت.

## ۳-۱۱ اخلاق سیاسی

تربیت سیاسی، فرآیندی است که در آن افراد به وسیله اخلاق اسلامی و اصول دینی، زمینه را برای رسیدن به مدینه فاضله مهیا می کنند. هدف از اخلاق سیاسی، آشنا ساختن افراد با کمالات انسانی است و در این فرآیند، فرد می آموزد که ابتدا محیط را بشناسد و سپس براساس آموزه های دین، آن را تجزیه و تحلیل کند و موضع دین مدارانه داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

## ۴-۱۱ اخلاق اقتصادی

افراد در شرایط دشوار اقتصادی، در مقابل آموزه های دینی-از جمله نگهداری خود در مقابل مال دیگران- قرار می گیرند. فقر یکی از عوامل ایجاد انحرافات، از جمله دزدی است (نعمت الهی، ۱۳۷۹، ص ۱۹). تربیت دینی سبب می شود افراد در موقعیت های مختلف، به کنترل خود و مبارزه با مفاسد و سالم سازی اخلاقی در اقتصاد خود بپردازند و برای چاره جویی، به سرقت، کلاهبرداری و زیر پا گذاشتن قوانین و اخلاق روی نیاورند (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).



## ۵- اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی یعنی اینکه فرد در برابر مردم، اهل معاشرت باشد. در واقع زندگی اجتماعی دارای ماهیت اجتماعی است؛ از طرفی نیازها، بهره‌ها و کارها، ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم آنها در داخل یک سلسله سنن میسر نیست، از طرف دیگر نوعی از اندیشه‌ها، ایده‌ها و خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت می‌بخشد (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸۹، ص ۱۸). در تربیت دینی، افراد باید متحدانه و براساس صفات پسندیده اخلاقی و دوری از صفات ناپسند، با یکدیگر برخورد داشته باشند و نظم را رعایت کنند.

## ۲. تربیت اعتقادی

اعتقادات ریشه اصلی تفکر را دربر می‌گیرند و انسان براساس آنها تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. آموزه‌های دینی و ترویج و تقویت آنها، تعالی معنوی انسان را تضمین می‌نماید (عبدالوهاب کریمی، ۱۳۸۹، ص ۷۶). تربیت اعتقادی به عنوان بُعدی از تربیت دینی، اعمال درونی و بیرونی انسان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند؛ به طوری که سبب می‌شود فرد در موقعیت‌های مختلف، براساس تعالیم دینی گام بردارد.

## ۳. تربیت عبادی

با توجه به نقش احکام عبادی در رفتارهای فردی و اجتماعی، تربیت عبادی سازنده ساختار فکری افراد است. طبیعت و قوانین تحوّل، به گونه‌ای است که در مواجهه با بحران‌ها در حد ظرفیت انسان را به تحرک و تعالی رهنمود می‌کند (عبدالعظیم کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). در تربیت دینی اگر تحرک همسو با احکام عبادی باشد، موجب پیشگیری از وقوع انحراف در اعمال می‌شود و انسان را به کمال می‌رساند.

## موانع محیطی تربیت دینی

انسان به دلیل غریزه بی‌نهایت طلبی، برای رسیدن به مقصود خود، راه‌های متنوعی را در برابر خویش می‌بیند که اگر به درستی تربیت نشده باشد، راه نادرست را ترجیح می‌دهد. امروزه موانع

بسیاری بر سر راه تربیت نسل حاضر وجود دارد که سبب انحراف انسان از مسیر تربیت صحیح می شود. بنابراین، باید با رفع این موانع زمینه مناسب برای تربیت فراهم شود. یکی از موانع تربیتی، موانع محیطی است که به آن پرداخته می شود:

## ۱. خانواده غیردینی

خانواده - مخصوصاً پدر و مادر - بیشترین تأثیر را در تربیت فرد دارند. آنان در صورتی که از اعتدال تربیتی در گفتار و رفتار دور شوند و دچار تناقض باشند، نقش بازدارندگی خواهند داشت و راه تربیت را مسدود می کنند. در مکتب تربیتی اسلام، به نقش تربیتی خانواده در دوره های زندگی توجه ویژه ای شده است و بزرگان دینی تأکید فراوانی بر این عنصر داشته اند. قرآن کریم نیز به خانواده و مسئولیت آن در تربیت اشاره می کند و می فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهیلکم نارا» (تحریم: ۶) که این نشانگر اهمیت محیط خانواده است. خانواده مهم ترین بخش هر جامعه است که والدین در آن از طریق الگوها، معیارها و پاداش ها و تنبیه ها، بیشترین نقش را در شکل گیری ابعاد شخصیتی یک انسان ایفا می کنند. اگر مادر به خاطر شغل و درآمد و یا مدرک تحصیلی، حق مادری خدادادی را از فرزندش دریغ کند و بدتر از آن، پدر به جای ایجاد آرامش، عصبانیت ناشی از خستگی کار را به خانه بیاورد، تربیت فرزند به مخاطره می افتد (هاشمی محجوب، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱۵). خانواده به همان اندازه که نقش مؤثر در تربیت دینی دارد، در صورت عدم شایستگی دینی، بازدارنده این امر خواهد بود. عملکرد منفی خانواده در تربیت دینی را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

### ۱-۱- دوران قبل از تولد

رفتارهای والدین قبل از انعقاد نطفه، در تربیت دینی تأثیرگذار است. این موضوع توسط بزرگان دینی نیز مطرح شده است. شاید برای به وجود آمدن ذریه ای پاک بود که پیامبر ﷺ قبل از انعقاد نطفه فاطمه زهرا علیها السلام مقدماتی - از جمله روزه داری به مدت چهل روز - را انجام دادند. تغذیه مادر در ایام بارداری، در اخلاق و هوش کودک تأثیر می گذارد؛ زیرا اعصاب و مغز کودک از غذای مادر شکل می گیرد. اسلام نیز تصریح کرده که غذای مادر در پرورش اخلاقی کودک مؤثر است (امینی، ۱۳۷۵، ص ۳۹). بنابراین، محیط رشد جنین - که در آن مادر به طور مستقیم و پدر به صورت غیرمستقیم مؤثر

هستند. (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۴) نیاز به توجه و مراقبت دارد و در صورت عدم توجه به رعایت شئون اسلامی و آلودگی رفتارهای والدین به مسائلی از قبیل زنا، غیبت، تهمت، استفاده از مال حرام و غیره، تربیت دینی کودک در خطر قرار می‌گیرد و باعث انحراف از مسیر صحیح تربیت می‌شود.

## ۱،۲- دوران بعد از تولد

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرد در آن قرار می‌گیرد و به آن محیط اعتماد می‌کند، نقش بی‌بدیل در تربیت به طور کلی و در تربیت دینی به طور خاص دارد. نوع عکس‌ها و پوسترهایی که بر دیوار خانه نصب می‌شود و نوع برنامه‌های صوتی و تصویری و نیز کتاب‌ها و مجلاتی که وارد خانواده می‌شود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد و نگرش او را به دین شکل می‌دهد. رفتارهایی که در خانواده انجام می‌شود، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. نوع سخنان و گفتگوهایی که در خانواده میان والدین و دیگر اعضا مطرح می‌شود، لحن سخن گفتن، استفاده از الفاظ احترام‌آمیز یا زشت و رکیک، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. انتظارات والدین و خانواده از تربیت کودک، اینکه فرزندشان متدین تربیت شود یا خیر و یا چه اندازه به آموزه‌های دینی پایبند باشد نیز در شکل‌گیری شخصیت دینی کودک تأثیر بسزایی دارد. میزان کنترل والدین بر رفتار کودکان و راهنمایی مناسب آنان در امور دینی، نقش مهمی در تربیت دینی آنان دارد. همچنین نوع روابط خانوادگی تأثیر زیادی در تربیت دینی فرزندان دارد، ارتباط خانواده با خانواده‌هایی که پایبندی چندانی به دین ندارند، تأثیر منفی بر تربیت فرزندان خواهد داشت (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴، ۱۰۳). در موارد بیان شده، در صورت کج‌روی والدین به علت وابستگی و الگوگیری فرزندان از آنان، منجر به انحراف دینی فرزند می‌شود. در عصر حاضر توجه به موقعیت اجتماعی فرزند در بین افراد و اینکه نیازهای اقتصادی آنان را برطرف شود، بر تربیت صحیح‌تری یافته و در این صورت عوامل به ظاهر کمک‌کننده تربیت، خطر انحراف را زیاد کرده است. از آنجا که محیط اثر مستقیمی در شکل‌گیری تربیتی فرد دارد، رشد کودک در خانواده متدین اهمیت می‌یابد (صادق‌زاده قمصری، حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲). بنابراین اگر خانواده این اصل مهم، یعنی تربیت دینی را به طور مناسب ایفا نکند، آموزش دینی بدون پرورش آن، افکار و عقاید فرزندان را به مخاطره می‌اندازد. فرزند در خانواده تجربه کسب می‌کند و با استفاده از این تجربیات می‌تواند

به سوی کمال، صعود یا نزول کند و اگر خانواده به جایگاه خود بی توجه باشد و موازین دینی را رعایت نکند، نمی تواند عملکرد تربیت دینی خود را به خوبی ایفا کند. شتابزدگی و در نظر نگرفتن ظرفیت های فرزند، نتیجه معکوس دربر خواهد داشت. رسالت سنگین و اساسی خانواده ها در ارتباط با فرزندانشان، پرورده ساختن عقل و رشد خرد آنان است. در این باره خانواده باید پس از راهنمایی و ارشاد برخی از موارد لازم و ضروری، تصمیم گیری را به خود کودکان واگذار نمایند. پس پدران و مادران باید در حد معمول و متعارف، به راهنمایی و ارشاد فرزندان خود بپردازند، ولی به تدریج بکوشند این راهنمایی و ارشاد، توسط فکر کردن خود کودکان انجام گیرد. آنان باید به تدریج فرزندان خود را با اصول اخلاقی و انسانی آشنایی دهند؛ همان طور که پیامبر بزرگوار، هدف نهایی از بعثت خود را اتمام مکارم الاخلاق اعلام می دارد (رشیدیور، ۱۳۷۳، ص ۳۵، ۳۰، ۲۹).

در خانواده سخت گیر، تحمیل و تلقین نظرات پدر و مادر بر فرزند، باعث درک نادرست فرزند در امور می شود و زمانی که او به رشد عقلی می رسد، خود را آماده می بیند که با این افکار تحمیلی به مقابله بپردازد. خانواده های سهل گیر نیز بی تفاوت به شکل گیری رفتار دینی در فرزندشان، سبب بروز نابسامانی در رفتار او می شوند. هنگامی که والدین تصمیم می گیرند طرز غذا خوردن، لباس پوشیدن، شستشو و امور مانند اینها را به کودک بیاموزند، کودک زمانی این گونه امور را فرا می گیرد که آماده برای فهم و انجام آنها باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). در تربیت دینی نیز همین طور است؛ اگر پدر و مادر به طور تحمیلی و در صورت آماده نبودن فرزند، به تربیت وی بپردازند، او دچار شک در آرا و عقایدش می شود و در صدد مقاومت و ایستادگی در برابر ارزش ها برمی آید و سهل گیری نیز سبب عدم پذیرش و بروز رفتار دینی می شود که این خود مانع از تربیت درست است؛ لذا رفتار و برخورد والدین با فرزندان و نیز عدم ثبات رفتار دینی آنان مانع از این مهم می شود. در تربیت دینی، والدین ابتدا باید ذهن و موقعیت فرزند خود را آماده سازند و در پرتو محبت و صداقت، افکار و عقاید فرزند را جهت دهی کنند و بعد به آموزش احکام و سایر امور دینی بپردازند.

## ۲. مدرسه ناکارآمد

یکی از شرایط اساسی تربیت، مدارس و مراکز رسمی تعلیم و تربیت است. مدرسه عامل مهم در پرورش و تربیت انسان است. اکثر والدین در دوران کودکی که فرزندان شان نیاز به آموزش و

کسب مهارت دارند، قسمتی از این امر مهم را به مدارس واگذار می‌کنند تا شاهد پیشرفت علمی و تربیتی فرزندشان باشند. برای دستیابی به این مهم می‌بایست تربیت این محیط و محیط خانواده همسو باشد؛ چراکه «تربیت انسان، شرایط، لوازم و مقتضیاتی دارد که چنانچه جمع شود، تربیت نتیجه‌ای قابل قبول خواهد داشت» (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۰). در مدرسه الگوهایی مانند معلمان و مدیران وجود دارد که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان تأثیر دارند، در صورتی که مدرسه عملکرد نابسامانی در تربیت دینی داشته باشد و یا بی‌توجه به آن، اقدام به تربیت افراد کند، می‌تواند به‌عنوان مانعی جدی برای تربیت دینی قلمداد شود؛ بنابراین بر تمام مسئولان امر تربیت لازم است که شرایط و لوازم تربیت صحیح را فراهم آورند و با دیدی خاص و مناسب، به نقش دین در تربیت توجه داشته باشند.

## ۲،۱- ساختار مدارس

از آنجا که از مدرسه به‌عنوان خانه دوم یاد می‌شود؛ ویژگی‌های خاص این محیط بر تربیت دینی و ساختار شخصیتی فرد تأثیرگذار است. در گذشته که اکثر مدارس در کنار مساجد یا زیارتگاه‌های بزرگ ایجاد شده بودند، حضور در مدرسه، هر آن افراد را به یاد مسائل مذهبی می‌انداخت، اما امروزه ساختار فیزیکی مدارس این‌گونه نیست (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۹). ساختار مدارس در عصر حاضر، شیوه و مدلی کاملاً متفاوت از قدیم دارد و به ساخت‌های غربی و مقابل فرهنگ کشور نزدیک‌تر است، که این خود نوعی مانع از تربیت دینی محسوب می‌شود. نحوه چینش و آرایش کلاس‌ها و راهروها و حیاط و وسایل مورد استفاده در مدرسه، نوعی از اندیشه را به فرد القا می‌کند. اگر این موارد با فرهنگ و تربیت دینی افراد همسو نباشد و یا ضد فرهنگ و تربیت دینی باشد، دانش‌آموزان به سمت گرایش‌های آن فرهنگ خواهند رفت. نوع معمول آرایش کلاس درس، این اندیشه را به دانش‌آموزان القا می‌کند که وظیفه آنان در مقابل معلم، تنها اطاعت بی‌چون و چراست. تأثیر ساختار ظاهری مدرسه به همین محدود نمی‌شود، با این وجود می‌تواند بر تربیت دینی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵) و مانعی بر سر راه آن باشد و افراد را به فرهنگ‌ها و ارزش‌های ضد دین متمایل سازد.

## ۲،۲- معلم و مربی

یکی از شرایط اساسی در امر تربیت، وجود معلمی شایسته است که توان تربیت دانش‌آموزان را داشته باشد. تأثیر ویژگی‌های شخصی و فردی معلم بر دانش‌آموزان، می‌تواند رفتار، نگرش، ارزش یا باور خاصی را در آنان ایجاد و تقویت کند و او را نزد دانش‌آموزان، محبوب یا منفور کند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). نوع صحبت کردن و بیان ارتباط، پوشش، حرکات و برخورد و در مجموع اخلاق فردی و اجتماعی معلم، می‌تواند یک دانش‌آموز را به درجات والای انسانی برساند. اهمیت وجود معلم و نقش آن بر تربیت، تا حدی است که امام خمینی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

معلم امانت‌داری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت اوست. امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است، لیکن یک قالی را که به او امانت داده بودند از بین برده است؛ در جامعه یک چیزی [مشکلی] درست نمی‌شود، یک شخصی ضرری کرده است و این هم باید ضرر او را جبران کند. اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواستہ این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. بنابراین، شغلی در عین حال بسیار شریف است و بسیار بزرگ است، چنانچه مسئولیت انبیا هم بسیار بزرگ بود (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۸).

در بیان حضرت امام علیه السلام، وجود معلم صالح در تربیت دینی، انسان‌سازی می‌کند؛ از این رو اگر متولیان و متصدیان امر تربیت دینی در انتخاب معلم شایسته و صالح بی‌دقتی عمیق داشته باشند و مسیر را برای انسان‌سازی بسته نگه دارند، مانعی عظیم را جلوی امر تربیت دینی قرار داده‌اند که تأثیر مخربی برجای خواهد گذاشت.

روش تدریس معلم در کلاس، در امر تربیت دینی مؤثر است. روش تدریس معلم محور و مبتنی بر کتاب درسی، باعث انسداد روحیه تحقیق و نشاط و عاملی برای دین‌گریزی در آموزش دین خواهد بود (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). در تدریس دین، توجه به این اصل که اعتقادات و اخلاقیات فرد را به همراه خواهد داشت و این مطلب که دانش‌آموزان نباید تنها به حفظ مطالب و گذراندن این واحد درسی بسنده کنند، از ضروریات است. یکی دیگر از اشتباهات در حوزه روش تدریس، رواج شبه‌تربیت به جای تربیت است؛ «در تربیت آنچه مهم است، اقناع استدلالی و روحی

دانش‌آموزان است، اما در شبه‌تربیت، دستگاه تعلیم و تربیت سعی می‌کند به جای استدلال و اقتناع علمی، از عادت دادن دانش‌آموزان و تلقین نمودن مطالب و یا در آخر اگر از دو شیوه فوق حاصل نشد، از شیوه تحمیل استفاده نماید» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲). در این نوع تربیت دانش‌آموزان هیچ‌گونه تحرک و تجربه‌ای از خود ندارند و منفعلانه به مسائل دینی می‌پردازند. در چنین حالتی این امکان وجود دارد که نوع تربیت اتخاذی سبب شود فرد در دوران بعد از تحصیل، آموزه‌های خود را به فراموشی بسپارد و یا در مقابل آنان مقاومت کند. این مسئله از آنجا که برخی متولیان امر تربیت نسبت به آن بی‌توجه و یا بی‌خبرند، مانعی برای تربیت دینی به حساب می‌آید. شیوه تربیتی معلمان نیز، در تربیت دانش‌آموزان سبب گرایش یا عدم گرایش آنان به دین می‌شود. در آموزه‌های دینی، به این مسئله توجه شده است و از آن به عنوان یک اصل مهم یاد شده است. خداوند در قرآن کریم از شیوه‌های متنوع و متعددی برای تربیت افراد با توجه به تفاوت‌های فردی و شخصیتی هرکدام که نوعی از تربیت را می‌پذیرند استفاده کرده است. توجه به این مسئله یکی از بنیادی‌ترین ضوابط و قاعده‌های تربیتی است، اما امروزه عموم شیوه‌های تربیتی در مدارس، به دنیای مادی دانش‌آموزان می‌پردازد (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۴۱) که این سبب غفلت از امور معنوی و دینی و توقف امر تربیت می‌شود.

در دنیای معاصر که تکنولوژی حتی وارد جنبی‌ترین امور زندگی بشر شده است، استفاده از آن توسط معلمان، دانش‌آموزان را در مسائل دینی فعال می‌کند و باعث نوآوری و خلاقیت آنان در این زمینه و علاقه‌مندی بیشتر به امور دینی می‌شود. در این راستا ضروری است به سازگاری مناسب با فرهنگ افراد توجه کرد. تکنولوژی تأثیر فراوانی بر زندگی اجتماعی و فردی دارد و چنانچه انسان، سازمان تجهیزاتی را که در اختیار دارد نشناسد، تصمیم‌های خلاقانه نمی‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۳۶). در محیط مملو از تکنولوژی روز، هنوز مدارس به این مهم مجهز نشده‌اند و یا در صورت تجهیز، با عدم استفاده مناسب از این تجهیزات و توجه نکردن به باورهای دینی و فرهنگ جامعه، مانع از تربیت مناسب در امور دینی می‌شوند.

### ۲،۳- کتاب‌های درسی

آنچه که معلم و شاگرد بر روی آن تمرکز دارند، محتوای کتاب‌های درسی است. معلم طبق

برنامه‌ریزی اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش و محتوایی که به دست ایشان می‌رسد، به تربیت علمی و اخلاقی افراد می‌پردازد. دانش‌آموزان نیز هرآنچه که معلم به آنان آموزش می‌دهد را با باوری بی‌نهایت، قبول می‌کنند. نوع برخورد برنامه‌دینی با دین، تأثیرهایی متفاوت بر تربیت دینی دانش‌آموزان دارد؛ برای مثال، بدون در نظر داشتن آموزش‌های دینی در برنامه‌دینی، این تصور به دانش‌آموزان القا می‌شود که دین و آموزه‌های آن، حتی به اندازه حرفه‌ای مانند نجاری ارزش ندارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴). محتوای آموزشی در مدارس عصر حاضر بیشتر توجه و تأکید بر جنبه‌های علمی و حرفه‌ای دارند و کمتر به دین و اخلاقیات می‌پردازند. حتی کتاب‌های دینی، در تفهیم و باور عقاید و آموزه‌های دینی به دانش‌آموزان ناتوانند. «اکثر کتاب‌های دینی، از ضعف محتوا و ضعف تألیف و ساختار برخوردار هستند و این کتاب‌ها با فناوری جدید آموزشی بیگانه‌اند» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). این مطلب از آن جهت که دانش‌آموزان تأثیر زیادی در موضوع فرهنگ و دین، از مدرسه و محیط آن می‌گیرند، اهمیت به توجه در بازنگری محتوایی را دو چندان می‌کند؛ چراکه دانش‌آموزان نیمی از وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند و والدین نیز در اثر کوتاهی، برخی از وظایف خود را به مدرسه و متولیان آن واگذار می‌کنند.

### ۳. دوستان و همسالان ناشایست

انسان در سنین مختلف (از کودکی تا به هنگام مرگ) در مراحل گوناگون، با گروه دوستان و همسالان خود در ارتباط است و از آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم الگوگیری می‌کند. ارتباط با همسالان، تعاملی بین دو یا چند نفر به قصد رسیدن به هدف مشترک است (لیزینا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۹۲۰۸). انسان همواره به دلیل شرایط مشابه سنی، تحصیلی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و... احساس درک یکسان با دوستان خود دارد. آنان گاه به علت مشکلات مشابه، تا عشق ورزیدن پیش می‌روند و با یکدیگر انس می‌گیرند (سعیدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) و این رابطه دوستانه تا جایی پیش می‌رود که فرد به طور ناآگاهانه و عدم تجزیه و تحلیل مناسب عقلی و عاطفی، صرفاً تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرد و آرا و عقایدشان را می‌پذیرد و گاه در این رابطه زیان‌های جبران‌ناپذیری به دین، اخلاق، اموال و خانواده او وارد می‌شود (بابازاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). بر این اساس، در صورتی که در انتخاب دوست توجه نشود، گروه دوستان و همسالان از طریق الگو دادن، تقویت یا تنبیه



رفتارهای فرد و یا ارزش‌یابی فعالیت‌های فرد، رفتار و نگرش فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) و با تحمیل عقاید و یا همراه کردن فرد در افکار نابه‌جا سبب انحطاط او می‌شوند؛ بنابراین، نقش دوستان و همسالان در تربیت دینی و شکل‌گیری رفتارهای فرد به حدی است که می‌تواند انسان را به سمت کمال پیش ببرد و یا در جهت مخالف کمال به عقب براند.

#### ۴. اجتماع غیردینی

محیط اجتماع، در عصر حاضر که شاهد تهاجم فرهنگی از سوی فرهنگ‌های بیگانه با دین است، یکی از موانع تربیت دینی به‌شمار می‌آید. انسان موجودی اجتماعی است، در جمع و جامعه رشد می‌کند، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و خود نیز بر اجتماع و دگرگونی‌های بشر اثر می‌گذارد (قائم‌امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). شرایط و عوامل انسانی و غیرانسانی در جامعه، سبب بروز رفتارهای متفاوت از انسان می‌شود و تربیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر جامعه دینی و مذهبی باشد، تربیت امری دست‌یافتنی است و در غیر این صورت، شرایط جامعه غیردینی مانعی برای دستیابی به تربیت به‌شمار می‌آید (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۵). افراد در اثر عدم فراگیری و عدم عقیده‌سازی آموزه‌های دینی، در تعارض با دین قرار می‌گیرند. در این رابطه نقش عواملی مانند وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه نیز دخیل است.

#### ۴،۱- وسایل ارتباط جمعی

اگر رسانه‌های گروهی مطابق با فرهنگ دینی و کنترل شده نباشد، زمینه برای تباه شدن جامعه و فساد افراد مهیا می‌شود. رسانه‌ها در جوار نهادهای دیگری که طرز تفکر جامعه را می‌سازند، نقش عمده‌ای در تربیت ایفا می‌کنند. ادعا می‌شود تفکر افراد، ناشی از دنباله‌روی افکار عمومی تبلیغ شده از سوی رسانه‌هاست (اعزاز، ۱۳۷۳، ص ۳۱). انسان در دهکده جهانی، به وسیله رسانه‌ها و مطبوعات، با فرهنگ و آداب و رسوم‌های مختلف آشنا می‌شود و از این طریق با شبهات زیادی روبه‌رو می‌شود. در مورد مطبوعات، رادیو یا تلویزیون، فنون نوین انتشار-تنها به این دلیل که این وسایل توده وسیعی را می‌پوشانند- به پیام‌های فرهنگی نوعی سودمندی می‌بخشد (کازنو، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰) که این سودمندی می‌تواند باعث شود فرهنگ و دین از سوی این رسانه‌ها مورد اختناق

قرار گیرد؛ بنابراین عدم کنترل و نظارت بر رسانه‌های گروهی، سبب ایجاد نوعی گرایش منفی نسبت به دین در افراد جامعه می‌شود و نوعی فرهنگ همسو با فرهنگ ضد دین‌داری را به وجود می‌آورد.

## ۴،۲- فرهنگ و ایدئولوژی

از جمله موانع اجتماعی بر سر راه تربیت، فرهنگ و ایدئولوژی غیردینی و باطل حاکم بر جامعه است. فرهنگ، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم زندگی را دربر می‌گیرد و در صورتی که به صورت غیراسلامی در جامعه رواج یابد، سبب نابهنجاری و انحطاط افراد می‌شود. ایدئولوژی در واقع به مفهوم نوعی اندیشه فلسفی، از نظر لغوی به معنای افکار است که بر اساس افکار، اراده و افعال ما سامان می‌گیرد و در واقع معیاری است برای اهداف و ارزش‌هایی که به موجب آنها زندگی شخصی ما شکل می‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۵). بنابراین آنچه گفته شد، اگر فرد در فضایی باشد که ایدئولوژی آن فضا مناسب با دین نباشد و یا با نوعی فرهنگ متضاد با افکارش روبه‌رو شود، در مواجهه با این تضادها، افکار فرد جهت‌دهی می‌شود و تربیت دینی او را با مشکل مواجه می‌کند.

## ۵. محیط طبیعی

افراد در محیط‌های مختلف جغرافیایی تأثیرهای متفاوتی می‌گیرند و محیط در تربیت آنان دخیل است. محیط طبیعی در پیدایش برخی صفات اخلاقی مانند غفلت از یاد خدا و حالات جسمانی مانند سعادت و مرض، مؤثر است (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰). ابن‌خلدون نیز به تأثیر محیط طبیعی در انسان اشاره می‌کند و می‌گوید:

شادی بی‌اندازه در سیاه‌پوستان، آنان را شیفته رقص کرده است. دانش حکمت، علت این امر را انتشار روح حیوانی، به علت اینکه حرارت، هوا و بخار را متخلخل می‌سازد و بر کمیت آن می‌افزاید بیان می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۷).

بنابراین، محیط طبیعی می‌تواند نقش مثبت یا منفی در تربیت داشته باشد.

## نتیجه‌گیری

افراد، فرهنگ و آداب زندگی را از محیط دریافت می‌کنند. تحقیق حاضر با تمرکز بر رکن محیط، به نقش بازدارندگی آن در تربیت دینی پرداخته است و نشان می‌دهد که خانواده و مدرسه می‌توانند در صورت عدم شایستگی و پایبندی به اصول ارزشی دین و نیز دوستان و اجتماع، در صورت ناکارآمدی و وجود گرایش‌های نامطلوب، در باور افراد نفوذ کرده و مانع تربیت دینی شوند. همچنین محیط طبیعی می‌تواند با پیدایش صفاتی، مانع دریافت یا تثبیت آموزه‌های دینی شود. اصلاح آسیب‌های موجود در محیط، برای رسیدن به مدینه فاضله در اسلام سفارش شده است. این مسئله توسط نظریه پردازان غربی نیز تصریح شده است. توجه به محیط، توجه به ارزش‌های انسانی است. در راستای تربیت دینی و علل و موانع آن، نباید از عوامل دیگر مؤثر در تربیت غافل شد؛ چراکه عوامل دیگری نیز وجود دارد که سبب گرایش به دین و یا عدم گرایش خواهند شد. برای نمونه، بسیاری از بزرگان دین در محیط همسو با دین‌داری رشد نیافته‌اند، اما به سبب تلاش‌های خود و دیگران و عواملی مانند وراثت، به مقامات والا دست یافته‌اند. با این وجود، تلاش این بزرگواران در زمینه اصلاح محیط پیرامون خود، بیانگر این مطلب است که محیط دارای اهمیت خاصی است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه‌ای ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. احمدی، احمد، «مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن»، خلاصه مقالات تربیت دینی کودکان و نوجوانان، بی‌جا: دفتر مشاوره و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، بی‌تا.
۴. اصغری، محمد جواد، «موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن»، راه تربیت (ویژه تربیت قرآنی)، شماره ۱۳، سال ۵، ۱۳۸۹.
۵. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، چاپ اول، بی‌جا: نشر مردنیز، ۱۳۷۳.
۶. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۷. بابازاده، علی اکبر، آیین دوستی در اسلام، چاپ اول، بی‌جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۴.
۸. باقری، مهین، «نقش معلم در تربیت دینی کودکان به ویژه دختران»، حسن محمدی، سطح ۲، جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ۱۳۸۵.
۹. برک، لورای، روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه: یحیی سید محمدی، ج اول، چاپ ۲۱، تهران: ارسباران، ۱۳۹۱.
۱۰. بهشتیان، اکرم، رحیمی محمدی، زهره، آسیب‌شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها)، چاپ اول، قم: ظفر، ۱۳۸۷.
۱۱. خمینی، روح الله، آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی علیه السلام)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۱۲. داوودی، محمد، علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۳. داوودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۴. رشید پور، مجید، آموزش خانواده (آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی)، چاپ سوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۱۵. سعیدیان، فهیمه، «جوانان و تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی، سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۵، ۱۳۸۹.
۱۶. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، چاپ ۱۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۱۷. صادق زاده مقصری، علیرضا، حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، آسیب‌شناسی تربیت دینی، چاپ اول، تهران: تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۸. شریفی، احمدحسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، چاپ یکصد و ده، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۱۹. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ ۹، بی‌جا: انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۲۰. قائمی امیری، علی، خانواده و فضا سازی دینی، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.
۲۱. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، چاپ دهم، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.

۲۲. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان شناختی تبلیغ، چاپ دهم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.
۲۳. کریمی، عبدالوهاب، «پیشگیری از جرم از منظر قرآن»، معرفت ۱۴۸ (ویژه حقوق)، شماره اول، سال ۱۳۸۹، ۱۹.
۲۴. لیزینا، ام. آ.، الگوهای ارتباطی کودک، بزرگسال، هم سالان) ترجمه: محمد جواد مدبرنیا، چاپ اول، تهران: دنیای نو، ۱۳۷۵.
۲۵. مارتین، مایکل، «تربیت اخلاقی و تربیت علمی»، ترجمه: علی کوچکی، راه تربیت (ویژه تربیت نظام مند و نظام نامه تربیتی)، ۱۳۸۶.
۲۶. محمدی، نرگس، «نقش دوستان منحرف در بزهکاری جوانان»، محمد حسن فقیهی، سطح ۲، جامعه الزهرا علیها السلام، قم، ۱۳۷۸، ۷۹.
۲۷. مسکویه، احمد بن محمد، کیمیای سعادت (ترجمه طهارة الأعراق) ترجمه: میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح ابوالقاسم امامی، چاپ اول، تهران: نقطه، ۱۳۷۵.
۲۸. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی (در اسلام و جهان غرب)، چاپ بیست و هشتم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۲۹. \_\_\_\_\_، جامعه و تاریخ (مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی ۵)، چاپ بیست و سوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۳۰. مطیعی طالقانی، سهیر، فرهنگ تربیت جوان (راهکارهای تربیت جوان موفق از دیدگاه اسلام، روانشناسی و جامعه شناسی)، چاپ اول، قم: روضه العباس، ۱۳۹۲.
۳۱. ملکی، علی، «درآمدی بر مبانی تربیت سیاسی»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی-سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۵، ۱۳۸۹.
۳۲. موسوی، سمیه، «راهکارهای مؤثر در تربیت جنسی کودکان»، رمزی، سطح ۲، جامعه الزهرا علیها السلام، قم، ۱۳۸۷.
۳۳. ناصر، ابراهیم، بررسی تطبیقی تربیت دینی، ترجمه: علی حسین زاده، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۳۴. نعمت اللهی، آزاده، «علل اجتماعی انحراف جوانان و پیشگیری و درمان آن»، محمد فاکر میبیدی، سطح ۲، جامعه الزهرا علیها السلام، قم، ۷۹.
۳۵. هاشمی محبوب، مصطفی، مثلث را جدی بگیرید!، چاپ دوم، مشهد: ملک اعظم، ۱۳۹۰.



# راهکارهای تربیت جنسی کودکان

فاطمه بهرامی<sup>۱</sup>

## چکیده

تربیت، در ساختار شخصیت و روند رشد انسان، به ویژه در دوران کودکی، تأثیر ماندگار و غیرقابل جبرانی دارد. یکی از مهم ترین ابعاد تربیت، تربیت جنسی است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی راهکارهای تربیت جنسی کودکان نگاشته شده و در این خصوص، از روش توصیفی-تحلیلی برای ارائه مطالب استفاده شده است. در این مقاله، ابتدا به بحث ضرورت تربیت جنسی پرداخته شده و در ادامه، به برخی از راهکارها اشاره شده است. راهکارهای مطرح شده، جنبه عملی و کاربردی دارد و به والدین کمک می کند که کودک را به طور مستقیم تحت تربیت قرار دهند.

امید است والدین با مطالعه این تحقیق، در پایان بتوانند مهارت های لازم را برای تربیت صحیح جنسی کودک بیاموزند و این گونه کودک خویش را با تربیتی سالم، به دوره حساس و مهم بلوغ برسانند.

**واژگان کلیدی:** تربیت، جنسی، تربیت جنسی، کودک.

۱. دانش آموخته سطح دو جامعه الزهراء (ع)، گرایش تعلیم و تربیت اسلامی.

## مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم والدین در جامعه امروز، تربیت فرزند است. در این میان، تربیت جنسی که یکی از ساحت‌های مهم تربیت است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در تربیت جنسی اسلامی، فرایند آمیزش، آموزش داده نمی‌شود، بلکه زمینه‌هایی ایجاد می‌شود که موجب هدایت صحیح غریزه جنسی کودک شود و بهداشت و سلامت جسمی و روانی او را در بزرگسالی فراهم کند. اگرچه بشر در تمام دوران زندگی تربیت پذیر است، اما در کودکی آمادگی بیشتری برای پذیرش مسائل تربیتی دارد. جسم و جان کودک، برای پذیرش هر نوع تربیتی مهیاست و آنچه را در کودکی می‌آموزد، در اعماق جاننش نفوذ می‌کند و تا پایان عمر می‌تواند به آسانی آن را به کار گیرد. تربیت جنسی نیز اگر به شکل صحیح به کودک آموزش داده شود، می‌تواند سلامت دوره‌های دیگر زندگی را تأمین کند.

تاکنون کتاب‌های زیادی با موضوع تربیت کودک نگاشته شده که در بعضی از آنها، فصلی به اختصار به مبحث تربیت جنسی می‌پردازد. البته آثار محدودی نیز وجود دارد که به صورت اختصاصی در حوزه تربیت جنسی تألیف شده است. از جمله این آثار، می‌توان به کتاب تربیت جنسی اثر علی نقی فقیهی اشاره کرد. کتاب تربیت جنسی، کتابی آموزشی و کاربردی است که با تحقیق در آیات و روایات؛ اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی را استخراج و تبیین کرده است. در این اثر، معیارهای رفتارهای بهنجار جنسی و تمایز آن از رفتارهای نابهنجار مطرح شده و نمونه‌هایی از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب با بیانی ساده و مملو از نظریات مختلف جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه و نیز رجوع به آیات و احادیث، هم‌گنجینه خوبی برای محققان است و هم مجموعه مناسبی را برای رجوع افراد در شرف ازدواج، تربیت فرزند و... فراهم آورده است.

### ۱. مفهوم شناسی

«تربیت» در لغت، به معنای رشد و رویش (رک: مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۴، ماده «رَبَّوْ»، ص ۳۵۲۷) و در اصطلاح، به معنای «فراهم نمودن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا کردن استعداد های شخصی انسان، در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و براساس برنامه‌های منسجم است» (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۴۲).



تربیت جنسی: تعاریف متعددی از تربیت جنسی ارائه شده است که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

عده‌ای معتقدند تربیت جنسی عبارت است از انتقال اطلاعات و مسائل جنسی؛ از این جهت والدین و مربیان باید از یک رشته معلومات، آگاهی داشته باشند و آنچه را در این باره می‌دانند، به کودک منتقل نمایند. انسانی که مورد تربیت جنسی قرار می‌گیرد نیز کسی است که دانستنی‌های مورد نیاز در مسائل جنسی را می‌داند.

برخی دیگر، تربیت جنسی را صرفاً به معنای آموزش جنسی نمی‌دانند، بلکه تربیت جنسی را فراهم آوردن زمینه رشد گزینه جنسی می‌دانند؛ به گونه‌ای که ضمن استفاده لازم از این گزینه، از انحرافات و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود.

«به نظر می‌رسد تعریف دوم کامل‌تر از تعریف اول باشد؛ چراکه اگر کودک را با مجموعه‌ای از اطلاعات در زمینه‌ای خاص رها کنیم، به رشد و کمال او کمکی نشده است و چه بسا همین اطلاعات جنسی، موجب رشد زودرس گزینه جنسی و در نتیجه انحراف او شود» (ثابت، ۱۳۷۹، ص ۵۹۵).

توجه به این نکته، ضروری است که منظور از کودک در این پژوهش، فردی است که در بازه زمانی تولد تا هفت سالگی قرار می‌گیرد.

## ۲. ضرورت مبحث تربیت جنسی

یکی از حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین مراحل زندگی، دوران کودکی است. در این دوره، پایه‌های اساسی ساختمان شخصیت انسان، شکل می‌گیرد و در نوجوانی تثبیت می‌شود؛ از این رو، لازم است متولیان امر تربیت، به ویژه والدین، به این مسئله مهم توجه داشته باشند و برای تربیت فرزند خود، از کودکی سرمایه‌گذاری کنند و اطلاعات کافی داشته باشند تا با تربیت ناصحیح، فرزندشان دچار لغزش و انحراف نشود (رک: مصلحی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱۳).

صاحب نظران عرصه تربیت، شروع حیات جنسی فرد را از زمان تولد می‌دانند. نیاز جنسی، همچون نیاز به آب و خوراک، امری طبیعی است که از آغاز زندگی، همواره همراه با انسان است. اما امروزه این مهم، مورد غفلت واقع شده و برخی از کج‌اندیشان، طرح این مبحث را دور از ادب و اخلاق می‌دانند. آنان معتقدند که درست نیست پدر و مادر، اطلاعات جنسی را در اختیار کودکان

قرار دهند. این دیدگاه اشتباه، از آنجا نشأت می‌گیرد که اکثر افراد جامعه ما، وقتی با واژه «تربیت جنسی» مواجه می‌شوند، اولین معنایی که به ذهنشان خطور می‌کند، آموزش جنسی است؛ در حالی که آموزش جنسی، تنها زیرمجموعه‌ای از مسئله تربیت جنسی است.

در واقع تربیت جنسی، مانند تربیت عقلانی، سیاسی، اجتماعی و... یکی از انواع تربیت است و آگاهی‌ها و آموزش‌هایی را دربر می‌گیرد که هریک از ما باید آنها را از ابتدای حیاتمان، در جهت رشد متناسب و متعادل غریزه جنسی فراگیریم. بی‌توجهی به این آموزش‌ها، پیامدهای ناخوشایندی در بزرگسالی بر جای خواهد گذاشت که از آن جمله می‌توان به اختلالات جنسی (همچون استمناء)، زندگی مشترک ناموفق و حتی گرایش به بزه، اشاره کرد. اما با این حال، همچنان این مقوله در هر خانواده‌ای، جزء مرزهای ممنوع گفتگو به حساب می‌آید (همان، ص ۷).

اگر پدر و مادر، پاسخ صحیحی به سؤالات فرزندشان در حوزه مسائل جنسی ندهند، ممکن است دیگران به او پاسخ اشتباه بدهند. وقتی والدین خود را به غفلت بزنند و نسبت به این بُعد تربیتی بی‌اعتنا باشند، نتیجه این اشتباه خود را در بزرگسالی فرزندانشان مشاهده خواهند کرد. زمانی که به هویت جنسی کودک پرداخته نشود، حاصلش دختری می‌شود مردستیز، که در سن جوانی، زیر بار ازدواج نمی‌رود و پسری که از پذیرفتن مسئولیت زندگی سر باز می‌زند. هنگامی که والدین در برابر سؤال‌های جنسی فرزندشان به‌گونه‌ای رفتار کنند که او را از پرسیدن چنین سؤال‌های شرمگین سازند، وی در نهایت برای یافتن پاسخ سؤالاتش، متوسل به فضای مجازی، فیلم‌های مستهجن و... می‌شود و این یعنی قدم گذاشتن در راهی که هیچ پایانی جز فرو رفتن در منجلاب فساد و گناه ندارد.

### ۳. راهکارهای تربیت جنسی

از آنجا که تربیت جنسی از سخت‌ترین و حساس‌ترین جنبه‌های تربیتی است، لازم است با ظرافتی ویژه، در مقاطع سنی مختلف، پیگیری شود. تاکنون دسته‌بندی‌های فراوان و گوناگونی برای بررسی مبحث تربیت جنسی ارائه شده است که در این میان می‌توان به شیوه‌های تربیت جنسی پیش از ازدواج و پس از آن، شیوه‌های علمی و عملی تربیت جنسی و... اشاره کرد.

«یکی از دسته‌بندی‌های صورت گرفته، تقسیم راهکارهای تربیت جنسی به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم است. راهکارهای مستقیم، شامل مسائل و اموری است که مستقیماً به نقش جنسیتی

دختر و پسر و وظایف، تمایلات و رفتارهای جنسی آنان مربوط می‌شود؛ مانند: هویت‌پذیری جنسی، الگویابی جنسیتی، پرهیز از تحریکات جنسی و اموری مانند آن. اما تربیت جنسی غیرمستقیم، شامل جنبه‌هایی است که به نحوی بر رفتارهای جنسی دختر و پسر تأثیر می‌گذارد؛ مانند: محبت به کودک، ارضای نیازهای روانی، پرورش فضایل اخلاقی، رشد باورهای دینی و مذهبی و اموری مانند آن. مسائل مربوط به تربیت جنسی غیرمستقیم، اگرچه جنبه‌عام تربیتی دارند و مستقیماً با تربیت جنسی مرتبط نیستند، اما از آنجا که رشد طبیعی جنسی در دختر و پسر را تسهیل می‌نماید و آنان را از انحرافات و اختلالات جنسی مصون می‌دارد، به طور غیرمستقیم، با تربیت جنسی مرتبط‌اند» (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴-۱۰۳).

با این حال، این تحقیق در پی ارائه راهکارهایی عملی و مستقیم در زمینه تربیت جنسی صحیح کودکان است و به اصول و روش‌های غیرمستقیم نمی‌پردازد. آنچه در اینجا گفته شده، راهکارهایی مستقیم برای تربیت جنسی در سنین کودکی است که در آن بیشتر، شناخت و کنترل دیگران مطرح است؛ به این معنا که مخاطب این نگارش، والدین هستند و مواردی را تبیین می‌کند که آنان باید انجام دهند. براساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین راهکارهای تربیت جنسی کودکان عبارتند از: «پرورش هویت جنسی»، «پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی»، «کنترل بازی‌های جنسی کودک» و «پاسخ به سؤالات جنسی کودک».

### ۳-۱ پرورش هویت جنسی

منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هریک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت، در دو جنس پدیدار می‌شود. در طول تاریخ، همواره بر سر لزوم یا عدم لزوم اعمال شیوه‌های تربیتی متفاوت برای دو جنس مذکر و مؤنث، اختلاف نظر وجود داشته است.

«برای مثال، افلاطون به روشنی طرفدار آموزش و تربیت یکسان دختران و پسران است. وی ضمن بیان یک مثال و تشبیه انسان به حیوان، می‌گوید: باید همان وظایفی را که برای مردان در نظر داریم، از زنان نیز انتظار داشته باشیم؛ بدین سان تربیت یکسان روحی و بدنی زن و مرد، لازم است» (لطفی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۹۷۴).

پس از افلاطون، شاگرد وی ارسطو به مخالفت با استاد خویش برخاست. از نگاه ارسطو، زنان صفاتی خاص و مردان نیز صفاتی ویژه دارند که طبیعت به آنان ارزانی داشته است. فضایل اخلاقی زن و مرد، در مواردی از یکدیگر متمایز است. برخی ویژگی‌ها برای مرد فضیلت اخلاقی است، اما برای زن چنین نیست. نتیجه دیدگاه ارسطو، پذیرش تفاوت در نقش‌ها و در پی آن، تفاوت در نظام آموزشی و تربیتی است (رک: مولر آکین، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹۱-۱۳۹۰).

«در قرون وسطی، بعد از افلاطون و ارسطو، اندیشمندان مسیحی متأثر از نگرشی که به شخصیت زن داشتند، نگاهی خوش بینانه به آموزش آنان نداشتند و زنان را در مناصب علمی کلیسا نمی پذیرفتند» (هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). البته پرواضح است که قائل شدن به تشابه کامل زن و مرد در حوزه هویت جنسی نیز مطلوب نیست و به معنای نادیده گرفتن نقش‌های جنسیتی‌ای است که نظام آفرینش بر عهده هریک از زن و مرد نهاده است (رک: احمدی، ۱۳۹۲، ص ۴). می‌دانیم که اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان، به تساوی زن و مرد در گوهر و ذات و تفاوت آن دو در روحيات، عواطف و وظایف، تأکید دارد و به همین جهت، حقوق متفاوتی نیز برای آنان لحاظ می‌کند و برای آموزش تربیت جنسی به هریک از زن و مرد به شیوه‌ای مطلوب، توجه دارد (رک: بنیان، ۱۳۸۹، ص ۱).

برای یادگیری نقش جنسیتی و تحقق یافتن هویت مطلوب جنسی، تربیت خانواده نقش مهمی دارد و لازم است که والدین، به عوامل و زمینه‌های مؤثر در ایجاد این نقش و هویت توجه کنند و در پدید آوردن آنها تلاش مناسب داشته باشند.

اگر والدین در مرحله کودکی نتوانند در یافتن هویت جنسی به کودک کمک کنند و برعکس در این راه خللی ایجاد کنند، چنین دختر و پسری، در آینده در ایفای نقش زن یا مرد بودن، مشکل پیدا خواهند کرد و در نتیجه زندگی زناشویی و خانوادگی‌شان مختل خواهد شد. چنین فردی، هنگامی که صاحب فرزندی شود، با چند مشکل مواجه خواهد شد: مشکل هویت جنسی (که از کودکی با او بوده)، مشکل تشبه به جنس مخالف (که یکی از ناهنجاری‌های جنسی است و از سوی دین نهی شده است) و مشکل خانوادگی (که با همسر خود خواهد داشت) و این دور معیوب، همچنان ادامه پیدا می‌کند. از این رو ضرورت دارد که والدین، نسبت به جنسیت فرزندان نگرشی درست داشته باشند و در جهت پرورش صحیح هویت جنسی آنان، تلاش کنند (همان، ص ۱۰۵-۱۰۶).

در ادامه به تبیین این مهم خواهیم پرداخت:

### ۳-۱-۲ گام اول: دوری از رفتارهای تبعیض آمیز

رفتار والدین نباید گویای میل و علاقه شان به سمت جنسیتی خاص از فرزندان خود (پسر یا دختر) باشد. دختر متولد شده در خانواده‌ای که آرزوی پسر داشته، نقش جنسیتی خود را به سختی می‌پذیرد و بیشتر سعی می‌کند خود را مثل پسران جلوه دهد. همچنین پسر خانواده‌ای که از خواهر خود بیشتر تنبیه شده باشد، سعی می‌کند خود را در نقش دختر ظاهر کند. وقتی کودکی نقش جنسیتی خود را پس می‌زند، والدین نباید به این رفتار دامن بزنند، تشویقش کنند و یا مثلاً در جمع، از این گرایش حرفی بزنند (رک: مصلحی، ۱۳۹۴، ص ۴۱۴۳).

### ۳-۱-۳ گام دوم: آموزش نقش جنسیتی به فرزند

سن دو سالگی، آغاز اختلافات جنسیتی است و سه سالگی زمانی است که کودک هویت جنسی خود را به عنوان یک دختر یا پسر می‌شناسد. در این زمان، پسر از رفتارهای پدر یا برادر تقلید می‌کند و دختر از مادر یا خواهر. در بیرون از خانه هم سعی دارند با هم جنسان خود بازی کنند. حتی وقتی به آنان بگویند مانند جنس مخالف رفتار می‌کند، عکس‌العمل نشان می‌دهد و ناراحت می‌شود. باید دختران برای نقش زنانه تربیت شوند و پسران برای مردانگی، مواردی مثل: شجاعت، غیرت، احساس مسئولیت و... را فرا بگیرند. از آنجا که بلوغ دختران زودتر از پسران است، دختران باید زودتر آموزش داده شوند (همان، ص ۴۱).

«دختر و پسر باید بدانند که جامعه، از هر یک از آنان چه انتظاری دارد و هر کدام از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و... چه نقشی را ایفا کنند و از انجام نقش‌های جنس دیگر، خودداری نمایند» (فقیهی، همان، ص ۱۰۶)؛ اما امروزه دخترانی هستند که بیشتر تمایل دارند به شیوه پسران لباس بپوشند و یا حتی صحبت کنند. آنان سعی می‌کنند خود را بسیار محکم و خالی از احساسات زنانه نشان دهند. از آن سو، پسرانی هستند که بیش از اندازه مهربان و احساساتی‌اند، شبیه دختران صحبت می‌کنند و در شیوه پوشش نیز آثاری از مردانگی در آنان دیده نمی‌شود. این ناهنجاری‌ها، حکایت از غفلت جامعه نسبت به نقش‌ها و تفاوت‌های جنسیتی دختر و پسر دارد.

«گاه دختران در سنین پایین، به پسر بودن گرایش دارند و رفتارهای پسرانه از خود نشان می‌دهند؛ به پوشیدن لباس پسرانه اصرار می‌ورزند و یا میل شدیدی به بازی با اسباب‌بازی‌های

مخصوص پسران دارند. علت این رفتار می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱. کمبود حضور مادر در خانه، موجب شده او زندگی زنانه را چندان تجربه نکرده باشد؛
۲. طلاق مادر و یا زایمان‌های پی‌درپی او، دختر را نسبت به جنسیت خود، نگران کرده است؛
۳. توجه بیش از حد خانواده به پسرشان؛
۴. نبودن فرزند پسر در خانواده؛
۵. داشتن هم‌بازی پسر» (معتمدی، ۱۳۷۶، ص ۴۳).

«حال اگر پدر و مادری با چنین رفتاری از فرزندشان مواجه شدند، چه باید بکنند؟ در چنین مواردی، والدین آگاه و دلسوز، باید توجه داشته باشند که با کودکانشان به آرامی برخورد کنند و با عصبانیت و تندی از خود عکس‌العمل نشان ندهند. حتی برعکس، باید تا حدی به خواست آنان توجه کنند و از سوی دیگر، با تهیه لباس زیبا و دوست‌داشتنی و یا خرید اسباب‌بازی جدید و دلخواهشان، آنان را از خواسته‌های نابه‌جایشان باز دارند و به مسیر صحیح هدایت کنند. در پسرها هم ممکن است چنین رفتاری پیش بیاید که باز هم باید به همان لطافت رفتار کرد. یک راه مؤثر، این است که دختری یا پسری را که چنین رفتاری دارد، در بازی هم جنسان خود شرکت دهیم. اگر متوجه شدید فرزندان رفتاری این چنین دارد، فوراً علت را جستجو کنید. اگر او را به همین حال رها کنید، وقتی به بلوغ می‌رسد اشکالاتی در رفتار با جنس مخالف برایش پیش می‌آید» (اسلامی نسب، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت نقش‌دهی جنسی به کودکان، باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

- «اعتدال در محبت به فرزندان و پرهیز از محبت بیش از اندازه والد غیر همجنس، به کودک؛
- پرهیز از تبعیض و تفاوت رفتاری میان دختر و پسر در خانواده؛
- هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او؛
- ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان، بر پایه جنسیت آنان؛
- پرهیز از تحمیل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر؛
- توجه به رفتارها، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌های کودکان و ایجاد نگرش درست به جنس خود و جنس مخالف، از دوران کودکی؛

- واگذاری مسئولیت‌های متناسب با جنسیت کودکان، در خانه و بیرون از خانه؛
- اظهار رضایت مندی والدین از جنسیت خودشان در برابر فرزندان؛
- بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس (از نظر روانی، عاطفی، جسمی، فیزیولوژیکی و...) و لزوم وجود این تفاوت‌ها برای ادامه حیات و در نتیجه ضرورت احترام گذاشتن به این تفاوت‌ها» (مصلحی، همان، ص ۴۴).

### ۲-۳ پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی

ممکن است بعضی تصور کنند که کودک تا قبل از بلوغ، نسبت به محرکات جنسی بی تفاوت بوده، نیازی به محافظه‌کاری در برابر او نیست. این عقیده بسیار نادرست است؛ باید دانست که غریزه جنسی، از آغاز تولد در انسان وجود دارد و اگر به آن توجهی نشود، زمینه‌ای سوء برای فرد در آینده به ویژه زمان بلوغ ایجاد می‌کند. در این قسمت، چهار مسئله کاربردی را بررسی می‌کنیم که موجب پیشگیری از تحریک جنسی کودک می‌شود.

#### ۱-۲-۳ گام اول: کنترل روابط زناشویی در برابر کودک

«والدینی که روابط خصوصی‌شان را از دیدگان کودکان تیزبین و جستجوگر خود مخفی نمی‌کنند و بی پروا به معاشقه و هم‌آغوشی می‌پردازند، معتقدند که در سنین کودکی، بچه‌ها از این دسته امور سر در نمی‌آورند، پس دلیلی بر محتاطانه عمل کردن نیست. اما در حقیقت، این قبیل از تعاملات زناشویی در برابر کودکان، موجب ایجاد دو مسئله مهم در وجود کودک می‌شود: ۱. بلوغ جنسی زودرس؛ ۲. تمایلات جنسی فوق‌العاده» (مصلحی، ۱۳۹۴، ص ۵۰) که اینها می‌تواند او را دچار اختلالات روانی و پریشانی کند.

«وقتی کودک ناظر بر حرکات جنسی پدر و مادر می‌شود، تا مدت‌ها آن صحنه‌ها در ذهنش می‌ماند و ممکن است برای تجربه، با دوست و هم‌بازی هم‌سن خود، از آن رفتارها تقلید کند. کودکانی که از هوش بالاتری برخوردارند، زودتر به این موارد اطلاع پیدا می‌کنند و چون عقلی‌تر می‌اندیشند، کمتر از آن جریانات می‌پرسند و یا شاید شرم و ترسشان مانع پرسش شود» (سلیمی گندمی، بی تا، ص ۳۲۳)؛ یعنی ممکن است عملکرد اشتباه والدین تأثیر خود را بر روی کودک گذاشته باشد، اما چون او در ظاهر عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد، پدر و مادر تصور کنند که فرزندشان

به آن رفتارها بی توجه است. روایات بسیاری نیز این عمل را نهی کرده‌اند؛ از جمله سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر مردی با زنش هم‌آغوش شود و در خانه کودکی بیدار باشد و آنان را ببیند و صدا و نفسشان را بشنود، هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود؛ اگر پسر باشد یا دختر، زناکار می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۹: ۵۰۰). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

در برابر دیدگان کودکان، با زنان خود نزدیکی نکنید که این کار موجب زناکاری می‌شود (همان).

«تأثیر دیدن روابط از سوی کودک، فقط روابط والدین نیست؛ بلکه از هر راهی، مثل ماهواره، اینترنت و سایر ابزارهای سمعی و بصری ممکن است. اگر کودک به این مسائل پی ببرد، خطر و اثر مخرب وجود دارد» (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰).

در سفارشی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به ما رسیده، حضرت می‌فرماید: «از کلاغ درس بیاموزید و مخفیانه مشغول به آمیزش شوید».<sup>۱</sup> ایشان با این کلام تمثیل‌گونه به اهمیت مخفیانه بودن نزدیکی‌های جنسی اشاره دارند.

«معمولاً کودکان از تولد تا زمانی که به سن سه سالگی برسند، بسیار به مادر وابسته‌اند. اغلب در نیمه‌های شب از خواب برمی‌خیزند و به رسیدگی مادر نیاز دارند. در این بازه سنی، اگر محل خواب والدین و کودک در یک جا باشد، در صورت رعایت والدین، اشکالی ندارد؛ اما از سه سالگی می‌بایست بستر خواب کودکان از والدین جدا شود» (فقیهی، همان، ص ۱۰۸). «والدین باید از این زمان، سعی کنند به فرزندشان بیاموزند که برای ورود به اتاق پدر و مادر اجازه بگیرد» (مصلحی، همان، ص ۵۱).

دستور خدا در قرآن این است که کودک باید برای ورود به اتاق پدر و مادر، سه وقت از شبانه روز را اجازه بگیرد:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگانتان و کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز صبح؛ در نیم روز، هنگامی که لباس

۱. «از کلاغ سه خصلت بیاموزید: مخفیانه آمیزش کردن، صبح‌گاهان به طلب روزی رفتن و محتاط بودن» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۵).



خود بیرون می‌آورد؛ و بعد از نماز عشا. این سه هنگام، زمان خلوت کردن برای شماسست. پس از آن، نه بر شما اشکالی وارد است، نه بر آنان که بر شما وارد شوند و آمد و شد کنند. هنگامی که کودکان شما بالغ شدند، باید همانند پیش اجازه بگیرند. خداوند این‌گونه آیات خود را برای شما آشکار بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است (سوره نور: ۵۹ و ۵۸).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در کتاب تفسیر المیزان، در ذیل این آیات می‌فرماید:

این سه موقع، سه عورت است برای شما که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع شود (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۲۲۷).

منظور از این آیات، آن است که کودک برای ورود به حریم والدین باید اجازه بگیرد؛ به خصوص در این سه زمان. البته این به معنای لازم نبودن اجازه گرفتن در زمان‌های دیگر نیست.

نکته‌ای دیگر که خوب است رعایت شود، مسئله انتخاب یک اتاق مناسب به عنوان اتاق خواب والدین است. بهتر است پدر و مادر اتاق خلوتی انتخاب کنند که به اتاق فرزند هم نزدیک نباشد. البته امروزه متأسفانه معماری خانه‌ها به نحوی است که اصل در نظر گرفتن چنین اتاقی برای والدین، در آنها رعایت نشده است. اغلب دیوار اتاق‌ها در کنار هم قرار دارد و معمولاً فاقد عایق‌های صوتی هستند. این‌گونه است که پدر و مادرها مجبورند همیشه مهرورزی‌های طبیعی خود را خفه کنند (رک: امینی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۳)؛ لذا جا دارد متولیان ساختمان‌سازی به این نکته توجه داشته باشند.

### ۲-۲-۳ گام دوم: جدا سازی بستر خواب کودکان

«با هم خوابیدن کودکان و تماس بدنی آنان با یکدیگر می‌تواند یکی از علت‌های تحریک جنسی باشد. گاه تنها گذاشتن و با هم خوابیدن کودکان می‌تواند سبب انحراف جنسی آنان شود. بنابراین والدین باید با ایجاد محیط مساعد، زمینه‌های تربیت مناسب را فراهم آورند و از کودکی به جدا سازی بستر خواب کودکان اقدام کنند» (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵-۱۳۶). در روایات متعدد، به سنین بین شش تا ده سال اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

در ده سالگی، بستر خواب کودکان پسر و پسر، دختر و دختر و دختر و پسر را از یکدیگر جدا سازید (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۸).

همچنین در جایی دیگر فرمودند:

موقعی که فرزندان شما هفت ساله شدند، بستر خوابشان را از یکدیگر جدا نمایید

(ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۶).

### ۳-۲-۳ گام سوم: پوشش مناسب در حضور کودک

رعایت پوشش مناسب براساس الگوهای اخلاقی و اسلامی در خانواده، بسیار مهم و با ارزش است و ثبات، آرامش و امنیت در خانواده را به ارمغان می آورد (رک: امین زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۵). هنگامی که زن و مرد هنوز وارد نقش پدری و مادری نشده اند، هیچ محدودیت خاصی در پوشش داخل منزل و در زمانی که تنها هستند ندارند؛ اما وقتی آن دو صاحب فرزندی می شوند، دیگر تنها نیستند. اکنون رسالتی مهم بر عهده شان است که همان تربیت صحیح فرزندشان است. بعضی از والدین برهنگی را با تمدن اشتباه می گیرند؛ آنان فکر می کنند هرچه برهنه تر باشند متمدن ترند و این گونه، حساسیت جنسی کودکان کم می شود و به اصطلاح چشم بچه ها از دیدن این صحنه ها پر خواهد شد (همان، ص ۶۴). «بانوانی که در منزل پوشش مناسب ندارند و به صورت عریان یا نیمه عریان در برابر فرزندان شان ظاهر می شوند، می گویند: مادر به فرزندش محرم است؛ پس نیازی به پوشش نیست. اما باید بدانیم که صرف محرمت برای جلوگیری از انحراف فکر و تحریک غریزه در یک شخص، کافی نیست. چه بسا عدم رعایت پوشش در نزد محارم، باعث تحریک جنسی او شده، مشکلاتی را برایش به وجود آورد» (چراغ چشم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).

«معمولاً بچه های پنج تا هفت ساله، با مشاهده بدن عریان یا نیمه عریان والدین، کنجکاو می شوند که کشف کنند بدنشان چه ویژگی هایی دارد؟! (امین زاده، همان، ص ۶۴). وقتی پدر و مادر با پوشش نامناسب در جمع خانواده ظاهر می شوند، به مرور تفاوت های بدنی میان دو جنس (پدر و دختر، مادر و پسر) را برای فرزندشان برجسته می کنند. وقتی پسر بچه در سنین کم با مفهوم زن، به عنوان جنس مخالف آشنا شود و دختر بچه با مفهوم مرد، این رویداد، آغازی برای مشکلات اخلاقی او در آینده خواهد شد.

در مورد پوشش کودک نیز رعایت چند مسئله، بسیار مهم است و آن، این است که نباید کودک را با لباس های نامناسب و چسبان، از خانه بیرون آورد. در خانه هم اگر نیمه عریان است، اندام های خصوصی بدن باید پوشیده باشد. کودکان باید بیاموزند نحوه پوشش در منزل با بیرون

از منزل متفاوت است. این موضوع در مورد دختران، از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه آنان در نُه سالگی به سن تکلیف می‌رسند و لازم است زودتر از پسران به حدود پوشش آگاه شوند. هنگام تعویض پوشک، سعی شود مادر و کودک تنها باشند؛ این‌گونه به مرور می‌آموزد که عورتش جزء اندام‌های ویژه بدن اوست که نباید کسی آن را ببیند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به نقل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

والدین حق ندارند به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزندان نیز حق ندارند به عورت والدین نگاه کنند.

همچنین فرمودند:

پیامبر اکرم فردی را که به عورت کسی نگاه کند، لعنت کرد (ابن بابویه قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵).

### ۳-۲-۴ گام چهارم: پرهیز از نوازش‌ها و لمس‌های نادرست

شکی نیست که کودک نیاز به محبت دارد و این محبت بایستی به وسیله پدر و به خصوص مادر تأمین شود. اما باید توجه کرد که گاه نوازش نادرست کودک، اسباب گمراهی و فساد اخلاقی او را فراهم می‌آورد. نباید نوازش کودک از حد متعارف خود خارج شود و هرگز اعضای جنسی و آلت تناسلی کودک، مورد لمس و نوازش قرار نگیرد؛ چراکه «از نظر شرع، لمس عورت افراد ممیز، بدون ضرورت، حرام است و در این زمینه تفاوتی میان والدین و دیگر افراد نیست» (خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۷۶) و بر اثر این عمل، گرچه ممکن است کودک احساس لذت کند، اما به تدریج یاد می‌گیرد در خلوت و تنهایی و دور از چشم والدین نیز، این عمل را خود انجام دهد و چه بسا همین تکرار، کم‌کم او را گرفتار استمنا کند.

امام صادق از قول امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

تماس گرفتن و لمس بدن مادر با دخترش سه ساله اش، خود شاخه‌ای (و زمینه‌ای) از زناست (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۶).

### ۳-۳ کنترل بازی‌های جنسی کودک

همیشه پیشگیری بهتر از درمان است؛ پیشگیری از انجام بازی‌های جنسی نیز بهتر از درمان

این مشکل است. وقتی کودک بزرگ تر می شود و از نوباوگی فراتر می رود، جستجوگرتر شده، سعی دارد ناشناخته هایش را کشف کند؛ در این میان، می خواهد اندام و بدن خود را بشناسد و با خصوصیاتش آگاه شود. این کنجکاوی ممکن است به سمت شناخت اندام جنسی نیز برود. اگر در حال بازی با آلت جنسی اش دیده شد، اثر همان جستجوگری اش است. این امر طبیعی نیست؛ باید به درستی و بدون خشونت، از این کار جلوگیری شود. مثلاً والدین به او بگویند این کار، کار اشتباهی است و برای تو خوب نیست.

زمانی که کودک آلت جنسی خود را شناخت، کنجکاو می شود بداند بقیه بچه ها هم این گونه اند یا نه؟! به همین علت ممکن است با بقیه دوستان هم سنش دکنتر بازی کند تا از این راه، اندام او را نیز ببیند و با خود مقایسه کند. اگر کودک مشغول به این کار دیده شد، والدین باید او را به بازی دیگری دعوت کرده، از آن شرایط بیرون بکشانند. اگر پافشاری کرد و به آن عمل ادامه داد، باید به او تذکر داده شود. البته والدین می بایست آرامش خود را حفظ کنند و بر سرش داد نکنند. بهتر است با آرامشی همراه با صلابت، به او گفته شود این کار اشتباه است؛ تو اجازه نداری لباس کسی را بیرون بیاوری. اگر این قبیل بازی ها در کودک زیاد بود، باید به یک متخصص رجوع کرد؛ چراکه مشکل کمی حادث شده است. کودکانی که زیاد به این فعل می پردازند، معمولاً شاهد تعاملات زناشویی پدر و مادر بوده اند (رک: مصلحی، همان، ص ۵۴).

### ۳-۴ پاسخ به سؤالات جنسی کودک

معمولاً کودکان از چهار سالگی به بعد، شروع به پرسیدن سؤالات جنسی می کنند. بهترین زمان برای ارائه اطلاعات جنسی به فرزند، زمانی است که او سؤالاتش را می پرسد (رک: همان، ص ۴۶). «در پاسخ به پرسش های جنسی کودکان، نباید وسوسه شد و همه مطالب را یکجا به فرزند آموزش داد. بهتر است متناسب به پرسشی که کودک می پرسد و سطح فهم و میزان سن او، در زمان ها و موقعیت های مختلف، پاسخ هایی کوتاه. در حد یک یا دو جمله. به وی بدهند و از توضیحات اضافه و گزافه گویی بپرهیزند. این درست نیست که یکباره حجم عظیمی از دانسته های جنسی را به کودک القا کنیم؛ این کار نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ممکن است سبب گیجی و سردرگمی کودک شود» (امین زاده، همان، ص ۵۰).

«اگر والدین به این پرسش‌ها پاسخ مناسب ندهند یا دروغ بگویند، کودکان دچار سردرگمی می‌شوند؛ ذهن آنان حساس‌تر می‌شود و فکر می‌کنند در این موضوع، رازی نهفته است که والدین از آنان مخفی می‌کنند. بدین ترتیب، وقت و انرژی زیادی در این راه تلف می‌کند و میل و عطش آنان برای رسیدن به پاسخ تشدید می‌شود؛ می‌خواهند به هر شکل ممکن، رمزگشایی کنند و سر از این راز دربیاورند. حتی ممکن است این کنجکاوی سال‌ها و تا زمان بلوغ ادامه یابد» (همان، ص ۵۶). از جمله نکاتی که باید والدین در پاسخ‌گویی به سؤالات جنسی کودکان مد نظر داشته باشند، به شرح زیر است:

- آرام و بادقت به سخنانش گوش دهید. مراجعه او به شما برای یافتن پاسخ پرسش‌هایش در این زمینه، به رفتار شما بستگی دارد؛
- از دادن اطلاعات زیاد و خارج از محدوده، خودداری کنید؛ زیرا وضع را مشکل‌تر می‌کند و بر نگرانی‌اش می‌افزاید؛
- در پاسخ دادن، به رشد سنی و سطح فهم کودک توجه کنید؛
- به پرسش‌هایش با شوخی و مزاح پاسخ ندهید. موضوع و فرزند را جدی بگیرید؛
- آنان را از جسم خود متنفر نسازید؛
- پاسخ‌ها نباید به هیچ وجه تحریک‌کننده باشند؛
- در محیطی دوستانه و به دور از دست‌پاچی و پنهان‌کاری، فرزندان را با تغییرات جسمی و روحی آشنا سازید؛
- هنگام پاسخ‌گویی، حجب و حیا را رعایت کنید و از پرده‌داری بپرهیزید؛
- اگر در زمینه‌های جنسی خطایی از او سرزد، هرگز مستقیم به این موضوع اشاره نکنید و او را تحقیر و سرزنش نکنید. بلکه از کسانی که به این کار دست می‌زنند مثال بزنید و آنان را تقبیح کنید و به او بگویید که مطمئنید آن اعمال را انجام نمی‌دهد و از او انتظار دیگری دارید (رک: معتمدی، همان، ص ۵۷).

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، راهکارهایی برای تربیت جنسی صحیح کودک ارائه شد. امید است والدین محترم با توجه به این راهکارها، بُعد جنسی شخصیت کودکان خود (تا سن هفت سالگی) را به بهترین نحو تربیت کنند.

اگر هویت جنسی کودکان، به درستی شکل نگیرد؛ اگر محرکات جنسی، توسط والدین کنترل نشوند و اگر به سؤالاتی که کودکان در زمینه جنسی می‌پرسند، پاسخ قانع‌کننده‌ای داده نشود؛ نتیجه این غفلت، ناهنجاری‌های جنسی می‌شود که جامعه را به محیطی ناامن و بستری برای تخلیه عقده‌های جنسی عده‌ای تبدیل می‌کند.

جا دارد که متولیان امر تربیت، به این مهم توجه داشته باشند و در فرهنگ‌سازی این مسئله در بین عموم مردم تلاش کرده و از این طریق، تا حدودی صحت و سلامت جنسی جامعه را تضمین کنند.

## فهرست منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.
۱. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲. احمدی، قاسم، تأثیر جنسیت در اخلاق، بی جا: دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۱.
۳. اسلامی نسب بجنوردی، علی، مشاوره جنسی و زناشویی، تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۷۹.
۴. امین زاده، مجتبی، مسائل جنسی کودکان، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۴.
۵. امینی، ابراهیم، آئین تربیت، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
۶. بنیان، فاطمه، مبادی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم، بی جا: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.
۷. ثابت، حافظ، «درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه»، تربیت اسلامی: همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام) (مقالات برگزیده)، محمد رضا تقی دخت، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. \_\_\_\_\_، تربیت جنسی در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۶.
۹. چراغ چشم، عباس، مبانی تربیت اسلامی، قم: آثار دانشمندان، ۱۳۸۵.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۱. خمینی، روح الله، استفتائات، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۲ق.
۱۲. سلیمی گندمی، غلامعلی، علل انحرافات اخلاقی نوجوان و جوان و راه های کنترل آن، قم: بیت الأحزان فاطمه (علیه السلام)، بی تا.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۴. غروی، محسن، تربیت فرزند بانشاط و سالم، قم: احمدیه، بی تا.
۱۵. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۱.
۱۶. قاسمی، محمدعلی، دوران طلایی تربیت فرزند از تولد تا هفت سالگی، قم: نورالزهرا (علیه السلام)، ۱۳۹۱.
۱۷. کلینی، ابوجعفر محمد، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۸. لطفی، محمد حسن، آثار افلاطون، ۴ جلد، تهران: خوارزمی، ۱۳۹۵.
۱۹. مصطفوی تبریزی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۰. مصلحی، جواد، تربیت جنسی فرزندان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۹۴.
۲۱. معتمدی، زهرا، رفتار با نوجوان، تهران: انتشارات لک لک، ۱۳۷۶.
۲۲. مولر آکین، سوزان، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، نادر نوری زاده، بی جا: قصیده سرا، ۱۳۸۳.
۲۳. هاشمی علی آبادی، سید احمد، غریزه جنسی از نگاه اسلام، تهران: کمال اندیشه، ۱۳۹۰.
۲۴. \_\_\_\_\_، شیوه های تربیتی مبتنی بر جنسیت و آثار آن از منظر آیات و روایات، بی جا: دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۴.





## معرفی انجمن علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت

انجمن علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی با هدف تعمیق و توسعه مباحث علوم تربیتی، نوآوری، تقویت و گسترش روحیه نظریه‌پردازی در حوزه تعلیم و تربیت، بهره‌گیری از اساتید و متخصصین رشته مربوطه و مدیریت علمی پژوهش‌ها و ظرفیت‌های تخصصی موجود، در مباحث مربوط به علوم تربیتی در دی ماه سال ۱۳۹۴ تشکیل شد.

این انجمن علمی - پژوهشی در عرصه‌های مختلف تربیتی و روانشناختی به فعالیت‌هایی چون؛ برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌ها، بازدید علمی و تعامل با مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی اقدام کرده است.

### از جمله این فعالیت‌ها:

نشست «آسیب‌شناسی ساختار خانواده مذهبی»، در این نشست ساختارهای خانواده‌های مذهبی، نحوه تشکیل آنها، آسیب‌شناسی این تحولات و نیز نمود آن در مجموعه جامعه الزهراء (ع) مورد بررسی قرار گرفت.

برگزاری کارگاه‌های مختلفی از جمله:

«منبع‌شناسی دیجیتال»، «کارگاه روش تحقیق میدانی (مقدماتی)»، «کارگاه روش تحقیق

میدانی (بیشرفته)»، «کارگاه آموزش مقاله‌نویسی پژوهشی با روش میدانی»، «کارگاه مقاله‌نویسی علمی با همکاری مرکز تخصصی تعلیم و تربیت»، برگزار کرده و بازدیدهایی از مراکز ذیل صورت گرفته است:

### ۱. مرکز مشاوره «مأوا»

دستاورد این بازدید دعوت به همکاری از طلاب فعال پژوهشی در مجله خانه خوبان، امکان دسترسی به کتب و جزوات و نشریات تخصصی برای طلاب، تخفیف ویژه جهت عضویت در کتابخانه مرکز مشاوره مأوا و امکان شرکت در کارگاه‌های برگزار شده از سوی آن مرکز و جذب مشاور از میان خواهران شرکت‌کننده در کارگاه‌هاست.

### ۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دستاورد این بازدید آشنایی با نحوه ساختار بندی برنامه‌ها و دستاوردهای پژوهشی آن مرکز و بهره‌مندی از بیانات معاونت پژوهش رشته تعلیم و تربیت آن مرکز، بود.

برنامه‌های آتی انجمن تعلیم و تربیت

- فراخوان جذب مقالات در زمینه کودک؛
- استفاده از طرح‌های ارائه شده از جانب طلاب تعلیم و تربیت جامعه الزهراء (ع) در برنامه‌های پژوهشی انجمن؛
- پذیرش ارائه تلخیص کتاب‌های تربیتی در زمینه کودک؛
- پذیرش طلاب داوطلب جهت تدوین سرفصل گام‌های پژوهشی ۲؛
- هم‌اندیشی با انجمن‌ها و پژوهشگاه‌های دیگر حوزه و دانشگاه‌ها.